

به نام خداوند جان و خرد

# درسنامه تکمیلی

## فارسی دهم

### قلمروهای زبانی، ادبی و فکری

(آرایه های ادبی، دستور زبان، املا، معنی نظم و نثر، مفاهیم مهم، تاریخ ادبیات)

همراه با مثال های کتاب و سوالات نهایی

غلامرضا بیژنی دبیر ادبیات شهرستان فسا

۰۹۰۱۷۳۱۳۶۳۹

## انواع «واو» الف) «و» عطف ب) «و» ربط ج) «و» میان وند

الف) «و» عطف: بین دو یا چند کلمه که دارای نقش یکسانی هستند، می آید

سعدی و حافظ در شیراز می زیسته اند هوا سرد و خشک است .

ب) «و» ربط: بین جملات می آید و آنها را به هم مربوط می کند: از کردارِ خود پشیمان شدند و روی به مولانا آوردند.

ج) «و» میان وند: بین واژه های مشتق، مرکب می آید. « داد و ستد، خرید و فروش، زد و خورد، زد و بند، نشست و برخاست، گفت و گو، پخت و پز، گیر و دار، رفت و آمد، تاخت و تاز

### تمرین انواع «و»

۱	در بهشت از هزار گونه نعمت است و در قرآن از هزار گونه پند و حکمت است .
۲	گفت: درین معرکه یکتا منم تاج سر گلبن و صحرا منم
۳	آدم در نقشه اش نبود و بهتر که نبود. در پیچ و تاب عرفانی اسلیمی، آدم چه کاره بود؟!
۴	سیف در این سروده، از رفتار ظالمانه فرمانروایان و تاخت و تاز سپاه مغول، با بیان کوبنده ای انتقاد می کند.
۵	پادشاه حجل گشت و دفع مضرت عامل بفرمود در حال

## انواع «را»

«را» در متون کهن کاربردهای مختلفی داشته است که در تعیین نقش واژه ها اهمیت بسیاری دارد

<b>۱) نشانه مفعول:</b> بعد از گروه مفعولی می آید.	
۱	درختان را دوست می دارم / که به احترام تو قیام کرده اند/ خون تو شرف را سرخگون کرده است
۲	جست از صدر دکان سویی گریخت شیشه های روغن گل را بریخت
<b>۲) حرف اضافه:</b> گاهی «را» به جای حروف اضافه (از، با، به، در، بر، برای) می آید (واژه همراه با این نوع «را»، متمم است)	
۱	علی ای هُمای رحمت تو چه آیتی خدا را
۲	هدیه ها می داد هر درویش را (به درویش: حرف اضافه) تا بیابد نطق مرغ خویش را (مفعولی)
۳	گر در طلبت رنجی، ما را برسد شاید چون عشق حرم باشد، سهل است بیابان ها
۴	برو ای گدای مسکین در خانه علی زن که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را
۵	تو را بهتر آید که فرمان کنی رخ نامور، سوی توران کنی
<b>۳) فک اضافه</b> (جای مضاف و مضاف الیه را عوض می کند و بین آنها فاصله می اندازد)	
۱	یعقوب، خود او را به صبر آموزگار بود آموزگار (مضاف) / او: (مضاف الیه) آموزگار او بود
۲	یکی از دوستان مخلص را مگر آواز من رسید به گوش
۳	مرا مادرم نام، مرگ تو کرد زمانه مرا پتک ترگ تو کرد
۴	تهمتن بر آشفتم و با طوس گفت که رهام را جام باده است جفت

۵	تا چون بر رقعۀ من اطلاع یابد، قیاس کند که مرا اهلیت چیست
۶	برادران یوسف، چون او را زیادت نعمت دیدند و یعقوب را بدو میل و عنایت دیدند، آهنگ مکر و عداوت کردند

### حذف و انواع آن: (الف) حذف به قرینه لفظی (ب) حذف به قرینه معنوی

**(الف) حذف به قرینه لفظی:** برای پرهیز از تکرار صورت می گیرد. (یعنی قسمت حذف شده در جمله قبل وجود دارد)  
**مَنْتَ خدای را عَزَّوَجَلَّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت [ است ]**  
 نو میدی را در امید پسته دان و امید را در نو میدی [ پسته دان ]

۱	درختان را دوست می دارم / که به احترام تو قیام کرده اند / و آب را / که مهر مادر توست
۲	مردی بر درازگوش نشسته بود و بزوی را رشته در گردن کرده و جَلَّجل در گردن او محکم بسته ، از پس وی می دوید.
۳	من و برادرم هر یک لُنگی کهنه پوشیده بودیم و پلاس پاره ای در پشت بسته از سرما
۴	هر دو گون زنبور خوردند از محل لیک شد زان نیش و زین دیگر عسل

**(ب) حذف به قرینه معنوی:** با توجه به معنی و مفهوم جمله به بخش حذف شده پی می بریم.

سر و زر و دل و جانم فدای آن یاری [ ] که حق صحبت مهر و وفانگه دارد

موارد حذف به قرینه معنوی :

(۱) منادا (۲) شبه جمله ها (۳) سوگند و شروع کار با نام خدا (۴) واژه های تفضیلی (به، بهتر) (۵) فعل جمله های پرکاربرد (۶) فعل جملات پرسشی:

۱	به نام کردگار هفت افلاک	که پیدا کرد آدم از کفی خاک
۲	دل اگر خدا شناسی همه در رخ علی بین	به علی شناختم من ، به خدا قسم خدا را
۳	گفتم این شرط آدمیت نیست	مرغ تسبیح گوی و من خاموش
۴	دمی آب خوردن پس از بدسگال	به از عمر هفتاد و هشتاد سال
۵	گویند مگو سعدی ، چندین سخن از عشقش	می گویم و بعد از من گویند به دوران ها
۶	زیرا که نیکو خو، بهتر هزار بار از نیکو رو . / الهی، فضل خود را یار ما کن / آه، ای مرگ تو معیار	

شمارش جملات: (۱) شمارش فعل های موجود (۲) شمارش فعل های حذف شده (۳) شمارش مناداها و شبه جمله ها

**تمرین: تعداد جملات را مشخص کنید**

۱	من ایرانی ام ، آرمانم شهادت	تجلی هستی است ، جان کندن من
۲	گفتم این شرط آدمیت نیست	مرغ، تسبیح گوی و من خاموش
۳	گویند مگو سعدی» چندین سخن از عشقش	می گویم و بعد از من گویند به دور آنها

### جملات ساده و مرکب

**حروف ربط دو نوع اند:** (۱) هم پایه ساز (۲) وابسته ساز

(۱) هم پایه ساز: «و»، «ولی»، «اما»، «یا» جملات ساده را به هم وصل می کند .

کارش نگار نقشه قالی بود و در آن دستی نازک داشت. فضا از نم باران آکنده است، اما آفتاب فتح درخششی دارد.



۲) وابسته ساز: واژه های «که»، «تا»، «زیرا که»، «هنگامی که»، «اگر»، «اگرچه»، «وقتی که»، «چون» در جملات

مرکب می آیند و پیوند دهنده جمله هسته (پایه) و جمله وابسته (پیرو) هستند

اگر زخمش را نبسته بودی، بدون آشتی با تو می مرد.

هنگامی که کیخسرو در ایران بر تخت نشست، افراسیاب در سرزمین توران بر تخت پادشاهی نشسته بود.

**الف) جمله ساده:** جمله ای که یک فعل دارد و معنایش کامل است .

خورشید طلوع کرد .  
لبخند تو خلاصه خوبی هاست

**ب) جمله مرکب:** بیش از یک فعل دارد ، با حروف ربط وابسته ساز به هم وصل می شوند.

اگر تلاش کنی ، موفق می شوی

وقتی دل سودایی می رفت به بستانها بی خویشتم کردی بوی گل و ریحانها

جمله مرکب، معمولاً از یک جمله پایه (هسته) و یک یا چند جمله پیرو (وابسته) تشکیل می شود.

بخشی که پیوند وابسته ساز ندارد، «پایه» است.

اگر او در آن نزدیکی نبود ، آن لانه ساخته نمی شد.

اگر: حرف ربط وابسته ساز / او در آن نزدیکی نبود : جمله پیرو (وابسته) / آن لانه ساخته نمی شد. جمله پایه (هسته)

شود کوه آهن چو دریای آب اگر بشنود نام افراسیاب

نکته : گاهی حرف ربط وابسته ساز از جمله حذف می شود

می دانستم قهرمان می شود :  
می دانستم [که] قهرمان می شود

با خودم گفتم: جنگ، مسئله ریاضی نیست:  
با خودم گفتم: [که] جنگ، مسئله ریاضی نیست

نشانه جمله وابسته ، حرف پیوند وابسته ساز است :

۱	تا خار غم عشقت آویخته در دامن	کوتاه نظری باشد رفتن به گلستان ها
۲	گر در طلبت رنجی، ما را برسد ، شاید	چون عشق حرم باشد ، سهل است بیابان ها
۳	کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید	قضا همی بردش تا به سوی دانه و دام
۴	چو آمد خروشان به تنگ اندرش	بجنید و برداشت خود از سرش
۵	هدیه ها می داد هر درویش را	تا بیابد نطق مرغ خویش را
۶	چون به بصره رسیدیم، از برهنگی و عاجزی به دیوانگان مانده بودیم	

### فعل و انواع آن

**فعل:** مهم ترین عضو گزاره است و حداقل از یک بن فعل و شناسه ، تشکیل می شود. (حداقل دو جزء دارد)

مقاله ام را نوشتم . ( نوشت + م )  
مقاله اش را نوشته بود. ( نوشت + ه + بود + Ø )

بن فعل : جزء مشترک در هر شش شخص بن فعل است که به دو گروه بن ماضی و بن مضارع تقسیم می شود .

بن ماضی ( مصدر بدون «ن» (مصدر مرخم)) برای یافتن بن ماضی ، لازم است که «ن» را از آخر مصدر حذف کنیم.

نشستن: نشست  
پرداختن: پرداز



**بن مضارع:** (فعل امر مفرد بدون بـ آغازین) ابتدا فعل امر (امر مفرد) را می‌سازیم و حرف «ب» را از ابتدای آن حذف می‌کنیم.

فعل	مصدر	فعل امر مفرد	بن مضارع
می‌بیند	دیدن	بین	بین
نشسته بود	نشستن	بنشین	نشین

بن ماضی و مضارع افعال زیر را بیابید.

	مصدر	بن ماضی	بن مضارع	مصدر	بن ماضی	بن مضارع
۱	آمدن		۶	زدودن		
۲	آراستن		۷	گماردن		
۳	بالیدن		۸	گریستن		
۴	آلودن		۹	پالودن		
۵	افکندن		۱۰	گسستن		

زمان و نوع افعال فارسی

ماضی ساده	بن ماضی فعل + شناسه	نوشتن ...
تو را «جنوب» نامیدم / آنکه حزم زیادت داشت، سبک روی به کار آورد		
روزی در خیابان او را دیدم؛ شادی کردم و به سویش دویدم		
ماضی استمراری	(می + بن ماضی فعل + شناسه)	می رفتم ...
گه نعره زدی بلبل، گه جامه دریدی / گل با یاد تو افتادم از یاد برفت آنها / می زد / می درید		
معلم، مرغان را گویا می کشید؛ گوزن را رعنا رقم می زد؛ خرگوش را چابک می بست؛ سگ را روان گرته می ریخت		
ماضی بعید	صفت مفعولی + فعل کمکی («بود» + شناسه)	خورده بودم ...
مردی به بغداد آمد و بر درازگوش نشسته بود / بارها دست برد زمانه جافی را دیده بود		
خسرو، موسیقی ایرانی، یعنی آواز را از مرحوم درویش خان آموخته بود.		
ماضی نقلی:	صفت مفعولی + ام، ای، است، ایم، آید، اند	رفته ام ...
این‌ها که نوشته ام، وصف حال رزمنده ای است که با یک آستین خالی، در کنار «خور» ایستاده است.		
حسرت نبرم به خواب آن مرداب / کارام درون دشت شب خفته است		
ماضی التزامی:	صفت مفعولی + فعل کمکی («باش» + شناسه)	نوشته باشم ...
از آموختن، ننگ مدار تا از ننگ رسته باشی / می توانی خدا را به تمامی در تملک خویش داشته باشی		
هرگز گمان نمی کردم که کار از کار گذشته باشد.		

ماضی مستمر:	بن ماضی داشت + شناسه (فعل کمکی) + ماضی استمراری (فعل اصلی)	داشتم می رفتم...
داشتم می رفتم که باران شروع شد / پرستو داشت لانه می ساخت		
مضارع اخباری:	می + بن مضارع + شناسه گاه بدون «می» (روم / گوید)	می دَوم ...
چندان تناوری و بلند / که هنگام تماشا / کلاه از سر کودک عقل می افتد		
من آزاده از خاک آزادگانم گل صبر ، می پرورد دامن من		
مضارع التزامی:	ب + بن مضارع + شناسه گاه بدون «ب» (جوید/ روید)	بدَوم ...
از قضا، روزی دو صیاد بر آن گذشتند و با یکدیگر میعاد نهادند که دام بیازند و هر سه را بگیرند.		
تنم گر بسوزی ، به تیرم بدوزی جدا سازی ای خصم ، سر از تن من		
مضارع مستمر	بن مضارع دار + شناسه (فعل کمکی) + مضارع اخباری (فعل اصلی)	دارم می روم ...
اکنون دارم به مدرسه می روم / باران دارد به شدت می بارد / پرنده ها دارند در اینجا لانه می سازند		
آینده	بن مضارع «خواه» + شناسه + بن ماضی	خواهم گفت ...
تاریخ، روستای کوچکی را به یاد خواهد آورد / ناتانائیل، من به تو شور و شوقی خواهم آموخت		
کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید قضا همی بردش تا به سوی دانه و دام		

### نقش واژه ها در جمله

جملات عادی حداقل دو و حداکثر چهار جزء دارند .

انواع جمله	تعداد اجزا	نام اجزا	مثال
عادی	دو جزئی	نهاد + فعل (ناگذر)	باران می بارد
	سه جزئی	نهاد+ مسند + فعل (اسنادی)	هوا سرد است
		نهاد+ مفعول + فعل (مفعولی)	علی نامه را نوشت
	چهار جزئی	نهاد+ متمم + فعل (متممی)	من به آینده می اندیشم
		نهاد+ مفعول + متمم + فعل (مفعولی- متممی)	صیاد پرنده را از دام رهااند .
		نهاد+ مفعول + مسند+ فعل (مفعولی- مسندی)	مردم ، فردوسی را حکیم می دانند
			نهاد+ متمم + مسند+ فعل (متممی- مسندی)

اجزای جمله ، دو دسته اند : (۱) اصلی (۲) فرعی

اجزای اصلی : (۱) نهاد (۲) مسند (۳) متمم (۴) مفعول (۵) فعل

اجزای فرعی : (۱) منادا (۲) مضاف الیه (۳) صفت (۴) قید (۵) نقش های تبعی: الف) بدل ب) تکرار ج) معطوف

## نهاد

**نهاد** : کلمه یا گروهی از کلمات است که درباره آن خبری می دهیم؛ یعنی «صاحب خبر» است.  
**گل** از شوق تو خندان در بهار است / دگرباره ایران پر آوازه شد / ماه بیند رخ خود را به من

۱	ابر ز من حامل سرمایه شد	باغ ز من صاحب پیرایه شد
۲	وقتی دل سودایی ، می رفت به بستان ها	بی خویشتم کردی، بوی گل و ریحان ها
۳	گه نعره زدی بلبل، گه جامه دریدی گل	با یاد تو افتادم از یاد برفت آنها
۴	من ایرانی ام آرمانم شهادت	تجلی هستی است جان کندن من
۵	بر در بخت بد فرود آید	هر که گیرد عنان مرکبش، آرز
۶	جواب نبشت که حاجت نیست به گل و خشت و سنگ و گچ.	

## مسند

**مسند** : صفت یا حالتی است که با فعل اسنادی به نهاد نسبت داده می شود.

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکِی و خدایی / گشت غمناک دل و جان عقاب / چو از او دور شد ایام شباب  
**فعل هایی که مسند می گیرند دو دسته اند :**  
**الف: اسنادی :** « است . بود . شد . گشت . گردید »

**ب: شبه اسنادی :** فعل هایی هستند که جزء فعل های اسنادی نیستند اما در معنی آنها به کار می روند و نیازمند مسند هستند .

اسنادی	سه جزئی اسنادی	است ، بود ، شد ، گشت ، گردید	هوا سرد است / او تنها بود
شبه اسنادی	سه جزئی اسنادی	نام داشتن	او، حسین نام دارد
		به شمار آمدن	فقر، عامل اصلی جرم به شمار می آید
	چهار جزئی مقعولی مسندی	به نظر رسیدن	او، تنها به نظر می رسد
		ماندن (در معنی مجهول فعل گذاشتن)	در، باز ماند / تو تنها نمی مانی
چهار جزئی مسندی	نامیدن	خواندن، صدا زدن، گفتن، صدا کردن	ما فردوسی را حکیم می نامیم / می خوانیم
	پنداشتن	دانستن، گرفتن، دیدن، تصور کردن	او را عاقل می پنداشتم / می دانستم / می دیدم
	گرداندن	ساختن، نمودن، کردن	باران، هوا را سرد ساخت / نمود / کرد / گرداند
چهار جزئی مسندی	شمردن	به شمار آوردن، به حساب آوردن، حساب کردن	من، تو را دوست خود به شمار می آورم
	گفتن	فقط از مصدر « گفتن »	مردم به او دکتر می گویند

تمرین : مسند را بیابید

۱	گشت یکی چشمه ز سنگی جدا	غلغله زن، چهره نما، تیز پا
۲	وقتی دل سودایی ، می رفت به بستان ها	بی خویشتم کردی، بوی گل و ریحان ها
۳	گفت باور نداشتم که تو را	بانگ مرغی چنین کند مدهوش



۴	من ایرانی ام آرمانم شهادت	تجلی هستی است جان کندن من
۵	دمی آب خوردن پس از بدسگال	به از عمر هفتاد و هشتاد سال
۶	من از سخن او جاهل نمی گردم و او از خلق و خوی من عاقل می گردد.	
۷	هر شادی که بازگشت آن به غم است، آن را شادی مَشمَر.	
۸	تو را جنوب نامیدم / تو را آب ها و خوشه ها و ستاره غروب نامیدم	

### متمم

گروه اسمی است که بعد از حرف اضافه (از . با . به . در . بر . برای . به دلیل . از نظر . مانند . درباره و ...) بیاید .  
به آینده می اندیشید . او از تاریکی می ترسد . هدیه ها می داد هر درویش را (به درویش : حرف اضافه) (را : به)

۱	در دکان بودی نگهبان دکان	نکنه گفتی با همه سوداگران
۲	هدیه ها می داد هر درویش را	تا بیابد نطق مرغ خویش را
۳	بروای گدای مسکین در خانه علی زن	که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را
۴	پس به زجر و مصادره از وی بازستانی و در خزینه نهی، درویش و رعیت را چه سود دارد؟	
۵	چون به بصره رسیدیم، از برهنگی و عاجزی به دیوانگان مانده بودیم.	

دو حرف اضافه برای یک متمم:

۱	کمان به زه را به بازو فکند	به بند کمر پر، بزد تیر چند
۲	به رستم پر آنگه بباید تیر	تهمت بدو گفت بر خیره خیر
۳	چو آمد خروشان به تنگ اندرش	بجنید و برداشت خود از سرش
۴	چون داد عادلان به جهان در بقا نکرد	بیداد ظالمان شما نیز بگذرد.
۵	زنی بود بر سان گردی سوار	همیشه به جنگ اندرون ، نامدار
۶	به سهراب پر، تیر باران گرفت	چپ و راست جنگ سواران گرفت
۷	به جمشید پر، تیره گون گشت روز	همی کاست زو، فر گیتی فروز

### مفعول

مفعول : گروه اسمی است که همراه با فعل های گذرا به مفعول ( نیازمند مفعول ) می آید .  
مثل : خواندن . نوشتن . خوردن . دواندن . خریدن .

\* گاهی نشانه «را» حذف می شود . بادی که در زمانه بسی شمع ها بگشت هم بر چراغدان شما نیز بگذرد

\* گاهی «را»، نشانه مفعول نیست

بد اندیش را آتش خرمن اند: آتش خرمن بداندیش هستند فک اضافه

هدیه ها می داد هر درویش را: به هر درویش هدیه می داد حرف اضافه

\* گاهی مفعول به صورت جمله می آید (بعد از فعل «گفت» )

\* گفت: «باور نداشتم که تو را بانگ مرغی چنین کند مدهوش»

\* معلّم پای تخته رسید؛ گچ را گرفت؛ برگشت و گفت: «خرگوشی می کشم تا بکشید»

تمرین : مفعول را بیابید

۱	درختان را دوست می دارم / که به احترام تو قیام کرده اند / و آب را / که مَهر مادر دوست
۲	چون بگشایم ز سر مو، شکن ماه ببیند رخ خود را به من
۳	جست از صدر دکان، سویی گریخت شیشه های روغن گل را بریخت
۴	کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید قضا همی بردش تا به سوی دانه و دام
۵	به او گفت که دیشب باد دیوار را خراب کرده است

نقش و جهش ضمیر

ضمایر متصل (اگر در جای اصلی خود آمده باشند) در سه نوع نقش دستوری ظاهر می شوند: (۱) مفعول (۲) متمّم (۳) مضاف الیه

\* اگر به فعل متصل شود، «مفعول» یا «متمّم» است. گفتمش : به او گفتم : متمّم // دیدمش : او را دیدم : مفعول

\* اگر به اسم متصل شود، «مضاف الیه» است. نقابت : نقابت تو : مضاف الیه // چهره اش : چهره او : مضاف الیه

«جهش» یا «جابه جایی ضمیر»

گاه ضمیر در جایگاه اصلی خود قرار نمی گیرد به این شیوه کاربرد ضمیر، «جهش» یا «جابه جایی ضمیر» می گویند.

لاله دیدم، روی زیبای توام آمد به یاد شعله دیدم، سرکشی های توام آمد به یاد به یاد آمد : مضاف الیه

ای آفتاب خوبان می جوشد یک ساعت بگنجان در سایه عنایت بگنجانم : من را بگنجان : مفعول

تمرین : نقش ضمیر متصل را مشخص کنید

۱	مخور طعمه جز خسروانی خورش که جان یابدت زان خورش، پرورش
۲	ز کس جز خداوندشان بیم نیست به فرهنگشان حرف تسلیم نیست
۳	تنم گر بسوزی، به تیرم بدوزی جداسازی ای خصم، سر از تن من
۴	وقتی دل سودایی می رفت به بستان ها بی خویشتم بوی گل و ریحان ها
۵	نیامد به دامم به سان تو گور ز چنگم رهایی نیایی، مشور
۶	معرف بر پای خاست و گفت: «خدایش پیامرزا که هرکسی از آنجا که هست، یک گام، فراتر آید.»

اجزای فرعی

(۱) منادا: کلمه یا کلماتی که بعد از نشانه ندا می آیند (نشانه های ندا: «ای، یا، آیا، ا،» )

ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست منزل آن مه عاشق کش عیار کجاست

حافظا می خور و رندی کن و خوش باش ولی دام تزویر مکن چون دگران قرآن را

\* گاهی نشانه ندا حذف می شود (برای تشخیص باید نشانه ندا را اضافه کرد)

سعدی، به روزگاران مهربی نشسته در دل بیرون نمی توان کرد الا به روزگاران

\* گاهی منادا حذف می شود و نشانه ندا باقی می ماند (در این موارد می توان به جای منادا « کسی که » را قرار داد و جمله را امتحان کرد)

ای کعبه به داغ ماتمت نیلی پوش : ای کسی که کعبه به داغ ماتمت نیلی پوش است

۱	الهی فضل خود را یار ما کن	ز رحمت یک نظر در کار ما کن
۲	ز نوای مرغ یا حق بشنو که در دل شب	غم دل به دوست گفتن چه خوش است شهریارا
۳	علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را	که به ما سوا فکندی همه سایه هما را
۴	گویند مگو سعدی چندین سخن از عشقش	می گویم و بعد از من گویند به دوران ها
۵	تو را جنوب نامیدم / ای چون سبزه برآمده از دفتر روزگاران / ای مسافر دیرین بر روی خار و درد	
۶	آه، ای مرگ تو معیارا!	

(۲) **مضاف الیه:** اسم یا ضمیری است که بعد از کسره (نقش نمایی اضافه) بیاید

برگ درخت ، قطره های باران ، برآمدن ماه ، ارزش این ، برادر من ، برادرم ، نور این مهتاب

۱	هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد	هم رونق زمان شما نیز بگذرد
۲	تا عهد تو در بستم عهد همه بشکستم	بعد از تو روا باشد نقض همه پیمان ها
۳	چندان تناوری و بلند / که هنگام تماشا / کلاه از سر کودک عقل می افتد	
۴	دیگری هم که از پیرایه خرد و ذخیرت تجربت بی بهره نبود، با خود گفت: « غفلت کردم و فرجام کار غافلان چنین باشد و اکنون وقت حیلت است	
۵	عاقل از منافع دانش هرگز نومید نگردد و در دفع مکیاید دشمن تأخیر صواب نبیند	

(۳) **صفت بیانی:** صفتی است که همراه اسم و اغلب پس از آن می آید و ویژگی اسم را بیان می کند.

درخت سبز ، داستان شنیدنی ، مزه تلخ ، شیشه شکسته ، مرد خریدار ، کودک خندان

انواع صفت بیانی: (۱) مطلق: روشن، سبز، قدبلند، خردمند (۲) فاعلی: خواننده، آفریدگار، خریدار، دانا، ستمگر

(۳) مفعولی: شکسته، افسرده، گرفتار (۴) لیاقت: پوشیدنی، خواندنی (۵) نسبی: آسمانی، شیرازی، جسمانی

۱	در بن این پرده نیلوفری	کیست کند با چو منی همسری
۲	وقتی دل سودایی می رفت به بستان ها	بی خویشتم کردی بوی گل و ریحان ها
۳	آنکه حزم زیادت داشت و بارها دست برد زمانه جافی را دیده بود، سبک روی به کار آورد	
۴	خلف صدق نیاکان هنرور خود بود / پیش از سفر تابستانه یوش بود.	
۵	آنگاه به خروس سنگدل پرداختم و به سزای عمل ناجوانمردانه اش سرش از تن جدا کردم	

(۴) **قید:** واژه ای است که جمله یا جزئی از آن را مقید می کند یا توضیحی نظیر مفهوم حالت، زمان، مکان، تردید، یقین، تکرار و ... را به جمله می افزاید.

۱	حالت	باران ، آهسته، می بارد	۴	تردید	احتمالاً باران می بارد
۲	زمان	دیروز ، باران بارید	۵	یقین	مطمئناً باران می بارد
۳	مکان	در شیراز باران می بارد	۶	تکرار	باران ، قطره قطره می بارد



۱	شاد و بی غم بزی که شادی و غم	زود آیند و زود می گذرند
۲	چو آمد خروشان به تنگ اندرش	بجنبید و برداشت خود از سرش
۳	مدیر آهسته از کلاس بیرون رفت و دم برنیورد	
۴	پادشاه خجل گشت و دفع مضرت عامل بفرمود در حال	
۵	میرزا مسیح خان سخت، نزدیک بین بود	
۶	«صاد» هرگز جانوری جز از پهلو نکشید	

### اجزای فرعی (نقش های تبعی) (۱ بدل ۲ تکرار ۳ معطوف)

نقش های تبعی: نقش هایی هستند که از نقش قبل از خود تبعیت می کنند. مانند: معطوف، بدل، تکرار

**(۱) بدل:** گروه اسمی است که درباره ی اسم قبل از خود توضیح بیشتری می دهد.

قابل حذف است و بین دو «،» قرار می گیرد. عطار، سراینده ی منطق الطیر، از عارفان بزرگ بود.

۱	یک روز میرزا مسیح خان، معلم انشا، خسرو را صدا کرد که انشایش را بخواند.
۲	فردوسی، شاعر ایرانی، روزگار خود را در آن به سر برده بود
۳	به آنجا که نیای بزرگش، چنگیز، در معبدی آهنین آرمیده است، روی آورد.
۴	یعقوب خود او را به صبر آموزگار بود.
۵	بهمن، پسر همسایه، توی حیاط خودشان دور باغچه می گشت

**(۲) تکرار:** نقشی که در جمله برای تأکید، دو بار بیاید.

باران می بارد باران. **تکرار نهاد** به تو می اندیشم به تو. **تکرار متمم**

نکته: واژه باید حتماً در یک نقش تکرار شود و در دو جمله جدا نباشد

تن ز جان و جان ز تن مستور نیست لیک کس را دید جان دستور نیست متمم. نهاد. مضاف الیه

۱	جز تو، کسی نمانده است/ که در زندگی ما نخل و عنب و تاکستان بکارد/ مگر تو! / مگر تو!
۲	ناصر درحالی که مثل بید می لرزید، با حق هق گریه گفت: «دیو... دیو... آمده من را بخورد.
۳	تنی چند با او هم صدا شدند: «اسب، اسب!»

**(۳) معطوف: واژه، یا واژه هایی که بعد از حرف «واو» عطف بیاید.**

نکته: «واو» عطف بین واژه هایی که نقش یکسان دارد قرار می گیرد و «واو» ربط بین جمله ها می آید.

۱	وقتی دل سودایی می رفت به بستان ها بی خویشتم کردی بوی گل و ریحان ها
۲	پس به زجر و مصادره از وی بازستانی و در خزینه نهی، درویش و رعیت را چه سود دار؟
۳	زنگ نقاشی، دلخواه و روان بود.
۴	چون به بصره رسیدیم، از برهنگی و عاجزی به دیوانگان مانده بودیم

گروه اسمی: از ترکیب یک یا چند واژه، گروه ساخته می شود. وجود هسته اجباری و وجود وابسته اختیاری است.

هسته: اولین کلمه ای است که کسره دارد یا می تواند بگیرد. (کوه بزرگ / آن دو کوه)

هسته می تواند از نظر ساختمانی ساده، مرکب یا مشتق - مرکب باشد

کتاب فارسی کتاب خانه بزرگ از دست دادن حافظه به یاد آوردن خاطرات کهن

وابسته ها در گروه اسمی دو نوع هستند: وابسته ها وابسته های پیشین و پسین

الف) وابسته های پیشین عبارت اند از:

۱	صفت اشاره	این، آن، همین، همان، چنین، چنان ...
۲	صفت پرسشی	کدام، چند، چندمین، چه ...
۳	صفت تعجبی	چه، عجب.
۴	صفت مبهم	هر، هیچ، همه، برخی، چند، بعضی، تعدادی، فلان، دیگر ...
۵	صفت عالی (صفت + ترین)	زیباترین، دانا ترین، سریع ترین، بهترین ...
۶	صفت شمارشی اصلی	یک، دو، سه، صد، هزار ...
۷	صفت شمارشی ترتیبی (اعداد ترتیبی + مین)	اولین (یکمین، نخستین) دومین، پنجمین، آخرین، ...
۸	شاخص (القابی که بدون هیچ نشانه یا نقش نمایی (کسره) پیش از اسم می آیند)	آقا، استاد، امام، خواهر، حاجی، عمو، خاله، سرهنگ، کدخدای، مهندس، دکتر، میرزا، سلطان ...

تکته: این واژه ها در صورتی وابسته اند که با یک اسم (هسته) همراه باشند و اگر تنها بیایند، هسته گروه اسمی هستند و نقش

اسم را بر عهده می گیرند

همان داستان را خواند	وابسته: صفت اشاره	همان را خواند	هسته و متمم
کدام کتاب را خریدی؟	وابسته: صفت پرسشی	کدام را خریدی؟	هسته و مفعول

ب) وابسته های پسین

۱	صفت شمارشی ترتیبی	یکم، دوم، سوم
۲	مضاف الیه (اسم + مضاف / ضمیر)	درخت مدرسه، درون مایه داستان، برادرت
۳	صفت بیانی (مطلق، فاعلی، مفعولی و لیاقت نسبی)	برگ سبز، انسان دانا، شیشه شکسته، داستان خواندنی، کتاب آسمانی

### ترکیب اضافی (مضاف و مضاف الیه)

منظور از ترکیب اضافی همان مضاف و مضاف الیه است. اسم + اسم / ضمیر  
برگِ درخت کشتیِ نوح برادرِ تو مطالعهٔ شعر شعر نیما برادرت (برادر تو  
ترکیب وصفی: ترکیبی است با حداقل دو کلمه که یکی از آن‌ها صفت (از هر نوعی) و دیگری اسم باشد.  
ترکیب وصفی دو نوع است.

- (۱) اسم + صفت (بیانی / شمارشی / مبهم) گل زیبا نفر سوم هدف دیگر  
(۲) صفت (شمارشی / تعجیبی / اشاره / پرسشی / مبهم / عالی) + اسم  
دو دانش آموز / عجب حکایتی / آن برگ / کدام کتاب؟ / برخی شهرها / بلندترین کوه

### تمرین هسته و وابسته

۱	رزاق هر پیدا و پنهان	۲۱	سالار آن انجمن
۲	فروغ رویت	۲۲	بیداد ظالمان شما
۳	دست برد زمانهٔ جافی	۲۳	یادگار نسیم صبا
۴	فرجام کار غافلان	۲۴	پیچ و تاب عرفانی اسلیمی
۵	رونق زمان شما	۲۵	خلف صدق نیاکان هنرور خود
۶	گلو گیر خاص و عام	۲۶	تقدیر تاریخی زمین
۷	غبار راهگذارت	۲۷	آیینۀ تجلی همهٔ تاریخ
۸	بوی گل و ریحان‌ها	۲۸	همان ساعات اولیۀ عملیات
۹	شاگرد وفادار حقیرت	۲۹	متن عظیم‌ترین تحولات تاریخ جهان
۱۰	سفر تابستانهٔ یوش	۳۰	معرکهٔ قلوب مجاهدان خدا
۱۱	قوةٔ الهی آنان	۳۱	شیشه‌های روغن گل
۱۲	خطوط دفاعی دشمن	۳۲	نطق مرغ خویش
۱۳	وسعت جبههٔ فتح	۳۳	جامهٔ مرد زخمی
۱۴	گیرا ترین زنان شاهنامه	۳۴	تاریخ آیندهٔ بشریت
۱۵	درع سواران جنگ	۳۵	دفع مضرّت عامل
۱۶	سر و صدای شلوغ گنجشک‌ها	۳۶	طالع مسعود خویشان
۱۷	نماز صبح شهادت	۳۷	سی دینار مغربی
۱۸	ضامن دوام جهان	۳۸	رازهای شگفت خلقت
۱۹	گوشهٔ روشن وجدان تاریخ	۳۹	آسمان سینهٔ مؤمنین
۲۰	شیرین ترین لبخند	۴۰	همان آهنگ گیرا



واژه های هم آوا: واژه هایی که تلفظ آن ها یکسان اما معنای آنها متفاوت است .

۱	اشباه: مانندها	اشباح: سایه ها	۱۴	مغلوب: شکست خورده	مقلوب: وارونه
۲	اثاث: کالا	اساس: پی، بنیاد، اصل	۱۵	قضا: تقدیر، سرنوشت	غذا: خوراک
۳	اسرار: رازها	اصرار: پافشاری	۱۶	ثواب: پاداش	صواب: راست و درست
۴	امل: آرزو (ج=آمال)	عمل: کار (ج=اعمال)	۱۷	روان: جاری	روان: روح
۵	امارت: فرمانروایی	عمارت: آبادانی	۱۸	حیات: زندگی	حیاط: محوطه خانه
۶	بحر: دریا	بهر: قسمت، نسیب	۱۹	سبا: نام سرزمین	صبا: بادی خنک
۷	خویش: خود، فامیل	خیش: گاو آهن	۲۰	قدر: ارزش، مقدار	قدر: بی وفایی و نیرنگ
۸	حازم: محتاط	هاضم: هضم کننده	۲۱	قربت: نزدیکی	غربت: دوری
۹	حزم: هوشیاری	هضم: گوارش	۲۲	فراغ: آسایش	فراق: جدایی
۱۰	قرابت: خویشاوندی	غرابت: عجیب بودن	۲۳	زمان: وقت	ضمان: پذیرفتن، ضمانت
۱۱	جزر: پس رفت آب	جذر: ریشه دوم عدد	۲۴	نغز: خوب، لطیف	نقض: شکستن پیمان
۱۲	علم: پرچم	آلم: درد	۲۵	قوی: نیرومند	غوی: گمراه و سرگشته
۱۳	خوار حقیر و ذلیل	خار: تیغ گل			

املا

در زبان فارسی کلمه ای اهمیت املائی بیشتری دارد که یک یا چند حرف از حروف شش گانه زیر در آن باشد

۱	ع، ه	عمارت کردن. لثیمی. طمانینه. فراعنه. هیئت. عنان. عنود. مائده
۲	ت، ط	تیمار. طرب. تَلَطَف. طاس. مَطْرَبی. خِطَه. فتراک. خطابه
۳	ح، ه	حازم. اهلیت. مصلحت. اشباه. استرحام. سفاهت. تسبیح
۴	ذ، ز، ض، ظ	فضل. نمط. حضيض. ضامن. خذلان. نقض. تازی. تقریظ. حاذق
۵	ث، س، ص	مستغنی. تسلا. مخمصه. اسطوره. توسن. نسیان. مسکر. طرفه
۶	غ، ق	فروغ. قرابت. غبطه. فرقت. فراغ. گوک. نقض. فرقت. غنا

۱	عافل در دفع مکاید دشمن تأخیر (ثواب / صواب) نبیند.
۲	آنکه غفلت بر احوال وی (قالب / غالب) و عجز در افعال وی ظاهر بود، سرگردان چپ و راست می رفت.
۳	(خواست / خاست) کزان (ورطه / ورته)، قدم درکشد خویشان از حادثه برتر کشد
۴	عامل شهری به خلیفه نبشت که دیوار شهر، خراب شده است، آن را (امارت - عمارت) باید کردن
۵	فلق، محرایی / که تو در آن / نماز صبح شهادت (گذارده ای / گزارده ای)

۶	در آبیگری سه ماهی بود: دو (حازم - هازم). یکی عاجز
۷	چشم های پریغض و کینه اش به دیوارِ نوساز، به بنا و (امله ها - عمله ها) خیره شده بود
۸	(عزمت - عظمت) ضامن دوام جهان شد
۹	چو سرو از راستی برزد (آلم - علم) را ندید اندر جهان تاراج غم را
۱۰	مردنی چنان / (غبطه - قبطه) بزرگ زندگان شد
۱۱	آن که (هضم / حزم) زیادت داشت و بارها دست برد زمانه جافی را دیده بود، سبک روی به کار آورد
۱۲	آب (اجل / عجل) که هست گلو گیر خاص و عام بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد
۱۳	ما بارگه دادیم، این رفت ستم بر ما بر قصر ستمکاران، گویی چه رسد (خزلان / خذلان)
۱۴	(سبا / صبا) بر آن سر زلف ار دل مرا بینی ز روی لطف بگویی که جا نگاه دارد
۱۵	تا نگردی آشنا زین پرده رمزی نشنوی گوش (نامحرم / نامهرم) نباشد جای پیغام سروش
۱۶	ای شیخ آمده ام تا از (اسرار / اصرار) حق چیزی با من نمایی
۱۷	حسنِت به اتِّفاق (ملاحت / ملاحِت) جهان گرفت آری به اتِّفاق، جهان می توان گرفت
۱۸	خدای، تبارک و تعالی، همه بندگان خود را از عذاب (غرض / قرض) و دین فرج دهد
۱۹	ما را به انعام و اکرام به راه دریا گسیل کرد؛ چنان که در کرامت و (فراق / فراغ) به پارس رسیدیم.
۲۰	چون از در، در رفتیم، گرمابه بان و هرکه آنجا بودند، همه بر پای (خواستند / خاستند) و بایستادند
۲۱	لب را به اشاره صورت داد، از یال و (غارب / قارب) به زیر آمد
۲۲	بار اول که پیرمرد را دیدم در کنگره نویسندگانی بود که خانه فرهنگ شوروی در تهران (آلم / علم) کرده بود
۲۳	در چنان (بیغوله ای / بیقوله ای) آشنایی غنیمتی بود
۲۴	نگاهش آرام و حرکاتش و زندگانی اش (بی تلاطم / بی تلاطم) بود و خیالش تخت.
۲۵	اما در واقع (طمأنینه ای / تمأیننه ای) بود که در چشم بی نور یک مجسمه دوره فراعنه هست.
۲۶	(تقریظ / تقریض) حضرت آیت الله خامنه ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، بر کتاب «من زنده ام»
۲۷	نه تسلیم و سازش، نه تکریم و خواهش بتازد به نیرنگ تو، (توصن / توسن) من
۲۸	بیمارستان، غلغله بود. (ازدحام / ازدحام) مردم برای اهدای خون و کمک رسانی، همه کارکنان بیمارستان را کلافه کرده بود
۲۹	هر دو (ترجیه / ترجیح) می دادیم، بین گوسفندها باشیم نه بین گرگ ها
۳۰	در شهریور ۱۳۶۱ دومین دیدارمان با هیئت (سلیب / صلیب) سرخ انجام شد.
۳۱	نامه بوی (اسطوره / استوره) زندگی ام را؛ بوی مهریانی و عشق می داد
۳۲	اما آن ها با (وقاحت / وقاحت) همه کلاه ها و لباس ها را از تنشان بیرون کشیدند.
۳۳	چشم ما، به خطوط و (ستور / سطور) این کاغذها و کلمات و نوشته ها بسته بود
۳۴	کلمات می توانستند ما را آرام یا (متلاتم / متلاطم) کنند و آنجا بود که معجزه کلمه را دریافتم
۳۵	کمان را بمالید رستم، به چنگ به (شصت / شست) اندر آورده، تیر خدنگ
۳۶	از این خطه (نقض / نغز) پدram پاک وزین خاک جان پرور تابناک
۳۷	در خطاب آدمی ناطق بدی در نوای طوطیان (هاذق / حاذق) بدی
۳۸	صد هزاران زین چنین (اشباح / اشباه) بین فرقاشان هفتاد ساله راه بین
۳۹	لیکن خروسی (غالب / قالب)، حرکتی کرد نه مناسب حال درویشان.



۴۰	بر حریف (مقلوب / مغلوب) که تسلیم اختیار کرده، (مخذول / مخزول) و نالان، (استرهام / استرحام) می‌گردد، رحم نیاورد
۴۱	تصویر سرتیپ را با (زمایم / ضمایم) و تعلیقات در نهایت مهارت و استادی کشید
۴۲	سرتیپ که رهاوردی باب دندان (نصیبش / نسیبش) شده بود، با خوش‌رویی و (هجب / حجب) آن را گرفت و بالا کشید
۴۳	ای فرزندی، (هالات / حالات) نکنم که مطربی و مسخرگی پیشه سازی
۴۴	حسودان تنگ‌نظر و عنودان بدگهر وی را به می و معشوق و (لحو / لهو) و لعب کشیدند
۴۵	فی‌الجملة نماند از معاصی منگری که نکرد و (مسکری / مصکری) که نخورد
۴۶	کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید (قضا / غذا) همی بردش تا به سوی دانه و دام
۴۷	خسرو در گوشه‌ای، زیر پلاسی (مندرس / مندرس) جان سپرد و آن همه استعداد و (قربهه / قریحه) را با خود به زیر خاک برد
۴۸	هر آن که گردش گیتی به کین او (برخواست / برخاست) به غیر مصلحتش رهبری کند ایام
۴۹	تمایزی میان خدا و خوشبختی (فاعل / قائل) مشو و همه خوشبختی خود را در همین دم، قرار ده
۵۰	وقتی به کلبه رسید، (راحب / راهب) در جلوی کلبه اش باغچه می بست

## قلمرو ادبی

شیوه عادی و بلاغی	
شیوه عادی: شیوه ای است که در آن، نهاد جمله در آغاز و فعل جمله در پایان آن می آید.	
۱	ابر ز من حامل سرمایه شد باغ ز من صاحب پیرایه شد
۲	فلک در شگفتی ز عزم شماست ملک آفرین گوی رزم شماست
۳	روزک چندی سخن کوتاه کرد مرد بقال از ندامت آه کرد
شیوه بلاغی: شیوه ای است که، اجزای کلام، برای تأثیر بیشتر سخن در زبان ادبی، با تشخیص شاعر یا نویسنده، جا به جا می شود	
۱	رها شد ز بند زره موی اوی درفشان چو خورشید شد روی اوی
۲	هدیه ها می داد هر درویش را تا بیابد نطق مرغ خویش را
۳	چون بگشایم ز سر مو، شکن ماه ببیند رخ خود را به من
۴	وقتی دل سودایی می رفت به بستان ها بی‌خویشتمم کردی بوی گل و ریحان ها
۵	ز فتراک بگشود پیچان کمند بینداخت و آمد میانش به بند



## تشبیه

### ادعای همانندی میان دو یا چند چیز

اجزای تشبیه (۱) مشبّه به (۲) مشبّه به (۳) ادات تشبیه (۴) وجه شبه

(۱) مشبّه (۲) مشبّه به (۳) ادات تشبیه: واژه‌هایی که پیوند شباهت را برقرار می‌کند چون، چو، همچون، مانند، به سان، مثل به کردار، به شیوه، عین، مانستن (ماندن = شبیه بودن) و ... پسوندهای: «آسا»، «سا»، «سان»، «وار»، «واره»، «گون»، «وش»، «دیس»  
برق آسا، مهسا، پریسان، علی وار، ماهواره، گلگون، مهوش، تندیس

(۴) وجه شبه: صفت مشترک میان «مشبّه» و «مشبّه به» است. (که در مشبّه به، پررنگتر و آشکارتر است)

**مثال:** حرفهایم مثل یک تکه چمن روشن بود. مثال: دلم در بقراری چشمه‌ی سیماب را ماند  
مشبّه ادات تشبیه مشبّه به وجه شبه مشبّه وجه شبه مشبّه به ادات تشبیه

## تشبیه گسترده

۱	دلیری کجا نام او اشکبوس	همی بر خروشید بر سان کوس
۲	رها شد ز بند زره، موی اوی	درفشان چو خورشید شد، روی اوی
۳	فرود آمد از دژ به کردار شیر	کمر بر میان، باد پایی به زیر
۴	از برهنگی و عاجزی به دیوانگان مانده بودیم	
۵	همچون مرواریدی در دل صدف کج و کوله ای سال‌ها بسته ماند.	
۶	ای چون سبزه برآمده از دفتر روزگاران / ای چون ستاره، فروزان / ای چون شمشیر، درخشان	

**تشبیه بلیغ** (فقط مشبّه و مشبّه به دارد. ادات و وجه شبه از آن حذف شده است)

۱	کنون رود خلق است، دریای جوشان	همه خوشه‌ی خشم شد خرمن من
۲	دیگری هم از پیرایه‌ی خرد و ذخیرت تجربت بی بهره نبود	
۳	چندان تناوری و بلند / که به هنگام تماشا / کلاه از سر کودک عقل می افتد	
۴	بر تیر جورتان ز تحمل سپر کنیم	تا سختی کمان شما نیز بگذرد
۵	هنوز چشمه‌ی ذوق و قریحه و استعداد ادبی او خشک نشده بود	
۶	آب اجل / گل صبر / آفتاب فتح / آسمان سینه‌ی مؤمنین / خار غم عشق / جام توحید / تیغ ستم / دشت شب	

## حس آمیزی

آمیختن دو یا چند حس (حس درونی یا بیرونی) صدای گرم، خبر تلخ، پاسخ سرد.

۱	لیک چنان خیره و خاموش ماند	کز همه شیرین سخنی گوش ماند
۲	صداقت / شیرین ترین لبخند / بر لبان اراده‌ی توست	
۳	صفحه‌ی سفیدی را باز می کرد و ارتجالاً انشایی می ساخت و با صدای گرم و رسا اجرا می کرد	

۴	این یکی از استعداد‌های گوناگون و فراوان و چشمه‌ای از خوشمزگی‌های رنگارنگ او بود.
۵	با زهرخندی گفت: داد نزن؛ من گوش استماع ندارم
<b>مجاز</b>	
<b>کاربرد کلمه در معنای غیر حقیقی</b>	
<b>بین معنای حقیقی و غیر حقیقی رابطه‌های مختلفی وجود دارد</b>	
* مجاز به علاقه جزئیّه: جزء را به جای کل می‌آوریم	
پیش دیوار آنچه گویی هوش دار تا نباشد در پس دیوار گوش <u>گوش</u> : مجاز از انسان جاسوس	
* مجاز به علاقه محلیّه: محلّ چیزی را به جای خود آن ذکر کنیم	
سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی چه خیال‌ها گذر کرد و گذر نکرد خوابی <u>سر</u> : مجاز از فکر و تصمیم (سر محلّ تصمیم گیری)	
* مجاز به علاقه شباهت (استعاره): «مشبّه به» به دلیل شباهت، جانشین «مشبّه» می‌شود	
در بن این پرده نیلوفری کیست کند با چو منی همسری؟ آسمان مانند پرده نیلوفری است	
۱	عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت فتنه انگیز جهان فرگس جادوی تو بود عالم: مردم عالم فرگس: چشم
۲	ما را سرِ باغ و بوستان نیست هر جا که تویی تفرّج آن جاست فکر و اندیشه و خیال
۳	چو گفتمش که دلم را نگاه دار چه گفت ز دست بنده چه خیزد؟ خدا نگه دارد توان و قدرت
۴	جز از جامِ توحید، هرگز نوشم زنی گر به تیغ ستم گردن من شراب
۵	به خون گر کشی خاک من، دشمن من بجوشد گل اندر گل از گلشن من سرزمین
۶	خروش سواران و اسپان ز دشت ز بهرام و کیوان، همی برگذشت آسمان
۷	برو ای گدای مسکین در خانه علی زن که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را انگشتر
۸	چه زخم چو نای هر دم، ز نوای شوق او دم؟ که لسان غیب خوش تر بنوازد این نوا را لحظه
۹	نباشی بس ایمن به بازوی خویش خورد گاو نادان، ز پهلوی خویش قدرت
۱۰	بیامد که جوید ز ایران نبرد سر هم نبرد اندر آرد به گرد سربازان ایران
۱۱	نیامد به دامم به سان تو گور ز چنگم رهایی نیابی مشور شکار
<b>حسن تعلیل</b>	
وقتی شاعر یا نویسنده دلیلی غیرواقعی اما ادبی برای موضوعی بیان کند؛ به گونه‌ای که بتواند خواننده را قانع کند، آرایه «حسن تعلیل» پدید می‌آید	
۱	بید مجنون در تمام عمر، سر بالا نکرد حاصل بی حاصلی نبود به جز شرمندگی بی حاصلی، دلیل سر به زبری (شرمندگی) درخت بید است
۲	چو سرو از راستی برزد علم را ندید اندر جهان تاراج غم را دلیل سرسبزی همیشگی درخت سرو، صداقت و راستی دلیل است
۳	گل از شوق تو خندان در بهارست از آتش رنگ‌های بی شمارست رنگارنگی گل‌ها به دلیل شوقی است که به دیدار پروردگار دارد.

۴	درختان را دوست می دارم / که به احترام تو قیام کرده اند درختان به احترام امام حسین (ع) قیام کرده اند و ایستاده اند
۵	تویی بهانه آن ابرها که می گریند بیا که صاف شود این هوای بارانی
۶	جنبش سرو تو پنداری کز باد صباست نه، که از ناله مرغان چمن در طرب است

### استعاره

**استعاره** : تشبیهی است که «مشبه» یا «مشبه به» از آن حذف شده باشد .  
استعاره ، دو نوع است . مصرّحه (با حذف مشبه) و مکنیه (با حذف مشبه به)

نوع اول: مصرّحه : مشبه حذف می شود و « مشبه به » به دلیل شباهت زیاد و یکسانی جانشین آن می شود .

به لحاف فلک افتاده شکاف پنبه می بارد از این کهنه لحاف

ابر (مشبه) مانند لحاف (مشبه به) است برف (مشبه) مانند پنبه (مشبه به) است

هزاران نرگس از چرخ جهانگرد فروشد تا برآمد یک گل زرد

ستاره ها (مشبه) مانند نرگس (مشبه به) هستند آسمان (مشبه) مانند چرخ (مشبه به) است  
خورشید (مشبه) مانند گل زرد (مشبه به) است

نوع دوم: مکنیه (کنایی) : مشبه مشبه به + نشانه ای از «مشبه به» محذوف

«مشبه به» حذف می شود و « مشبه » همراه با نشانه ای از «مشبه به» محذوف می آید  
به صحرا شدم عشق باریده بود.

عشق « مشبه » مانند برف و باران «مشبه به» باریده بود . «نشانه» «مشبه به» «

ابر می گرید و می خندد از آن گریه ، چمن استعاره مکنیه ای که «مشبه به» آن انسان باشد ، «تشخیص» نام دارد.

ابر « مشبه » مانند انسان «مشبه به» می گرید «نشانه» «مشبه به» «

چمن « مشبه » مانند انسان «مشبه به» می خندد «نشانه» «مشبه به» «

### نوع اول مصرّحه (با حذف مشبه)

۱	در بن این پرده نیلوفری	کیست کند با چو منی همسری؟	آسمان
۲	ابر ز من حامل سرمایه شد	باغ ز من صاحب پیرایه شد	باران / گل و میوه
۳	یادی که در زمانه بسی شمع ها بکشت	هم بر چراغدان شما نیز بگذرد	اجل / انسان / انسان
۴	زین کاروانسرای بسی کاروان گذشت	ناچار ، کاروان شما نیز بگذرد	دنیا / انسان / عمر انسان
۵	مپندار این شعله ، افسرده گردد	که بعد از من افروزد از مدفن من	میهن پرستی و عشق به وطن
۶	سپهد عنان اژدها را سپرد	به خشم از جهان ، روشنایی ببرد	اسب
۷	از این مرز فرخنده مرد خیز	کنام پلنگان دشمن ستیز	مردان دلیر
۸	قطره باران که در افتد به خاک	زو بدمد بس گهر تابناک	گل و گیاه
۹	فروغ رویت اندازی سوی خاک	عجایب نقش ها سازی سوی خاک	گل ها و جواهرات
۱۰	ای که ردای حسین را بر دوش / و خورشید کربلا را در بر داری	ای مسافر دیرین بر روی خار و درد / ای چون ستاره، فروزان	امام حسین (ع) رنج و سخنی



نوع دوم مکثیه (با حذف مشبه به)	
۱	گه نعره زدی بلبل، گه جامه دریدی گل / با یاد تو افتادم از یاد برفت آنها بلبل مانند انسان نعره می زند / گل مانند انسان جامه می درد (تشخیص)
۲	از زمین و آسمان، مرگ بر شهر می بارید. / مرگ مثل برف و باران می بارید
۳	گل از شوق تو خندان در بهار است / از آتش رنگ های بی شمار است / تشخیص
۴	ای گشتی های صیادی که مقاومت پیشه کرده اید / ای ماهی دریا که مقاومت پیشه کرده ای / تشخیص
۵	تاریخ روزی ، روستای کوچکی را / از روستاهای جنوب به یاد خواهد آورد / تشخیص
اضافه استعاری (نشانه مشبه به + - + مشبه)	
۱	بلندی از آن یافت کاو پست شد / در نیستی کوفت تا هست شد
۲	صداقت / شیرین ترین لبخند / بر لبان اراده توست
۳	هم چون مرواریدی در دل صدف کج و کوله ای سال ها بسته ماند.
۴	نماند ایچ با روی خورشید رنگ / به جوش آمده خاک بر کوه و سنگ
۵	دگر ره چنان شد هنر آشکار / کز آن خیره شد دیده روزگار
نماد	
استعاره ای است با معنی متفاوت	
۱	گشت یکی چشمه ز سنگی جدا / چشمه : نماد انسان مغرور و خودبین اما ضعیف و ناتوان
۲	داستان دیوار / بنا: نماد کسی که سبب جدایی است / دیوار: نماد جدایی / همسایه: نماد مردم جامعه
۳	صبا بر آن سر زلف از دل مرا بینی ز روی لطف بگویش که جا نگه دارد / صبا: نماد پیام رسانی بین عاشق و معشوق
۴	ای سرزمینی کز خاکت / خوشه های گندم می روید / خوشه گندم: نماد برکت ، باروری و حاصل خیزی
۵	تو را پرستو نامیدم / پرستو: نماد آزادی و بشارت
ایهام	
ایهام: هرگاه، در عبارت یا بیتی، یک کلمه ای به چند معنا به کار رود، آرایه «ایهام» پدید می آید.	
دی می شد و گفتم صنما عهد به جای آر / گفتم غلطی خواهی در این عهد وفا نیست	
عهد: (۱) پیمان (۲) روزگار - دوره	
در این عهد وفا نیست: (۱) من به این عهد و پیمان، وفای نمی کنم (۲) در این دوره، وفا وجود ندارد	
۱	مرغ دل باز هوادار کمان ابرویست / ای کبوتر نگران باش که شاهین آمد (۱) مضطرب (۲) نظاره گر
۲	گفتم که بوی زلفت گمراه عالمم کرد / گفتم اگر بدانی هم اوت رهبر آید / بو: (۱) آرزو (۲) رایحه
۳	بی مهر رخت روز مرا نور نمانده است / مهر: (۱) خورشید (۲) محبت
۴	صبا بر آن سر زلف از دل مرا بینی / ز روی لطف بگویش که جا نگه دارد (۱) با مهربانی (۲) لطفاً
۵	چو گفتمش که دلم را نگاه دار چه گفت / ز دست بنده چه خیزد خدا نگه دارد (۱) بنده خدا (انسان) (۲) من
۶	دید پر روغن دکان و جامه چرب / بر سرش زد ، گشت طوطی کل ز ضرب (۱) کچل (۲) لال

۷	سر و زر و دل و جانم فدای آن یاری که حق صحبت مهر و وفا نگه دارد (۱) محبت و وفاداری (۲) نام یک عاشق و معشوق
۸	تاریخ، روستای کوچکی را به یاد خواهد آورد / که « معرکه » خوانده می شود. (۱) میدان جنگ (۲) نام زادگاه اجداد امام موسی صدر
۹	روستایی که با «صدرش» سینه اش / از شرافت خاک و کرامت انسان دفاع کرد (۱) امام موسی صدر (۲) سینه

### سجع

**سجع:** به واژه هایی که در پایان دو جمله بیایند و از نظر صامت و مصوت های پایانی، وزن یا هر دوی آنها هماهنگ باشند، واژه های « مسجع » و به آهنگ برخاسته از آنها «سجع» می گویند.

وزن و حروف آخر یکی = **سجع متوازی:** شمایل و قبایل / قربت و نعمت / حیات و ذات  
وزن یکی و حروف آخر مختلف = **سجع متوازن:** موج و نقاد / موجود و واجب / باطل و ضایع  
وزن مختلف و حروف آخر یکی = **سجع مطرف:** دار و شکار / بازو و ترازو / غایت و نهایت

۱	هنر، چشمه زاینده است و دولت پاینده .
۲	در بدایت بند و چاه بود، در نهایت تخت و گاه بود
۳	ملک بی دین باطل است و دین بی ملک، ضایع .
۴	در بهشت از هزار گونه نعمت است و در قرآن از هزار گونه پند و حکمت است .
۵	از او آن صفت می زاید و از من این صورت می آید.
۶	من از سخن او جاهل نمی گردم و او از خلق و خوی من عاقل می گردد

### تضمین

**تضمین:** آوردن آیه، حدیث، مصراع یا بیتی از شاعری دیگر را در میان کلام «تضمین» می گویند؛  
زینهار از قرین بد، زینهار و قنا ربنا عذاب النار

۱	این شکست او را از میدان قهرمانی به منجلاب فساد کشید. « فی الجملة نماند از معاصی منکری که نکرد و مسکری که نخورد. » سعدی
۲	به صدای بلند می گفت: « الهها! صد هزار مرتبه شکر »، که «شکر نعمت، نعمت افزون کند.» مولانا
۳	«یکی از خروسان، ضربتی سخت بر دیده حریف نواخت به صدمتی که «جهان تیره شد پیش آن نامدار». لاجرم سپر بینداخت و از میدان بگریخت. لیکن خروس غالب، حرکتی کرد نه مناسب حال درویشان. بر حریف مغلوب، رحم نیاورد و آن چنان او را می کوفت که «پولاد کوبند آهنگران.» فردوسی / سعدی / فردوسی
۴	ای رفیق! گل اناءِ پترشح بما فیه ، از گوزه همان برون تراود که در اوست شیخ بهایی
۵	حدیث دوست نگویم مگر به حضرت دوست که آشنا سخن آشنا نگه دارد مصراع اول از سعدی است
۶	ای فرزند، حلال نکند که مطربی و مسخرگی پیشه سازی که «همه قبیله من عالمان دین بودند» سعدی



## تلمیح

اشاره به آیه، حدیث یا داستان و اشخاص معروف

۱	هیچ گودالی چنین رفیع ندیده بودم / در حسیض هم می توان عزیز بود / از گودال بپرس تلمیح به: <b>شَرَفُ الْمَكَانِ بِالْمَكِينِ</b> : ارزش هر جایگاهی به کسی است که در آن قرار گرفته است تلمیح به: محل شهادت امام حسین(ع) است، گودال قتلگاه
۲	هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد / هم رونق زمان شما نیز بگذرد آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام / بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد. تلمیح به: <b>كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ</b> : هرکسی طعم مرگ را خواهد چشید
۳	ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن / تأثیر اختران شما نیز بگذرد. تلمیح به: <b>الدَّهْرُ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ</b> : روزگار دو روز است؛ روزی به کام تو و روزی به زیان تو تلمیح: پیشینیان اعتقاد داشتند که ستارگان در تعیین سرنوشت انسان دخالت دارند
۴	چو به دوست عهد بندد ز میان پاکبازان / چو علی که می تواند که به سر برد وفا را؟ تلمیح به <b>لَيْلَةُ الْمَيْمِيتِ</b> : شبی که سران قبیله قریش تصمیم گرفتند در آن شب پیامبر اسلام (ص) را به قتل برسانند، ولی حضرت علی (ع) به جای پیامبر در بستر وی خوابید و نقشه قریشیان به سرانجام نرسید.
۵	برو ای گدای مسکین در خانه علی زن / که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را تلمیح: اشاره به ماجرای بخشیدن انگشتر به سائل در نماز به وسیله حضرت علی در آیه ۵۵ سوره مائده «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ»
۶	بلبلان را دیدم که به نالش در آمده بودند از درخت و کبکان از کوه و غوکان در آب و بهایم از بیشه. اندیشه کردم که مروت نباشد همه در تسبیح و من به غفلت خفته. / تلمیح به: <b>يَسْبِغُ اللَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ</b> : آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است خدا را که تسبیح می گویند
۷	معلم قرآن ما میرزا عباس بود. شعر هم می گفت؛ زیاد هم می گفت اما به قول نظامی «خشت می زد» تلمیح به <b>شعر نظامی</b> : لاف از سخن چو در توان زد / آن خشت بود که پر توان زد
۸	به صدای بلند می گفت: الهها! صد هزار مرتبه شکر، که شکر نعمت، نعمت افزون کند. تلمیح به: <b>لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ</b> : همانا اگر شکر کنید، قطعاً (نعمت های) شما را می افزایم

## کنایه

سخنی است با دو معنی نزدیک و دور که قصد گوینده معنی دور باشد.

۱	به زبان، دیگر مگو و به دل، دیگر مدار، تا گندم نمای جو فروش نباشی / دورو و ریاکار/ فریبکار
۲	بزرگان به هر حق و باطلی از جای نشوند. / متغیر شدن / دگرگون شدن احوال
۳	خون تو شرف را سرخگون کرده است / اعتبار بخشیدن
۴	چندان تناوری و بلند / که هنگام تماشا / کلاه از سر کودک عقل می افتد کلاه از سر افتادن: کنایه از ناتوانی عقل از درک عظمت امام حسین (ع)
۵	کارش نگار نقشه قالی بود و در آن دستی نازک داشت. / در آن مهارت داشت.
۶	پی بردیم راه دست خودش هم نیست. / در این کار مهارت کافی ندارد
۷	در بیرنگ اسب حرفی به کارش بود / مشکل داشت



۸	معلم دور نبود. صورتک به رو نداشت .	ریاکار نبود . صادق بود. ظاهر و باطنش یکی بود
۹	بیامد که جوید ز ایران نبرد	سر هم نبرد اندر آرد به گرد شکست دادن
۱۰	تهمتن برآشت و با توس گفت	که رهام را جام باده ست جفت رهام مرد جنگ نیست
۱۱	خروشید کای مرد رزم آزمای	هموردت آمد مشو باز جای فرار نکن، بایست
۱۲	پیاده ندیدی که جنگ آورد	سر سرکشان زیر سنگ آورد؟ شکست دادن و کشتن
۱۳	کمان را به زه کرد و بگشاد بر	نبد مرغ را پیش تیرش گذر مهارت در تیراندازی
۱۴	کشانی بخندید و خیره بماند	عنان را گران کرد و او را بخواند اسب را متوقف کرد و ایستاد
۱۵	ریش برمی کند و می گفت: ای دریغ شدت ناراحتی	کآفتاب نعمتم شد زیر میغ از دست دادن نعمت (طوطی)
۱۶	لاجرم سپر بینداخت و از میدان بگریخت	تسلیم شدن
۱۷	چو سهراب شیراوژن او را بدید	بخندید و لب را به دندان گزید شجاع و دلیر
۱۸	بدانست سهراب کاو دختر است	سر و موی او از در افسر است شایسته پادشاهی است
۱۹	دلا ، معاش چنان کن که گر بلغزد پای	فرشته ات به دو دست دعا نگه دارد خطا و اشتباه کردن
۲۰	تا خار غم عشقت آویخته در دامن	کوته نظری باشد رفتن به گلستان ها نادانی و غفلت
۲۱	هر چه بر او تنگ گرفتند، گمربند خود را تنگ تر بست	بیشتر مقاومت کرد
۲۲	شنیده ام فلان عامل که فرستاده ای به فلان ولایت درازدستی می کند.	ظلم و ستم ، تجاوز به جان و مال مردم
۲۳	از همه درس های حفطی بیست می گرفت. مگر در ریاضی که کمیتش لنگ بود	ضعف داشت
۲۴	سرتیپ رهاوردی باب دندان نصیبش شده بود	مطابق میل
۲۵	مدیر آهسته از کلاس بیرون رفت و دم برنیاورد	سکوت کرد / سخن نگفت
۲۶	و در چشم به هم زدنی پشت او را به خاک رسانید	زمان اندک و به سرعت / شکست داد
۲۷	حسودان تنگ نظر و عنودان بدگهر وی را به می و معشوق و لهو و لعب کشیدند	حسود و بخیل
۲۸	بلندی از آن یافت کاو پست شد خود را نیست تصور کرد / خود را هیچ دانست	در نیستی کوفت تا هست شد
۲۹	سرگردان و مدهوش و پای کشان، چپ و راست می رفت	ناتوان / لنگ لنگان
۳۰	سیه روزی: کنایه از بدبختی / ردا بر دوش گرفتن: کنایه از پیروی و ارادت / دست کشیدن: کنایه از رها کردن	
۳۱	بار کسی را به دوش گرفتن: کنایه از یاری کردن / نظر در کار کسی کردن: کنایه از توجه کردن و عنایت به او	
۳۲	سر به گریبان بردن: کنایه از خجالت زدگی و شرمندگی و گوشه گیر / دیده سیاه کردن: کنایه از خشمگین بودن	

۳۳	زهره در بودن: کنایه از ترسناک بودن ، سبب ترس شدن / قدم در کشیدن: کنایه از دوری کردن و گریختن
۳۴	بسمل کردن : سر بریدن (سر جانور را بریدن) / سرسنگین : نامهربان . بی اعتنا و ناراحت
<b>واج آرایی</b>	
<b>تکرار آگاهانه یک حرف (صامت یا مصوت)</b>	
۱	بیامد که جوید ز ایران نبرد      سر هم نبرد اندر آرد به گرد      تکرار صامت ر
۲	بزد بر کمر بند گرد آفرید      زره بر برش یک به یک بردرید      ب / ر
۳	از این مرز فرخنده مردخیز      کنام پلنگان دشمن ستیز      مصوت -
۴	کنون رود خلق است، دریای جوشان      همه خوشه خشم شد خرمن من      خ/ش
۵	بخندید بسیار گرد آفرید      به باره بر آمد سپه بنگرید      ب
<b>جناس</b>	
<p>استفاده از واژه هایی که ظاهر یکسان اما معنی متفاوتی دارند.</p> <p>انواع جناس : الف ( جناس تام      ب) جناس ناقص : (۱) اختلافی (۲) حرکتی (۳) افزایشی</p> <p>الف : جناس تام : واژه ها از نظر ظاهری کاملاً یکسان و از نظر معنایی متفاوت هستند .</p> <p>گدا را چو حاصل شود نان شام      چنان خوش بخشید که سلطان شام</p> <p>جناس تام : شام (شب) / شام (نام سرزمین)      جناس ناقص : نان / چنان</p> <p>ب : جناس ناقص :</p> <p>(۱) اختلافی : کلمات در یک حرف متفاوت باشند . دشت - دست / نام - نار</p> <p>(۲) افزایشی : یکی از کلمات یک حرف بیشتر داشته باشد کار - کارد / آرام - رام</p> <p>(۳) حرکتی : کلمات در حرکت (مصوت) متفاوت هستند . گل - گل / ملک - ملک</p>	
۱	گلاب است گویی به جویش روان      همی شاد گردد به بویش روان
۲	کار پاکان را قیاس از خود مگیر      گر چه ماند در نبشتن شیر و شیر
۳	چه زخم چو نای هر دم ز نوای شوق او دم      که لسان غیب خوش تر بنوازد این نوا را
۴	یکی تیر زد بر بر اسب اوی      که اسب اندر آمد ز بالا به روی
۵	بر دوخته ام دیده چو باز از همه عالم      تا دیده من بر رخ زیبای تو باز است
<b>جناس ناقص</b>	
۱	الهی فضل خود را بار ما کن      ز رحمت یک نظر در کار ما کن
۲	دوش مرغی به صبح می نالید      عقل و صبرم ببرد و طاقت و هوش
۳	سر نیزه را سوی سهراب کرد      عنان و سنان را پر از تاب کرد
۴	چو بر زین بیچید گرد آفرید      یکی تیغ تیز از میان برکشید
۵	می نمود آن مرغ را هر گون شگفت      تا که باشد کاندرا آید او به گفت

### مراعات نظیر (تناسب)

استفاده از واژه هایی که به نوعی با هم در ارتباط هستند

۱	ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند	تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
۲	وقتی دل سودایی می رفت به بستان ها	بی خویشتم کردی بوی گل و ریحان ها
۳	کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید	قضا همی بردش تا به سوی دانه و دام
۴	چون بگشایم ز سر مو، شکن	ماه ببیند رخ خود را به من
۵	شفق آینه دار نجابتت / و فلق محرابی که تو در آن / نماز صبح شهادت گزارده ای	

### اغراق

زیاده روی و بزر گنمایی در بیان ویژگی و صفت هر چیز. این آرایه در متن های حماسی کاربرد فراوان دارد

۱	شود کوه آهن چو دریای آب	اگر بشنود نام افراسیاب
۲	مپندار این شعله افسرده گردد	که بعد از من افروزد از مدفن من
۳	کمان را به زه کرد و بگشاد بر	نبد مرغ را پیش تیرش گذر
۴	سپهبد عنان اژدها را سپرد	به خشم از جهان روشنایی ببرد
۵	که با دختری او به دشت نبرد	بدین سان به ابر اندر آورد گرد

### پارادوکس (تناقض / متناقض نما)

ترکیب دو واژه یا معنی متضاد در یک چیز به صورت هم زمان

۱	من ایرانی ام ، آرمانم شهادت	تجلی هستی است ، جان کندن من
۲	هیچ گودالی چنین رفیع ندیده بودم	
۳	در حضيض هم می توان عزیز بود	
۴	از چهره تکیده اش بدبختی و سیه روزی می بارید	
۵	خدا در همه جا هست؛ در هر جا که به تصور درآید، و «نایافتنی» است	
۶	کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق	بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی

### حماسه

«حماسه» در لغت به معنای دلاوری و شجاعت است و در اصطلاح ادبی، شعری است با ویژگی های زیر:

(۱) داستانی (۲) قهرمانی (۳) قومی و ملی (۴) حوادث خارق العاده (خرق عادت)

داستانی: هر حماسه ای در بستری از حوادث شکل می گیرد. داستان رستم و سهراب. داستان رستم و اشکبوس

قهرمانی: انسانی که از نظر توانایی های جسمی و روحی از دیگران برتر باشد. مثل رستم. سیاوش

\* بزد بر کمر بند گرد آفرید

زره بر برش ، یک به یک ، بردرید

\* یکی تیر زد بر بر اسب او

که اسب اندر آمد ز بالا به روی

قومی و ملی: بیان اخلاق فردی و اجتماعی و عقاید فکری و مذهبی و آداب و رسوم

\* بدو گفت خندان: که نام تو چیست؟

تن بی سرت را که خواهد گریست؟



<p>اشاره به این عقیده که دانستن نام حریف، باعث تسلط بر او می شود          * که هم رزم جستی هم افسون و رنگ نیامد ز کار تو بر دوده ننگ          اشاره به این رسم که در جنگ باید روحیه پهلوانی داشت و از نیرنگ دوری کرد</p>	
<p>حوادث خارق العاده: حوادث، انسان ها و موجوداتی که با منطق و تجربه علمی هم سازی ندارند          مانند: وجود سیمرغ در شاهنامه . عمر هزار ساله زال. رویین تن بودن اسفندیار</p>	
<p><b>تمثیل</b></p>	
<p>تمثیل: به معنای «تشبیه کردن» و «مَثَل آوردن» است و در اصطلاح ادبی، آن است که شاعر یا نویسنده برای تأیید و تأکید بر سخن خویش، حکایت، داستان یا نمونه و مثالی را بیان کند تا مفاهیم ذهنی خود را آسان تر به خواننده انتقال دهد.</p>	
<p>مؤثرترین شیوه‌ای که مولوی در «مثنوی معنوی» از آن بهره می گیرد، «تمثیل» است.</p>	
۱	هر دو گون آهو گیا خوردند و آب زین یکی سرگین شد و ، زان ، مشک ناب
۲	هر دو گون زنبور خوردند از محل لیک شد ز آن نیش و زین دیگر عسل
۳	هر دو نی خوردند از یک آبخور این یکی خالی و ، آن پر از شکر
۴	با بدان کم نشین که صحبت بد لکه ای ابر ناپدید کند
<p>معنی نظم و نثر ( ابیات و جملات مهم)</p>	
<p>درس یکم: چشمه</p>	
۱	الهی، فضل خود را یار ما کن : خدایا بخشش خود را همراه ما کن
۲	گل از شوق تو خندان در بهار است از آتش رنگ های بی شمار است پروردگارا! گل به سبب آرزومندی و دل بستگی به تو در بهار شکوفای می شود و به علت اشتیاق به تو، رنگهایش قابل شمارش نیست
۳	چون بگشایم ز سر مو ، شکن ماه ببیند رخ خود را به من وقتی آرام و زلال می شوم، ماه چهره خود را در من می بیند.
۴	قطره باران که در افتد به خاک زو بدمد بس گهر تابناک قطره باران که به زمین می افتد، سبب رویش گل ها و گیاهان زیبا و درخشان می شود.
۵	ابر ز من حامل سرمایه شد باغ ز من صاحب پیرایه شد: ابر، برف و باران خود را از مدیون من است و باغ، به واسطه من صاحب این گل های زیبا شده است.
۶	آنکه حزم زیادت داشت و بارها دست برد زمانه جافی را دیده بود سبک روی به کار آورد آن که داناتر بود و بارها مورد هجوم روزگار ستمگر قرار گرفته بود ، فوراً دست به کار شد (خود را نجات داد)
۷	دیگری هم از پیرایه خرد و ذخیرت تجربت بی بهره نبود. دیگری هم خردمند و باتجربه بود
۸	عافل در دفع مکاید دشمن تأخیر صواب نبیند : انسان دانا برای مقابله با حيله های دشمن درنگ نمی کند .
۹	صیاد او را برداشت و چون صورت شد که مرده است، بینداخت. صیاد ماهی را برداشت و چون فکر کرد مرده است آن را بر زمین انداخت
<p>درس دوم : از آموختن، ننگ مدار</p>	
۱	به زبان، دیگر مگو و به دل دیگر روا مدار تا گندم نمای جو فروش نباشی. سعی کن حرف و عملت یکسان باشد تا ریاکار و فریبکار شناخته نشوی
۲	و اندر همه کاری داد از خویشتن بده، که هر که داد از خویشتن بدهد، از داور مستغنی باشد در همه امور عادل باش چون هر کسی عادل باشد از قضاوت بی نیاز خواهد بود

۳	خود را به نیکی و نیکوکاری به مردم نمای. و چون نمودی به خلاف نموده، مباش. خود را به خوبی و نیکوکاری در میان مردم نشان بده و وقتی به خوبی و نیکوکاری معروف شدی برخلاف آن رفتار مکن
۴	بدان کوش که به هر محالی از حال و نهاد خویش بگردی تلاش کن که سرشت تو در کارهای دشوار و ناممکن تغییر نکند.
۵	از آموختن، ننگ مدار تا از ننگ رسته باشی. از آموختن احساس شرم نکن تا از نادانی رهایی یابی.
۶	بزرگان به هر حق و باطلی از جای نشوند. انسان های بزرگ با هر اتفاق حق و باطلی متغیر و عصبانی نمی شوند
۷	اگر غم و شادیت بود، به آن کس گوی که او تیمار غم و شادی تو دارد. اگر اندوهگین یا شادمان هستی، آن را به کسی بگو که غمخوار تو باشد
۸	با غصه به حیاط نگاه می کرد. چشم هایش دیگر نمی خندید. بسیار اندوهگین بود.
۹	دیوار آن طرفی با دیوار این طرفی، سرسنگین حرف می زد. با نامهربانی و بی اعتنائی (با ناراحتی) سخن می گفت
<b>درس سوم: پاسداری از حقیقت</b>	
۱	خون تو شرف را سرخگون کرده است: خون تو (شهادت تو) به شرف، ارزش و اعتبار داده است
۲	مرگت چنان زندگی را به سخره گرفت: مرگت آن چنان زندگی را بی ارزش کرد
۳	عزمت ضامن دوام جهان شد. اراده تو پایداری دنیا را ضمانت کرد
۴	مرگت چنان زندگی را به سخره گرفت / که مردنی چنان / غبطه بزرگ زندگانی شد. مرگ تو آنگونه زندگی را بی ارزش کرد که حتی زندگی، آرزوی مرگی چون مرگ تو را دارد!
۵	چندان تناوری و بلند / که هنگام تماشا / کلاه از سر کودک عقل می افتد. مقام تو آن قدر بلند است که عقل ناتوان انسان در برابر عظمت تو عاجز و متحیر می شود
<b>درس پنجم: بیداد ظالمان</b>	
۱	هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد هم رونق زمان شما نیز بگذرد مرگ به سراغ شما نیز خواهد آمد و روزی این شکوه و عظمت شما نیز به پایان خواهد رسید.
۲	وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب بر دولت آشیان شما نیز بگذرد غم و اندوه مانند جغد ویرانگری است که آشیانه خوشبختی شما را نیز ویران خواهد کرد.
۳	آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام بر خلق و بر دهان شما نیز بگذرد مرگ که همه انسان ها را به کام خود فرو می برد، روزی به سراغ شما هم خواهد آمد.
۴	چون داد عادلان به جهان در، بقا نکرد بیداد ظالمان شما نیز بگذرد وقتی عدل و انصاف انسانهای عادل در جهان باقی نماند، پس ظلم و ستم شما نیز دوام و بقایی ندارد.
۵	در مملکت چو غرش شیران گذشت و رفت این عوعو سگان شما نیز بگذرد وقتی حاکمان شجاع در این دنیا باقی نمانند، پس ظلم ماموران شما هم به پایان می رسد.
۶	بادی که در زمانه بسی شمع ها بگشت هم بر چراغدان شما نیز بگذرد مرگ که شمع وجود انسان ها را خاموش می کند، چراغ عمر شما را نیز روزی خاموش خواهد کرد
۷	زین کاروانسرای بسی کاروان گذشت ناچار، کاروان شما نیز بگذرد انسانهای زیادی از کاروانسرای دنیا رفتند. شما نیز ناگزیر از این دنیا خواهید رفت.
۸	ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن تأثیر اختران شما نیز بگذرد ای کسی که به بخت نیک خود افتخار می کنی. دوران خوشبختی شما نیز به پایان خواهد رسید.
۹	بر تیر جورتان ز تحمل سپر کنیم تا سختی کمان شما نیز بگذرد با صبر و تحمل، در برابر ظلم شما استقامت می کنیم تا اینکه دوره سلطه و قدرت شما نیز به پایان برسد.
۱۰	ای تو ربه سپرده به چوپان گرگ طبع این گرگی شبان شما نیز بگذرد ای پادشاهی که مردم را به دست حاکمان ظالم سپرده ای. این دوران ظلم شما نیز روزی به پایان خواهد رسید.



۱۱	بر در بخت بد فرود آید هر که گیرد عنان مرکبش، آز هر کس اسیر حرص و طمع شود بدبخت و بیچاره می گردد
۱۲	ما بارگه دادیم، این رفت ستم بر ما بر قصر ستمکاران، گویی چه رسد خذلان ما که انسان های بسیار عادل بودیم این گونه مورد ظلم قرار گرفتیم . قطعاً انسان های ظالم دچار خواری بیشتری خواهند شد
درس ششم: مهر و وفا	
۱	هر آن که جانب اهل وفا ننگه دارد خداهش در همه حال از بلا ننگه دارد هر کسی که از اهل وفا و محبت حمایت کند؛ خدا همیشه او را از بلا در امان می دارد.
۲	حدیث دوست نگویم مگر به حضرت دوست که آشنا سخن آشنا ننگه دارد تنها در حضور دوست ، از عشق او سخن می گویم، زیرا دوست، راز دوست را فاش نمی کند.
۳	دلا، معاش چنان کن که گر بلغزد پای فرشته ات به دو دست دعا ننگه دارد ای دل (ای انسان) به گونه ای زندگی کن که اگر مرتکب لغزش و خطا شدی فرشتگان با دعا کردن به درگاه الهی تو را حفظ کنند.
۴	گرت هواست که معشوق نگسلد پیمان نگاه دار سر رشته تا ننگه دارد اگر در آرزوی آن هستی که معشوق به عهد و پیمان خود وفا کند، تو نیز به پیمان و محبت خود پایبند باش .
۵	حسنت به اتفاق ملاحظت جهان گرفت آری به اتفاق، جهان می توان گرفت زیبایی و دلربایی تو به کمک هم سراسر جهان را فرا گرفت. آری با اتحاد و همبستگی می توان جهان را فتح کرد
۶	سودای آتش بگرفت که آیا در این حقّه، چه سر است؟ هوس کرد تا بداند در این جعبه (صندوق) چه چیزی وجود دارد
۷	ارباب حاجتیم و زبان سؤال نیست در حضرت کریم تمنا چه حاجت است ما نیازمند هستیم ولی توانایی بیان خواسته خود را نداریم . در حضور خداوند بخشنده و بزرگوار نیازی به خواهش و تمنا نیست
۸	تا نگردی آشنا، زمین پرده رمزی نشنوی گوش نامحرم نباشد جای پیغام سرورش تا آشنا و محرم راز نشوی نمی توانی از اسرار عالم غیب رمزی را بشنوی زیرا گوش نامحرمان ، لایق شنیدن پیام فرشته غیبی نیست.
درس هفتم: جمال و کمال	
۱	مثل قرآن، مثل آب است روان؛ در آب، حیات تنها بود و در قرآن حیات دلها بود. قرآن مانند آب روان است؛ آب باعث زنده بودن جسم است و قرآن موجب زنده بودن روح است.
۲	قصه حال یوسف را نیکو نه از حسن صورت او گفت، بلکه از حسن سیرت او گفت. زیبا دانستن داستان حضرت یوسف (ع) نه به سبب زیبایی ظاهر اوست بلکه به علت زیبایی باطن اوست.
۳	نیکو خو، بهتر هزار بار از نیکو رو؛ انسان خوش اخلاق، هزار برابر از انسان زیبارو بهتر است
۴	از روی نیکو حسی و چاه آمد و از خوی نیکو شخت و گاه آمد. به خاطر زیبایی به چاه و زندان افتاد و به خاطر اخلاق نیکو به پادشاهی رسید
۵	در مقابله زشتی، آشتی کرد و در مقابله لثمی، کریمی کرد. در برابر بدی، نیکی کرد و در برابر فرومایگی، بزرگواری و بخشش کرد
۶	برادران یوسف، چون او را زیادت نعمت دیدند، و یعقوب را بدو میل و عنایت دیدند، آهنگ کید و مکر و عداوت کردند برادران یوسف، وقتی نعمت فراوان او را دیدند، و میل و توجه یعقوب را به او مشاهده کردند تصمیم گرفتند که مکر و حيله و دشمنی کنند
۷	تا عالمیان بدانند که هرگز کید کایدان با خواست خداوند غیب دان برابر نیاید! تا مردم جهان بدانند که هرگز فریب فریبکاران نمی تواند با اراده و خواست خداوند غیب دان مقابله کند.
۸	تدبیر برادران برخلاف تقدیر رحمان آمد. اندیشه و عاقبت نگری برادران برخلاف خواست و حکم خداوند بخشنده بود
درس هشتم: سفر به بصره	
۱	چون به بصره رسیدیم، از برهنگی و عاجزی به دیوانگان مانده بودیم وقتی به بصره رسیدیم، به سبب فقر و ناتوانی مانند دیوانه ها شده بودیم.



۲	و سه ماه بود که موی سر، باز نکرده بودیم : و سه ماه بود که موی سرمان را نتراشیده بودیم.(به حمام نرفته بودیم)
۳	گفتم اکنون ما را که در حمام گذارد؟ گفتم حالا چه کسی به ما اجازه می دهد وارد حمام شویم
۴	باشد که ما را دمکی زیادت تر در گرمابه بگذارد که شوخ از خود باز کنیم. تا اجازه دهد که کمی بیشتر در حمام بمانیم و چرک و آلودگی خود را بشویم
۵	نگذاشت که ما به گرمابه در رویم. اجازه نداد وارد حمام شویم
۶	ما به گوشه ای باز شدیم : ما به گوشه ای رفتیم(پناه بردیم)
۷	مکاری از ما سی دینار مغربی می خواست کرایه دهنده اسب ها و شترها از ما سی سکه طلای مرغوب ، طلب داشت
۸	او را با وزیر، صحبتی بودی : او با وزیر دوست و همنشین بود
۹	این مرد پارسی هم دست تنگ بود و وسعتی نداشت که حال مرا مرمتی کند. این مرد ایرانی ، خود فقیر بود و توان مالی نداشت که به من کمک کند.
۱۰	تا چون بر رقعۀ من اطلاع یابد، قیاس کند که مرا اهلیت چیست. وقتی نامه ام را بخواند متوجه شود که چه اندازه لیاقت و شایستگی دارم.
۱۱	ما را به اکرام، به راه دریا گسیل کرد. ما را با احترام از راه دریا روانه کرد
۱۲	مروت نباشد همه در تسبیح و من به غفلت، خفته. دور از جوان مردی است که همه موجودات خدا را ستایش کنند و من در غفلت خفته باشم
۱۳	گفتم این شرط آدمیت نیست مرغ تسبیح گوی و من خاموش این شرط انسانیت نیست که یک پرنده به یاد خدا باشد و من از یاد خدا غافل بمانم
<b>درس نهم : کلاس نقاشی</b>	
۱	زنگ نقاشی، دلخواه و روان بود. خشکی نداشت. زنگ نقاشی دوست داشتنی بود و خسته کننده نبود
۲	معلم دور نبود و صورتک به رو نداشت معلم با بچه ها صمیمی بود و آدم ریاکاری نبود
۳	کارش نگارنقشه قالی بود و در آن دستی نازک داشت : کارش طراحی نقشه قالی بود و در آن مهارت داشت
۴	آدم در نقشه اش نبود و بهتر که نبود. معلم در نقشه های قالی از تصویر آدم استفاده نمی کرد و بهتر که انسان را نقاشی نمی کرد.
۵	در بیچ و تاب عرفانی اسلمی، آدم چه کاره بود؟ در نقاشی های پر پیچ و تاب عرفانی اسلامی ، آدم جایگاهی ندارد
۶	سگ را روان گزیده می ریخت، اما در بیرنگ اسب حرفی به کارش بود به آسانی سگ را طراحی می کرد اما در کشیدن اسب، ماهر نبود
۷	معلم موش بود؛ از در ناسازی صدا برداشت. معلم پریشان و آشفته بود؛ به عنوان مخالفت فریاد کشید.
۸	و در آن دستی نازک داشت. در آن کار مهارت داشت
۹	مرا حدیثی از اسب پردازی معلم در یاد است: من خاطره ای از اسب کشیدن معلم به یاد دارم.
۱۰	پی بردیم راه دست خودش هم نیست : متوجه شدیم در این زمینه مهارت ندارد
۱۱	خلف صدق نیاکان هنرور خود بود: جانشین شایسته اجداد هنرمند خود بود
۱۲	این بار اتاق از جا کنده شد. همه با هم دم گرفتیم: « اسب، اسب » این بار کلاس بسیار شلوغ شد و ما با هم یک صدا فریاد زدیم : اسب نقاشی کن اسب .
۱۳	جوانکی بودم و توی جماعت بر خورده بودم . نوجوان بودم و به طور اتفاقی با آن گروه همراه شده بودم
۱۴	خانه ها درست از سینه خاک در آمده بودند . خانه ها در محله ای خاکی ساخته شده بودند
۱۵	و در چنان بیغوله ای آشنایی غنیمتی بود . در این مکان دورافتاده ، یک دوست و آشنا بسیار ارزشمند بود
۱۶	این آخری ها فریاد را فقط در شعرش می شد جست . نیما اعتراض را در اشعارش بیان می کرد
۱۷	هر چه بر او تنگ گرفتند، کمربند خود را تنگ تر بست . هر چه بیشتر با او مخالفت کردند او بیشتر ایستادگی کرد
۱۸	هم چون مروارید در دل صدف کج و کوله ای سال ها بسته ماند . نیما مانند مرواریدی در صدف سال ها در این جامعه نابه سامان ، ناشناخته ماند

درس دهم: دریادلان صف شکن	
۱	تاریخ، مَشیت باری تعالی است: تاریخ ، خواست و ارادهٔ خداوند پاک است
۲	خاک، مظهر فقر مخلوق در برابر عَنای خالق است. خاک ، نشانهٔ نیازمندی مخلوق در برابر بی نیازی آفریننده است
۳	در برابر قوهٔ الهی آنان ، هیچ قدرتی را یارای ایستایی نیست. در برابر نیروی الهی آنان هیچ قدرتی توان مقاومت ندارد.
۴	تا با خاک انس نگیری راهی به مراتب قرب نداری. تا متواضع و فروتن نباشی به خدا نزدیک نمی شوی
۵	هنوز فضا از نم باران آکنده است . هوا پر از نم(رطوبت) باران است
درس دهم: خاک آزادگان	
۱	به خون گر کشتی خاک من دشمن من بجوشد گل اندر گل از گلشن من ای دشمن ، اگر بخواهی مردم سرزمین مرا بکشی ، جوانان فراوانی هستند که در در مقابل تو تا مرز شهادت می ایستند
۲	من ایرانی ام آرمانم شهادت تجلی هستی است جان کندن من من ایرانی هستم و آرزوی من شهادت است . مرگ در راه خدا به من زندگی جاوید می بخشد
۳	مپندار این شعله افسرده گردد که بعد از من افروزد از مدفن من (ای دشمن ) تصوّر نکن که عشق و علاقهٔ من به وطن خاموش می شود و از بین می رود بلکه این شعله پس از مرگ، از آرامگاه من شعله ور خواهد شد
۴	نه تسلیم و سازش نه تکریم و خواهش بتازد به نیرنگ تو توسن من در برابر دشمن تسلیم نمی شویم و سازش نمی کنیم! دشمن را گرامی نمی داریم و از او خواهشی نمی کنیم! خشم ما مانند اسب سرکشی است که به نیرنگ دشمن می تازد
۵	کنون رود خلق است، دریای جوشان همه خوشه خشم شد خرمن من رود خلق با اتحاد مانند دریایی جوشان شده است که سراسر وجودشان از خشم نسبت به دشمن لبریز است
۶	من آزاده از خاک آزادگانم گل صبر می پرورد دامن من من آزاده و از نسل انسان های آزاده هستم که همیشه در برابر مشکلات صبور و شکیبا می مانم
۷	جز از جام توحید هرگز نوشم زنی گر به تیغ ستم گردن من من تنها به یگانگی خدا اعتقاد دارم؛ حتی اگر مرا ظالمانه بکشی
درس دوازدهم: رستم و اشکبوس	
۱	دلیری کجا نام او اشکبوس همی بر خروشید بر سان کوس پهلوان دلیری که نامش اشکبوس بود مانند طبل جنگی فریاد کشید
۲	بیامد که جوید ز ایران نبرد سر هم نبرد اندر آرد به گرد آمد که از لشکر ایران حریفی پیدا کند و با او را شکست دهد .
۳	تو قلب سپه را به آیین بدار من اکنون ، پیاده ، کنم کارزار (طوس) تو مرکز فرماندهی سپاه را به شیوه و رسم جنگ اداره کن من اکنون به جنگ با اشکبوس می روم تو از مرکز سپاه را محافظت کن. من پیاده با اشکبوس می جنگم.
۴	هم اکنون تو را ای نبرده سوار پیاده بیاموزمت کارزار ای سوارکار جنگجو، هم اکنون پیاده، روش جنگیدن را به تو می آموزم
۵	کشانی بخندید و خیره بماند عنان را گران کرد و او را بخواند اشکبوس خندید و با تعجب به رستم نگاه کرد. سپس اسبش را متوقف کرد و رستم را مورد خطاب قرار داد.
۶	کمان به زه را به بازو فگند به بند کمر بر ، بزد تیر چند رستم کمان آمادهٔ خود را به بازویش انداخت و چند تیر در کمر بند خود قرار داد.
۷	تهمتن بر آشف و با طوس گفت که رهام را جام یاده است جفت رستم با ناراحتی و عصبانیت به طوس گفت: رهام اهل خوشگذرانی است و مرد جنگ نیست!



۸	تہمتن به بند کمر ، برد جنگ گزین کرد یک چوبہ تیر خدنگ رستم به تیردان دست بُرد و یک تیر محکم از جنس چوب خدنگ انتخاب کرد.
۹	خروشید کای مرد رزم آزمای هماوردت آمد مشوباز جای رستم با فریاد به اشکبوس گفت : ای مرد جنگجو! حریفت به میدان آمد، فرار نکن
۱۰	کشانی بخندید و خیره بماند عنان را گران کرد و او را بخواند اشکبوس خندید و با تعجب رستم را نگاه کرد. سپس اسبش را متوقف کرد و رستم را به جنگ طلبید
۱۱	بر آمیخت رهام گرز گران غمی شد ز پیکار دست سران رهام ، گرز سنگینش را بالا برد؛ دست هردو سردار از جنگیدن خسته شد
۱۲	کمان را به زه کرد زود اشکبوس تنی لرز لرزان و رخ سندروس اشکبوس در حالی که از شدت خشم می لرزید و ترسیده بود، سریع کمانش را آماده تیراندازی کرد .
<b>درس سیزدهم: گرد آفرید</b>	
۱	زنی بود برسان گردی سوار همیشه به جنگ اندرون ، نامدار او زنی بود که مثل پهلوانان سوارکار، در میدان های نبرد، مشهور و افتخار آفرین بود.
۲	پوشید درع سواران جنگ نبود اندر آن کار ، جای درنگ زره جنگجویان را پوشید ؛ در آن لحظه، تأخیر جایز نبود
۳	چنان ننگش آمد ز کار هجیر که شد لاله رنگش به کردار قیر چنان از شکست و اسارت هجیر شرم زده شد، که از خشم ، رنگ چهره اش مانند قیر ، سیاه شد
۴	فرود آمد از دژ به کردار شیر کمر بر میان ، باد پایی به زیر مانند شیر از قلعه پایین آمد، در حالی که کمر بند بسته و سوار اسب تیزرویی شده بود.
۵	جو سهراب شیر اوژن، او را بدید بخندید و لب را به دندان هنگامی که سهراب شیرافکن و شجاع او را دید، خندید و تعجب کرد.
۶	کمان را به زه کرد و بگشاد بر بند مرغ را پیش تیرش گذر گرد آفرید کمان را آماده تیراندازی کرد او در تیراندازی بسیار مهارت داشت
۷	به آورد با او بسنده نبود بیچید از و روی و برگاشت زود گرد آفرید متوجه شد که توان مبارزه با سهراب را ندارد، به همین جهت عقب نشینی کرد و با سرعت به سوی دژ برگشت.
۸	به آورد با او بسنده نبود . در نبرد با سهراب حریف او نمی شد ( توانایی مقابله با سهراب را نداشت)
۹	چو بدخواه او چاره گر بُد به جنگ . چون دشمن او در فنون جنگاوری ماهر بود
۱۰	بر آشفست سهراب و شد چون پلنگ چو بدخواه او چاره گر بُد به جنگ سهراب خشمگین شد و مانند پلنگ حمله کرد زیرا دشمن او در جنگیدن مهارت داشت.
۱۱	سپهد عنان اژدها را سپرد به خشم از جهان ، روشنایی ببرد سهراب [ افسار اسب را رها کرد تا به سرعت بتازد. از شدت عصبانیت همه جا را تیره و تار ساخت.
۱۲	چو آمد خروشان به تنگ اندرش بجنبید و برداشت خود از سرش وقتی سهراب با خشم و فریاد، به گرد آفرید نزدیک شد، به سرعت، کلاه خود او را از سرش برداشت
۱۳	بدانست سهراب کاو دختر است سر و موی او از در افسر است سهراب فهمید که حریش یک دختر است . دختر شجاعی که شایسته پادشاهی است .
۱۴	ز فتراک بگشود بیجان کمند بینداخت و آمد میانش به بند طناب بلند را از ترکبند زین باز کرد. آن را به سوی گرد آفرید انداخت و او را به بند کشید
۱۵	شگفت آمدش گفت از ایران سپاه چنین دختر آید به آورد گاه سهراب شگفت زده شد و گفت: در سپاه ایران چنین دخترانی وجود دارند که شجاعانه به میدان جنگ می آیند؟
۱۶	نیامد به دام به سان تو گور ز جنگم رهایی نیابی ، مشور تاکنون شکاری مانند تو به دام نیفتاده است. از دست من نمی توانی رها شوی پس بیهوده برای فرار تلاش نکن.



۱۷	بدانست کاویخت گرد آفرید مر آن را جز از چاره ، درمان ندید گرد آفرید فهمید که گرفتار شده است و برای رهایی از دست سهراب جز حيله و تدبير راه حلی ندارد
۱۸	که با دختری او به دشت نبرد بدین سان به ابر اندر آورد گرد که سهراب در میدان جنگ با دختری روبرو شده و این گونه شور و غوغا به پا می کند
۱۹	عنان را بیچید گرد آفرید سمند سرافراز بر دژ کشید گرد آفرید اسب خود را برگرداند و به سوی دژ حرکت کرد
۲۰	که هم رزم جستی هم افسون و رنگ نیامد ز کار تو بر دوده ننگ هم جنگیدی و هم با نیرنگ چاره ای یافتی . اما حيله تو ننگی برای خاندان نیست
۲۱	تو را بهتر آید که فرمان کنی رخ نامور ، سوی توران کنی بهرتر است که سخن مرا بپذیری و به سرزمین توران برگردی.
۲۲	نباشی بس ایمن به بازوی خویش خورد گاو نادان ، ز بهلوی خویش به قدرت بازوی خود اعتماد نکن. مانند گاو نادان نباش که زمینه نابودی و کشته شدن خودش را فراهم می کند.
<b>درس چهاردهم : طوطی و بقال</b>	
۱	ریش بر می کند و می گفت: ای دریغ کآفتاب نعمتم شد زیر میغ از شدت ناراحتی، ریش خود را می کند و می گفت: افسوس که نعمتم (طوطی من) از دست رفت
۲	کآفتاب نعمتم شد زیر میغ . این نعمت من ( طوطی من) مثل خورشیدی بود که پشت ابر پنهان شد ( طوطی را از دست دادم)
۳	هدیه ها می داد هر درویش را تا بیابد نطق مرغ خویش را به این امید که طوطی دوباره مثل قبل سخن بگوید، به هر فقرا صدقه می داد.
۴	می نمود آن مرغ را هرگون شگفت تا که باشد کاندر آید او به گفت برای طوطی شکلک در می آورد تا شاید دوباره حرف بزند.
۵	روزی جندی سخن کوتاه کرد مرد بقال از ندامت آه کرد طوطی چند روز (به مدت کوتاه) سخن نگفت . مرد بقال از پشیمانی آه می کشید
۶	از قیاسش خنده آمد خلق را کاو چو خود پنداشت صاحب دل را مردم از مقایسه ای که طوطی کرده بود، خندیدند. چون آن مرد کچل را مانند خودش تصور کرده بود .
۷	کار پاکان را قیاس از خود مگیر گر چه ماند در نشستن شیر و شیر کار مردان خدا را با خودت مقایسه نکن. اگرچه شیر خوردنی و شیر جنگل یکسان نوشته می شوند ولی در معنی متفاوت هستند.
۸	جمله عالم زین سبب گمراه شد کم کسی ز ابدال حق ، آگاه شد همه مردم از چنین مقایسه های نادرستی به گمراهی افتادند، کمتر کسی توانست مردان حق را بشناسد
۹	صد هزاران این چنین اشباه بین فرقشان هفتاد ساله راه بین نمونه های فراوانی مانند مثال هایی که گفتیم وجود دارد که تفاوت زیادی با هم دارند.
۱۰	چون بسی ابلیس آدم روی هست پس به هر دستی نشاید داد دست چون در این دنیا شیطان های انسان نمای فراوان هستند، پس شایسته نیست که با هر کسی دوست شویم
۱۱	بر سبیل تلافی جوابش باز داد: با مهربانی به او پاسخ داد
۱۲	آن شخص مسلم نداشت و آغاز عریده و سفاقت نهاد. آن مرد نپذیرفت و شروع به فریاد کشیدن و بی ادبی کرد
<b>درس شانزدهم: خسرو</b>	
۱	دو خروس را دیدم که بال و پر افراشته، در هم آمیخته و گرد برانگیخته اند...
۲	دو خروس را دیدم که به شدت با هم درگیر شده بودند و می جنگیدند
۳	خروس غالب، حرکتی کرد نه مناسب حال درویشان خروس پیروز رفتار ناجوان مردانه ای کرد بر حریف مغلوب که تسلیم اختیار کرده، مخذول و نالان استرحام می کرد، رحم نیاورد به خروس شکست خورده که تسلیم شده بود و با بیچارگی طلب رحم می کرد، حمله ور شد.
۴	حرام از یک کف دست کاغذ و یک بند انگشت مداد که خسرو به مدرسه بیاورد. خسرو هرگز کاغذ و مدادی به مدرسه نمی آورد
۵	از عهده امتحان سال ششم ابتدایی برنیامد. نتوانست در امتحانات کلاس ششم موفق شود
۶	در چشم به هم زدنی، پشت او را به خاک رسانید. در زمانی کوتاه او را شکست داد.

۷	من این را از روی طبیعت کشیده ام . با استعداد ذاتی خودم کشیدم.
۸	سرتیپ هم رهاوردی باب دندان نصیبت شده بود . سرتیپ، سوغات مطابق میل و لذیذی را دریافت کرده بود
۹	سپر بینداخت و از میدان بگریخت. تسلیم شد و از میدان مبارزه فرار کرد
۱۰	در «شهناز» شوری به پا کرده بود. با خواندن آواز در سبک شهناز ، هیجان و غوغایی برپا کرده بود
۱۱	در ریاضی کمیتش لنگ بود : در ریاضی ضعیف بود
۱۲	مخور طعمه جز خسروانی خورش که جان یابدت زان خورش، پرورش فقط غذای شاهانه بخور تا جانت از آن غذا پرورش یابد.
۱۳	دمی آب خوردن پس از بدسگال به از عمر هفتاد و هشتاد سال لحظه ای آرامش پس از نابودی دشمن از عمر طولانی بهتر است.
۱۴	اشتر به شعر عرب در حالت است و طرب گر ذوق نیست تو را کز طبع جانوری شتر با شنیدن شعر عرب به وجد می آید. اگر این نشاط به تو دست نهد، حیوان بی ذوقی هستی
۱۵	حالات نکنم که مطربی و مسخرگی پیشه سازی که « همه قبیله من عالمان دین بودند » اگر به دنبال موسیقی بروی حالات نمی کنم چون همه اجداد ما اهل علم و دین بودند
۱۶	شعر هم می گفت ؛ زیاد هم می گفت اما به قول نظامی خشت می زد زیاد شعر می سرود اما در واقع پر حرفی می کرد (شعرهایش ارزشی نداشت)
۱۷	حسودان تنگ نظر و عنودان بدگهر وی را به می و معشوق و لهر و لعب کشیدند آدم های حسود ( بخیل) و دشمنان بد ذات او را به راه خلاف و سرگرمی های بیهوده کشیدند
۱۸	فی الجملة نماند از معاصی منکری که نکرد و مسکری که نخورد خلاصه، از گناهان، هر کار زشتی که ممکن بود انجام داد و هرگونه شرابی که وجود داشت ، خورد (خلاصه هر نوع گناه و خلافی را انجام داد)
۱۹	زهر خندی گفت: « من گوش استماع ندارم، لمن تقول » با خنده تلخی گفت: من اهل شنیدن نصیحت نیستم (گوش های من نمی شنود) برای چه کسی حرف می زنی؟
۲۰	کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید قضا همی بردش تا به سوی دانه و دام کبوتری که سرنوشتش مرگ و نابودی باشد، تقدیر او را به سوی دام می کشاند.
<b>درس هفدهم: سپیده دم</b>	
۱	تو را جنوب نامیدم / ای که ردای حسین را بر دوش / و خورشید کربلا را در بر داری تو را جنوب نامیدم / ای سرزمینی که در شهادت طلبی پیرو امام حسین (ع) هستی / و حقیقت کربلا در تو نهفته است
۲	ای سرزمینی کز خاکت / خوشه های گندم می روید / و پیامبران برمی خیزند ای سرزمین قدس که خاکت، حاصلخیز و سرسبز و مقدس است و پیامبران الهی از این سرزمین برخاسته اند.
۳	تو را سپیده دمی در انتظار زاده شدن نامیدم پیروزی تو نزدیک است.
۴	بگذار بوسه ز نیم بر شمشیری که در دستان توست / بگذار گرد و خاک قدم هایت را بر گیریم بگذار به نشانه احترام و قدردانی بر شمشیرت بوسه ز نیم و غبار کفش هایت را پاک کنیم.
۵	ای سرور باران ها و فصل ها/ تو را عطری نامیدم که در غنچه ها خانه دارد / تو را پرستو نامیدم ای سرور پاکی ها و تازگی و طراوت، تو عطر پنهان در غنچه ها (کودکان فلسطینی) هستی. تو پیام آور عشق و آزادی هستی.
۶	ستاره ها یک یک رنگ می باختند. ستاره ها تک تک خاموش می شدند
<b>درس هجدهم: عظمت نگاه</b>	
۱	همین که آفریده ای نگاهمان را به خویش معطوف کند، ما را از راه آفریدگار باز می گرداند وقتی به سمت یک آفریده جلب شویم این توجه، ما را از خدا دور می کند. (دل بستگی به آفریده های خدا، ما را از خدا دور می کند)
۲	ای کاش عظمت در نگاه تو باشد، و نه در آن چیزی که بدان نگاه می کنی. نوع نگاه و نگرش ما به پدیده ها، مهم است ، نه خود پدیده ها.



۳	منتظر هر آنچه به سویت می آید، باش و جز آنچه به سویت می آید، آرزو مکن برای پذیرش هر آنچه تقدیر تو است، آمادگی داشته باش اما پیش از روزی و تقدیر خودت آرزویی نکن
۴	ناتانائیل، تنها خداست که نمی توان در انتظارش بود. خداوند در همه لحظات با ما و در کنار ماست.

\*\*\*

مفاهیم مهم	
۱	یکی قطره باران ز ابری چکید / خجل شد چو پهنای دریا بدید / فروتنی و تواضع
۲	بلندی از آن یافت کاو پست شد / در نیستی کوفت تا هست شد / فروتنی و تواضع باعث سربلندی و کمال است
۳	به زبان دیگر مگو و به دل، دیگر مدار، تا گندم نمای جو فروش نباشی / پرهیز از تظاهر و ریا
۴	حاسبوا قبل ان تحاسبوا / بررسی اعمال و رسیدگی به آن ها قبل از مرگ
۵	شاد و بی غم بزی که شادی و غم / زود آیند و زود می گذرند / ناپایداری غم و شادی
۶	دوران روزگار به ما بگذرد بسی / گاهی شود بهار و دگر گه خزان شود / ناپایداری روزگار و اوضاع آن
۷	بید مجنون در تمام عمر، سر بالا نکرد / حاصل بی حاصلی نبود به جز شرمندگی / انسان بی حاصل، شرمنده و سرافکنده است
۸	چو سرو از راستی برزد علم را / ندید اندر جهان تاراج غم را / راستی و صداقت، سبب سربلندی و شادی است
۹	الدهر یومان، یوم لک و یوم علیک / بیداری روزگار و اوضاع آن
۱۰	شرف المکان بالمکین / ارزش هر مکان به کسی است که در آن است
۱۱	چندان تناوری و بلند/که به هنگام تماشا/ کلاه از سر کودک عقل می افتد. ناتوانی عقل از درک بزرگی و عظمت امام حسین (ع)
۱۲	شهر را از عدل، دیوار کن و راه ها از ظلم و خوف پاک کن. که حاجت نیست به گل و خشت و سنگ و گچ. / امنیت و عدالت مستحکم ترین دیوار برای مردم است
۱۳	آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام / بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد / کل نفس ذائقه الموت (هرگ به سراغ همه می آید)
۱۴	بادی که در زمانه بسی شمع ها بکشت / هم بر چراغدان شما نیز بگذرد / کل نفس ذائقه الموت (هرگ به سراغ همه می آید)
۱۵	زین کاروانسرای، بسی کاروان گذشت / ناچار، کاروان شما نیز بگذرد / کل نفس ذائقه الموت (هرگ به سراغ همه می آید)
۱۶	ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن / تأثیر اختران شما نیز بگذرد / ناپایداری قدرت و دولت و خوشبختی
۱۷	چون داد عادلان به جهان در، بقا نکرد / بیداد ظالمان شما نیز بگذرد / ناپایداری قدرت و ظلم
۱۸	ما بارگه دادیم، این رفت ستم بر ما / بر قصر ستمکاران، گویی چه رسد خذلان / ناپایداری قدرت و ظلم
۱۹	بر در بخت بد فرود آید / هر که گیرد عنان مرکبش، آرز / حرص سبب نابودی و بیچارگی است
۲۰	حدیث دوست نگویم مگر به حضرت دوست / که آشنا سخن آشنا نگه دارد / رازداری
۲۱	ارباب حاجتیم و زبان سؤال نیست / در حضرت کریم تمنا چه حاجت است / نیازمندی انسان در برابر خدا / آگاهی خدا از نیازهای بنده / بخشندگی خداوند
۲۲	تعلیم زاره گیر در امر معاش / نیمی سوی خود می کش و نیمی می پاش / دعوت به بخشندگی
۲۳	حسنه به اتفاق ملاحظت جهان گرفت / آری به اتفاق، جهان می توان گرفت / با اتحاد می توان به پیروزی رسید
۲۴	تا نگریدی آشنا، زین پرده رمزی نشنوی / گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش / همه لایق شنیدن اسرار حق نیستند / تا عاشق نشوی لایق اسرار حق نیستی
۲۵	الصبر مفتاح الفرج (صبر، کلید گشایش است) / دعوت به صبوری و شکیبایی
۲۶	این هر دو حال در مدت بیست روز بود و این فصل بدان آوردم تا مردم بدانند که به شدتی که از روزگار / ناپایداری غم و شادی / ناپایداری شرایط روزگار / پیش آید، نباید نالید.
۲۷	دوران روزگار به ما بگذرد بسی / گاهی شود بهار، دگر گه خزان شود / ناپایداری اوضاع روزگار



۲۸	بلبلان را دیدم که به نالرش در آمده بودند از درخت و کبکان از کوه و غوکان در آب و بهایم از بیشه همه موجودات خدا را ستایش می کنند
۲۹	تا ز بر خاکی ای درخت تنومند مگسل از این آب و خاک ریشه پیوند عشق به وطن، وطن دوستی، دلبستگی به وطن
۳۰	سر گرگ باید هم اول برید نه چون گوسفندان مردم درید قبل از وقوع ظلم باید از آن پیشگیری کرد. / علاج واقعه پیش از وقوع کردن
۳۱	مپندار این شعله افسرده گردد که بعد از من افروزد از مدفن من جاودانه بودن عشق به وطن
۳۲	خورد گاو نادان ز پهلوی خویش (معادل ضرب المثل های زیر است) عامل همه گرفتاری ها، خودمان هستیم (دشمن طاووس آمد پر او / از ماست که بر ماست / خود کرده را تدبیر نیست / طوطی ز زبان خویش در بند افتاد)
۳۳	چون بسی ابلیس آدم روی هست پس به هر دستی نشاید داد دست دقت در انتخاب دوست
۳۴	هر دو گون زنبور، خوردند از محل هر دو نی، خوردند از یک آبخور لیک شد زان نیش و زین دیگر غسل این یکی خالی و آن پر از شکر پرهیز از مقایسه نادرست (نباید فریب شباهت های ظاهری را خورد)
۳۵	دست کان لرزان بود از ارتعاش وانکه دستی تو بلرزان ز جاش هردو جنبش آفریده ی حق شناس لیک، نتوان کرد این با آن قیاس پرهیز از مقایسه نادرست (نباید فریب شباهت های ظاهری را خورد)
۳۶	کلّ اناء یترشح بما فيه (از کوزه همان برون تراود که در اوست) مطابقت ظاهر و باطن / رفتار هر کس از ذات او سرچشمه می گیرد
۳۷	من گوش استماع ندارم « لمن تقول » نصیحت ناپذیری
۳۸	کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید قضا همی بردش تا به سوی دانه و دام هر آن که گردش گیتی به کین او برخاست به غیر مصلحتش رهبری کند ایام تقدیرگرایی (از تقدیر و سرنوشت گریزی نیست) اعتقاد به سرنوشت
۳۹	با بدان کم نشین که صحبت بد گر چه پاکی تو را پلید کند آفتابی بدین بزرگی را لگه ای ابر ناپدید کند تأثیر همیشین بد بر انسان
۴۰	اشتر به شعر عرب در حالت است و طرب گر ذوق نیست تو را کژ طبع جانوری به صوت خوش، چو حیوان است مایل ز حیوان کم نشاید بودن ای دل نکوهش انسان هایی که از موسیقی بهره نمی برند / تأثیر موسیقی بر موجودات
۴۱	* چشم ها را باید شست، جور دیگر باید دید. * ای کاش «عظمت» در نگاه تو باشد و نه در آن چیزی که بدان نگاه می کنی. * توصیه به تغییر نگرش انسان نسبت به جهان خلقت / باید با بصیرت و آگاهانه به جهان پیرامون خود نگریست * نگاه عاشقانه و پر مهر بر پدیده ها و توجه به زیبایی های معنوی جهان
۴۲	اگر جان ما ارزشی داشته باشد، برای این است که سخت تر از جان های دیگر سوخته است. لازمه ارزشمندی و بلندمرتبعی، تحمل رنج و سختی است.
۴۳	بسوز ای دل که تا خامی نیاید بوی دل از تو کجا دیدی که بی آتش کسی را بوی عود آمد لازمه ارزشمندی و بلندمرتبعی، تحمل رنج و سختی است.
۴۴	برای من خواندن اینکه شن سال ها نرم است، کافی نیست، می خواهم پاهای برهنه ام این نرمی را حس کند به چشم من هر شناختی که مبتنی بر احساس نباشد، بیهوده است تأکید بر تجربه شخصی / شناخت از طریق تجربه و احساس
۴۵	غیبت نکرده ای که شوم طالب حضور پنهان نگشته ای که هویدا کنم تو را خدا در همه جا و در هر لحظه حضور دارد

## تاریخ ادبیات

۱	الهی نامه: عطار نیشابوری	۱۹	ارزیابی شتاب زده: جلال آل احمد
۲	چشمه: نیما یوشیج (علی اسفندیاری)	۲۰	من زنده ام: معصومه آباد
۳	داستان دیوار: جمال میرصادقی	۲۱	مثنوی معنوی: مولوی (دفتر اول)
۴	قابوس نامه: عنصرالمعالی کیکاووس	۲۲	اخلاق محسنی: حسین واعظ کاشفی
۵	کلیله و دمنه: ترجمه نصرالله منشی	۲۳	شاهنامه: فردوسی
۶	گلستان: سعدی	۲۴	سمفونی پنجم جنوب، نزار قبّانی (۱۹۹۸-۱۹۲۳ م)
۷	سیاست نامه: خواجه نظام الملک توسی	۲۵	مآنده های زمینی و مآنده های تازه: آندره ژید
۸	اسرار التوحید: محمد بن منور	۲۶	سه پرشش: تولستوی
۹	سفرنامه: ناصر خسرو	۲۷	حکایت مزار شاعر: فرانسوا کوپه
۱۰	اسرار التوحید: محمد بن منور	۲۸	تفسیر سوره یوسف: احمد بن محمد بن زید طوسی
۱۱	اتاق آبی: سهراب سپهری		
۱۲	دریادلان صف شکن: مرتضی آوینی (به نقل از مجله ادبیات داستانی)		
۱۳	جوامع الحکایات ولوامع الروایات: سدید الدین محمد عوفی		
۱۴	گوشواره عرش: سیدعلی موسوی گرمارودی (مجموعه کامل شعرهای آیینی)		
۱۵	سرور اعظم باکوچی، معروف به سپیده کاشانی است		
۱۶	تخلص محمود شاهرخی «جذبه» است		
۱۷	تخلص سید محمد حسین بهجت تبریزی، «شهریار» است		
۱۸	داستان خسرو: عبدالحسین وجدانی (داستانی طنز، به شیوه نقیضه پردازي یا تقلید از آثار ادبی)		

### «ادبیات تعلیمی»:

داستان ها یا حکایت هایی که در قالب شعر و نثر، موضوع و مفهومی رفتاری، اخلاقی یا مسئله ای اجتماعی و پندآموز را به شیوه اندرز باز گو کند

\* اثر تعلیمی، اثری است که با هدف آموزش و تعلیم، موضوع هایی از حکمت، اخلاق، مذهب یا دانشی از معارف بشری را بیان می کند.

\* آثار تعلیمی می توانند تخیلی - ادبی باشند تا مسئله ای را به صورت روایی یا نمایشی با جذابیت بیشتر ارائه دهند.

\* از این گونه آثار ادبی (ادبیات تعلیمی) به ویژه در کتاب های درسی و ادبیات کودک و نوجوان بهره می گیرند.

\* شاهکارهای ادبی مانند قابوس نامه، کلیله و دمنه، گلستان، بوستان، مثنوی معنوی و برخی آثار طنز، جنبه تعلیمی دارند

### «ادبیات پایداری» یا «ادب مقاومت»

آثاری که در آن ها نویسنده یا شاعر، تفکر آگاهی بخش یا انتقادی خویش را درباره دادگری، عدالت خواهی، بیدادگری، ستم ستیزی، آزادی و حق جویی، باز گو می کند.

\* به این گونه متن ها که در حقیقت، فریاد مظلومیت آزادی خواهان را به گوش می رساند و خواننده را به ایستادگی، مبارزه و سازش ناپذیری در برابر ظلم، فرامی خواند، «ادبیات پایداری» یا «ادب مقاومت» می گویند.

\* ایستادگی در برابر بیدادگری های اشخاص و حکومت های ظالم در تاریخ همه ملت ها دیده می شود



\* هنگامی که یک ملت یا جامعه به مبارزه با عوامل استبداد و استکبار داخلی یا تجاوز بیگانگان بر می خیزد، از سروده‌ها یا نوشته‌هایی بهره می‌گیرد که موضوع اصلی آنها، ستایش آزادی و آزادی خواهی و دعوت به مبارزه و پایداری در برابر بیدادگران است.

#### «ادبیات غنایی»

آثاری است که درونمایه آن‌ها بیان عواطف و احساسات شاعر یا نویسنده درباره دوستی، محبت، عشق، شادی و برخی مفاهیم عمیق عرفانی است.

\* ادبیات غنایی، اشعار و متونی است که احساسات، عواطف شخصی، حالات عاشقانه و امید و آرزو را با زبانی نرم و لطیف بیان می‌کند.

\* در ادبیات فارسی، موضوع‌های غنایی با مفاهیمی همچون: عشق، عرفان، مرثیه، مناجات و گلایه و شکایت، معمولاً در قالب‌های شعری غزل، مثنوی و رباعی و نیز در قالب نثر نوشته می‌شود.

\* ادبیات عرفانی ما که بسیار غنی و گسترده است، در حوزه ادبیات غنایی قرار می‌گیرد

#### «سفرنامه»

بیان رخدادها، سفر، با ذکر زمان و مکان و شرح جزئیات و توصیف حالات اشخاص

مثل سفرنامه حکیم ابومعین ناصر خسرو قبادیانی، سراینده قرن پنجم

\* سپهری در متن «کلاس نقاشی»، خاطره‌ای از یک کلاس دوران تحصیل خویش را با توصیف و چاشنی طنز نوشته است که «خاطره نگاری» نام دارد.

\* «حسب حال» یا «زندگی نامه»

\* آثاری که اشخاص با ثبت خاطرات و گزارش احوال خویش یا شرح رخدادهای روزگار و افکار دیگران بر جای می‌گذارند مثلاً «پیرمرد چشم ما بود» بیان حس و حال عاطفی جلال آل احمد است که با زبانی صمیمانه درباره نیمه نگاشته شده است.

\* سفرنامه‌ها یا خاطره نگاشت‌ها در حقیقت، بخشی از «زندگی نامه» هستند

مقصود از «ادبیات انقلاب اسلامی» سروده‌ها و نوشته‌هایی هستند که از سال ۱۳۵۷ تاکنون آفریده شده‌اند

\* درونمایه آنها از فرهنگ اسلامی، قیام امام حسین، اندیشه‌های امام خمینی و فضای فرهنگی، معنوی و شور و نشاط انقلابی جامعه، تأثیر پذیرفته است.

\* این گونه آثار، تصویری از تحولات فکری فرهنگی جامعه معاصر را به دست می‌دهند.

\* نمونه‌های شعر و نثری که در این فصل می‌خوانیم، فضای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و منش انقلابی جامعه ایران پس از انقلاب اسلامی را وصف می‌کنند.

#### «حماسه»

حماسه، به معنای دلاوری و شجاعت است و در اصطلاح ادبی، روایتی داستانی از تاریخ تخیلی یک ملت است که با قهرمانی‌ها، جنگاوری‌ها و رخدادهای خلاف عادت و شگفت (خارق العاده) درمی‌آمیزد.

\* وقتی این متن‌ها را می‌خوانیم، حس و حال، شور و هیجان و روحیه پهلوانی در ما برانگیخته می‌شود و نسبت به میهن و دفاع از آن، وظیفه‌ای آمیخته با غرور ملی و سربلندی احساس می‌کنیم. به این گونه آثار «متون حماسی» می‌گویند.

\* حماسه مربوط به دورانی کهن است که قبایل و تیره‌های گوناگون متحد شده و اندک اندک تشکیل ملتی داده‌اند؛ به همین سبب، حماسه هر ملتی، بیان‌کننده آرمان‌های آن ملت است و مجاهدات آن ملت را در راه سربلندی و استقلال برای نسل‌های بعدی روایت می‌کند.

\* در حماسه، تاریخ و اساطیر، خیال و حقیقت به هم آمیخته می‌شود و شاعر، مورخ ملت به شمار می‌آید.

هر حماسه چند ویژگی دارد: داستانی، قهرمانی، ملی و خرق عادت.



**داستانی:** هر حماسه ای در بستری از حوادث شکل می گیرد.

**قهرمانی:** شاعر حماسه سرا با بهره گیری از واژگان و زبان حماسی می کوشد انسانی را به تصویر کشد که از نظر توانایی های جسمی و روحی از دیگران متمایز باشد.

**قومی و ملی:** شاعر حماسه سرا بر آن است که اخلاق فردی و اجتماعی و عقاید فکری و مذهبی یک ملت را در قالب حوادث قهرمانی و در زمینه ای از واقعیات به نمایش بگذارد.

**حوادثی خارق العاده(خرق عادت):** طرح حوادث، انسان ها و موجوداتی که با منطق عینی و تجربه علمی هم سازی ندارند. مانند وجود سیمرغ در شاهنامه فردوسی.

#### «ادبیات داستانی»

در این فصل، متن هایی را می خوانیم که به شیوه داستانی، موضوع ها و مفاهیمی را بیان کرده اند. به این گونه آثار که با بهره گیری از عنصر روایت، شخصیت، لحن، زمان، مکان و زاویه دید و... پدید می آیند؛ «ادبیات داستانی» گفته می شود. ادبیات داستانی، همه آثار روایی را در بر می گیرد، یعنی هر اثر روایتی خلاقانه، در قلمرو ادبیات داستانی، جای می گیرد. ادبیات داستانی شامل قصه، داستان، داستان کوتاه و رمان است.

داستان در حقیقت، ظرفی است که نویسنده به کمک آن، تفکرات، آرزوها و جهت گیری های فکری خویش و مفاهیم خاص را در آن می گنجاند. پس با خواندن هر متن داستانی، باید به درون مایه و محتوای آن بیندیشیم.

یکی از شیوه های طنزنویسی، نقیضه پردازی یا تقلید از آثار ادبی است. (داستان خسرو)

مؤثرترین شیوه های که مولوی در «مثنوی معنوی» از آن بهره می گیرد، «تمثیل» است.

تمثیل به معنای «تشبیه کردن» و «مثل آوردن» است و در اصطلاح ادبی، آن است که شاعر یا نویسنده برای تأیید و تأکید بر سخن خویش، حکایت، داستان یا نمونه و مثالی را بیان کند تا مفاهیم ذهنی خود را آسان تر به خواننده انتقال دهد.

#### ادبیات جهان

متن ها و شاعران و نویسندگانی که بیرون از جغرافیای فرهنگی ایران را تصویر می کنند و مسائل سرزمین های دیگر یا موضوع های بشری را در جهان، نشان می دهند.

با مطالعه ادبیات جهان، با افکار مشاهیر، اندیشه های ملل و آثار برجسته و شخصیت های مشهور ادبیات جهان آشنا خواهیم شد.

باسمه تعالی

سؤالات امتحان نهایی درس: فارسی ۱	پایه: دهم دوره دوم متوسطه	ساعت شروع: ۱۰ صبح	رشته: کلیه رشته ها
نام و نام خانوادگی:	تاریخ امتحان: ۱۴۰۲/۳/۱	تعداد صفحه: ۴	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه
دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت خرداد ماه سال ۱۴۰۲		مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش http://aee.medu.gov.ir	

ردیف	سؤالات	بارم
------	--------	------

قلمرو زبانی ( ۷ نمره )

۱	معنی واژه های مشخص شده را بنویسید. الف) در آگیری سه ماهی بود: دو حازم، یکی عاجز. ب) هنوز فضا از نم باران آکنده است.	۰.۵
۲	با توجه به بیت زیر، یک معادل معنایی برای واژه « شیفته » بیابید. وقتی دل سودایی، می رفت به بستان ها بی خویشتم کردی، بوی گل و ربان ها	۰.۲۵
۳	با توجه به بیت: « بیامد دمان پیش گرد آفرید / چو دخت کمندا فگن او را بدید»، معنی واژه « دمان»، در کدام گزینه به درستی نیامده است؟ الف) خروشنده ب) غرنده ج) چالاک د) مهیب	۰.۲۵
۴	در بیت: « مرغ خوشخوان را بشارت باد کاندر راه عشق / دوست را با ناله شب های بیداران خوش است » کدام واژه اهمیت املایی ندارد؟ الف) عشق ب) بیداران ج) بشارت د) مرغ	۰.۲۵
۵	املای درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) عاقل در دفع مکاید دشمن تأخیر ( ثواب / صواب ) نبیند. ب) بعد از تو روا باشد ( نقض / نغز) همه پیمان ها ج) عامل شهری به خلیفه نبشت که دیوار شهر خراب شده است آن را ( امارت / عمارت ) باید کردن.	۰.۷۵
۶	در کدام گزینه، املای همه واژه ها به درستی آمده است؟ الف) رعیت - وقاهت - مضرت - سندروس ب) توسن - استدعا - تجلی - خصم ج) حقه - معاش - طرفه - زاعر د) محنت - رعب - بيقوله - معطوف	۰.۵
۷	املای درست کلمات مشخص شده را بنویسید. الف) به شصت اندر آورده تیر خدنگ ب) مخذول و نالان اصترحام می کرد.	۰.۵
۸	کدام بخش از عبارت زیر، « حذف » شده است؟ نوع « حذف » را بنویسید. چنین گویند مردی به بغداد آمد و بر درازگوش نشسته بود و بزوی را رشته در گردن کرده، از پس وی می دوید.	۰.۵
۹	نقش دستوری ضمیر پیوسته (متصل) را در گزینه های زیر بنویسید. الف) ز روی لطف بگویش که جا نگه دارد ب) چرا غم دگران می کند پریشانم	۰.۵
۱۰	در کدام گزینه، هر دو نوع « واو » عطف و ربط، دیده نمی شود؟ الف) راهب، ضعیف و باریک میان بود و وقتی بیلش را به زمین فرو می برد و اندکی خاک برمی داشت به دشواری نفس می کشید. ب) نگاهش آرام و حرکاتش و زندگانی اش بی تلاطم بود و خیالش تخت. ج) خانه را اجاره می دادند یا به کسی می سپردند و از قند و چای گرفته تا تره بار و بنشن، همه را فراهم می کردند. د) ای فرزند حلالیت نکنم که مطربی و مسخرگی پیشه سازی که « همه قبیله من عالمان دین بودند.»	۰.۲۵
۱۱	کدام گروه اسمی، مطابق الگوی: « اسم + صفت + مضاف الیه » ساخته نشده است؟ الف) کنگره نویسندگان ایران ب) سفر تابستانی یوش ج) خلف صدق نیاکان د) گریز رندانه معلم	۰.۲۵

ادامه سؤالات در صفحه دوم

۱



باسمه تعالی

سؤالات امتحان نهایی درس: فارسی ۱	پایه: دهم دوره دوم متوسطه	ساعت شروع: ۱۰ صبح	رشته: کلیه رشته ها
نام و نام خانوادگی:	تاریخ امتحان: ۱۴۰۲/۳/۱	تعداد صفحه: ۴	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه
دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت خرداد ماه سال ۱۴۰۲		مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش http://aee.medu.gov.ir	

ردیف	سؤالات	بارم
------	--------	------

۱۲	در عبارت زیر، جمله هسته (پایه) و جمله وابسته (پیرو) را مشخص کنید. معنای خاکریز هم آن گاه تفهیم می شود که در میان یک دشت باز گرفتار آتش دشمن باشی.	۰.۵
۱۳	بیت زیر را بر اساس ترتیب اجزای سازنده در زبان فارسی، مرتب کنید. دگر ره چنان شد هنر آشکار کز آن خیره شد دیده روزگار	۰.۵
۱۴	نقش دستوری اجزای مشخص شده در کدام گزینه متفاوت است؟ الف) شکوفایی گستره تو دل انگیز است. ب) آسمانی که پس از بارش باران، صاف و روشن است. ج) من به تو شور و شوقی خواهم آموخت. د) این تلاوت قرآن نیست.	۰.۵
۱۵	نقش دستوری اجزای مشخص شده را بنویسید. الف) ای سرور باران ها و فصل ها ب) غمی شد ز پیکار دست سران	۰.۵
۱۶	نوع «را» در مصراع «مرا مادرم نام، مرگ تو کرد» را بنویسید.	۰.۲۵
۱۷	در کدام مصراع، متمم با دو حرف اضافه نیامده است؟ الف) همیشه به جنگ اندرون نامدار ب) چو آمد خروشان به تنگ اندرش ج) به سهراب بر تیرباران گرفت د) بزد بر بر و سینه اشکبوس	۰.۲۵

قلمرو ادبی (۵ نمره)

۱۸	جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید. هر حماسه چند ویژگی دارد؛ داستانی، .....، ملّی و .....	۰.۵																
۱۹	در کدام گزینه نام نویسنده به ترتیب نام اثر درست آمده است؟ ارزشیابی شتابزده - جوامع الحکایات - دیوار - من زنده ام - مانده های زمینی الف) سهراب سپهری - حسین واعظ کاشفی - جمال میرصادقی - معصومه آباد - تولستوی ب) جلال آل احمد - سدیدالدین محمد عوفی - جمال میرصادقی - معصومه آباد - آندره ژید	۰.۵																
۲۰	با توجه به موارد قسمت الف، آرایه های مناسب را از قسمت ب انتخاب کنید و داخل کمانک بنویسید. (قسمت ب یک مورد اضافی است.)	۱/۵																
	<table border="1"> <thead> <tr> <th>الف</th> <th>ب</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>الف) با من به سلام خشک ای دوست زبان تر کن / تا از مژه هر ساعت لعل تَرَت افشانم )</td> <td>( ۱) مجاز</td> </tr> <tr> <td>ب) کمان را به زه کرد و بگشاد بر / نبد مرغ را پیش تیرش گذر</td> <td>( ۲) حَسَن تعلیل</td> </tr> <tr> <td>ج) ما را سر باغ و بوستان نیست / هر جا که تویی، تفرّج آن جاست</td> <td>( ۳) سجع</td> </tr> <tr> <td>د) گل از شوق تو خندان در بهار است / از آتش رنگ های بی شمار است</td> <td>( ۴) حس آمیزی</td> </tr> <tr> <td>ه) نگه کرد سهراب و آمدش ننگ / بر آشفتم و تیز اندر آمد به جنگ</td> <td>( ۵) تضمین</td> </tr> <tr> <td>و) آهنگ کید و مکر کردند تا مگر او را هلاک کنند و عالم از آثار وجود او پاک کنند.</td> <td>( ۶) جناس</td> </tr> <tr> <td></td> <td>( ۷) اغراق</td> </tr> </tbody> </table>	الف	ب	الف) با من به سلام خشک ای دوست زبان تر کن / تا از مژه هر ساعت لعل تَرَت افشانم )	( ۱) مجاز	ب) کمان را به زه کرد و بگشاد بر / نبد مرغ را پیش تیرش گذر	( ۲) حَسَن تعلیل	ج) ما را سر باغ و بوستان نیست / هر جا که تویی، تفرّج آن جاست	( ۳) سجع	د) گل از شوق تو خندان در بهار است / از آتش رنگ های بی شمار است	( ۴) حس آمیزی	ه) نگه کرد سهراب و آمدش ننگ / بر آشفتم و تیز اندر آمد به جنگ	( ۵) تضمین	و) آهنگ کید و مکر کردند تا مگر او را هلاک کنند و عالم از آثار وجود او پاک کنند.	( ۶) جناس		( ۷) اغراق	
الف	ب																	
الف) با من به سلام خشک ای دوست زبان تر کن / تا از مژه هر ساعت لعل تَرَت افشانم )	( ۱) مجاز																	
ب) کمان را به زه کرد و بگشاد بر / نبد مرغ را پیش تیرش گذر	( ۲) حَسَن تعلیل																	
ج) ما را سر باغ و بوستان نیست / هر جا که تویی، تفرّج آن جاست	( ۳) سجع																	
د) گل از شوق تو خندان در بهار است / از آتش رنگ های بی شمار است	( ۴) حس آمیزی																	
ه) نگه کرد سهراب و آمدش ننگ / بر آشفتم و تیز اندر آمد به جنگ	( ۵) تضمین																	
و) آهنگ کید و مکر کردند تا مگر او را هلاک کنند و عالم از آثار وجود او پاک کنند.	( ۶) جناس																	
	( ۷) اغراق																	
۲۱	با توجه به قسمت های مشخص شده، «نماد» و «تشبیه» را در مصراع های زیر بررسی کنید. الف) ای چون سبزه برآمده از دفتر روزگاران ب) حسرت نبرم به خواب آن مرداب	۰.۵																

ادامه سؤالات در صفحه سوم

باسمه تعالی

ردیف	سؤالات	بارم
<p>سؤالات امتحان نهایی درس: فارسی ۱ پایه: دهم دوره دوم متوسطه ساعت شروع: ۱۰ صبح رشته: کلیه رشته‌ها</p> <p>نام و نام خانوادگی: تاریخ امتحان: ۱۴۰۲/۳/۱ تعداد صفحه: ۴ مدت امتحان: ۹۰ دقیقه</p> <p>دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت خرداد ماه سال ۱۴۰۲ مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش http://aee.medu.gov.ir</p>		
۲۲	مفهوم کنایه های مشخص شده را بنویسید. الف) عنان را گران کرد و او را بخواند ب) او را نیز بسمل کردم تا عبرت همگان شود.	.۵
۲۳	آرایه درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) خروش سواران و اسپان ز دشت ز بهرام کیوان همی برگذشت (اغراق / تشبیه) ب) زین کاروان سرای بسی کاروان گذشت ناچار کاروان شما نیز بگذرد (تضمین / استعاره)	.۵
۲۴	الف) یک بیت، بعد از بیت: «فلک در شگفتی ز عزم شماس / ملک آفرین گوی رزم شماس» را بنویسید. ب) ابیتی از شعر «دلبران و مردان ایران زمین» بنویسید که قافیۀ مصرع های آن «پاک و تابناک» باشد.	۱
<b>قلمرو فکری ( ۸ نمره )</b>		
۲۵	معنی ابیات و عبارات زیر را به نثر ساده و روان بنویسید.	
الف	معلم مَشوَش بود.	.۲۵
ب	مرگت چنان زندگی را به سُخره گرفت	.۲۵
ج	الهی، فضل خود را یار ما کن	.۵
د	تدبیر برادران برخلاف تقدیر رحمان آمد.	.۵
ه	به آورد با او بسنده نبود	.۵
و	در چشم به هم زدنی، پشت او را به خاک رسانید.	.۵
ز	ریش بر می کند و می گفت ای دریغ کافتاب نعمتم شد زیر میخ	.۷۵
ح	خاک، مظهر فقر مخلوق در برابر عنای خالق است.	.۷۵
۲۶	حدیث: «حَسِبُوا قَبْلَ أَنْ تُحَاسِبُوا»، با کدام عبارت قرابت معنایی دارد؟ الف) به زبان دیگر مگو و به دل دیگر مدار ب) واندر همه کاری داد از خویشتن بده	.۵
۲۷	در متن زیر، «عقل» با چه ویژگی هایی وصف شده است؟ چندان تناوری و بلند / که هنگام تماشا / کلاه از سر کودک عقل می افتد	.۵
۲۸	به چه دلیل نویسنده معتقد است که: «مَثَل قرآن، مَثَل آب روان است.»؟	.۵
ادامه سؤالات در صفحه چهارم		۳



باسمه تعالی

سؤالات امتحان نهایی درس: فارسی ۱	پایه: دهم دوره دوم متوسطه	ساعت شروع: ۱۰ صبح	رشته: کلیه رشته‌ها
نام و نام خانوادگی:	تاریخ امتحان: ۱۴۰۲/۳/۱	تعداد صفحه: ۴	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه
دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت خرداد ماه سال ۱۴۰۲		مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش http://aee.medu.gov.ir	
ردیف	سؤالات		
۲۹	هریک از ابیات زیر، با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟ ( شماره بیت را داخل کمانک بنویسید) الف) کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید ب) اشتر به شعر عرب در حالت است و طرب ۱) چه وجود نقش دیوار و چه آدمی که با او سخنی ز عشق گویند و در او اثر نباشد ۲) هر آن که گردش گیتی به کین او برخاست به غیر مصلحتش رهبری کند ایام		
۳۰	شاعر در بیت زیر، بر چه مفهومی تأکید دارد؟ تا ز بر خاکی ای درخت تنومند مگسل از این آب و خاک ریشه پیوند		
۳۱	یک ضرب المثل، معادلِ مصراع دوم بیت زیر بنویسید. نباشی بس ایمن به بازوی خویش « خورد گاو نادان ز پهلوی خویش »		
۳۲	کدام مصراع با قسمت مشخص شده در سروده زیر ارتباط معنایی دارد؟ « تو را سپیده دمی در انتظار زاده شدن و پیکری در اشتیاق شهادت نامیدم. » الف) بگذار بوسه ز نیم بر شمشیری که در دستان توست ب) ای دفترهای شعری که مقاومت پیشه کرده اید ج) ای سرخ گل که فداکاری پیشه کرده ای د) تو را آب ها و خوشه ها ناسیدم		
۳۳	جمله: « ای کاش عظمت در نگاه تو باشد » را با سروده زیر از سهراب سپهری مقایسه کنید. « چشم ها را باید شست، جور دیگر باید دید. »		
۴			
۲۰	جمع نمره پیروز و سرافراز باشید.		

باسمه تعالی

ساعت شروع: ۱۰ صبح	رشته: کلیه رشته ها	راهنمای تصحیح سوالات امتحان هماهنگ درسی: فارسی ۱
تعداد صفحات: ۲	تاریخ امتحان: ۱۴۰۲/۳/۱	پایه: دهم دوره دوم متوسطه
مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش http://aee.medu.gov.ir		دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت خردادماه سال ۱۴۰۲

ردیف	راهنمای تصحیح	نمره
<b>قلمرو زبانی ( ۷ نمره )</b>		
۱	الف) محتاط .۲۵ / ب) پُر، انباشته .۲۵ / ص ۱۷ / ص ۷۷	.۱۵
۲	سودایی .۲۵ / ص ۵۵	.۲۵
۳	گزینه ج .۲۵ / ص ۱۰۳	.۲۵
۴	گزینه ب .۲۵ / ص ۶۱	.۲۵
۵	الف) صواب .۲۵ / ب) نقض .۲۵ / ج) عمارت .۲۵ / ص ۱۷ / ص ۵۵ / ص ۱۰۱	.۷۵
۶	گزینه ب .۱۵	.۱۵
۷	الف) شست .۲۵ / ب) استرحام .۲۵ / ص ۹۸ / ص ۱۲۲	.۱۵
۸	حذف فعل کمکی «بود» .۲۵ ، حذف به قرینه لفظی .۲۵ / ص ۱۲۸	.۱۵
۹	الف) متمم .۲۵ / ب) مفعول (مرا پریشان می کند) .۲۵ / ص ۴۸	.۱۵
۱۰	گزینه د .۲۵ / ص ۶۶	.۲۵
۱۱	گزینه الف .۲۵ / ص ۳۴	.۲۵
۱۲	معنای خاکریز هم آن گاه تفهیم می شود جمله هسته (پایه) .۲۵ / در میان یک دشت باز گرفتار آتش دشمن باشی. جمله وابسته (پیرو) .۲۵ / ص ۷۸	.۱۵
۱۳	دگرره آن چنان هنر آشکار شد .۲۵ / که از آن دیده روزگار خیره شد .۲۵ / ص ۸۳	.۱۵
۱۴	گزینه ج مفعول .۱۴۰ / سایر گزینه ها مسند	.۱۵
۱۵	الف) منادا .۲۵ / ص ۱۳۴ / ب) نهاد .۲۵ / ص ۹۷	.۱۵
۱۶	نوع «را» فک اضافه .۲۵ / ص ۹۷	.۲۵
۱۷	گزینه د .۲۵ / ص ۹۸	.۲۵
<b>قلمرو ادبی ( ۵ نمره )</b>		
۱۸	به ترتیب : قهرمانی .۲۵ / خرق عادت .۲۵ / ص ۹۴	.۱۵
۱۹	گزینه ب .۱۵ / (ارزشیابی شتابزده ص ۷۱ جوامع الحکایات ص ۱۲۹ - دیوار ص ۲۷ - من زنده ام ص ۹۱ - مائده های زمینی ص ۱۴۱)	.۱۵
۲۰	الف) حس آمیزی .۲۵ / ب) اغراق (مصراع دوم) .۲۵ / ج) مجاز .۲۵ / د) حسن تعلیل .۲۵ / ه) جناس .۲۵ / و) سجع .۲۵	۱/۵
۲۱	الف) تشبیه .۲۵ / ص ۱۲۷ / ب) نماد .۲۵ / ص ۸۰	.۱۵
۲۲	الف) متوقف کردن .۲۵ / ص ۹۶ / ب) سر جانور را بریدن .۲۵ / ص ۱۲۲	.۱۵
ادامه پاسخ در صفحه دوم		۱



باسمه تعالی

ساعت شروع: ۱۰ صبح	رشته: کلیه رشته ها	راهنمای تصحیح سؤالات امتحان هماهنگ درس: فارسی
تعداد صفحات: ۲	تاریخ امتحان: ۱۴۰۲/۳/۱	پایه: دهم دوره دوم متوسطه
مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش http://aee.medu.gov.ir		دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت خردادماه سال ۱۴۰۲

ردیف	راهنمای تصحیح	نمره
۲۳	الف) اغراق ۲۵/ ص ۹۵ (ب) استعاره ۲۵/ ص ۳۹	۵/
۲۴	الف شما را چو باور به یزدان بود ۲۵/ هم او مر شما را نگهبان بود ۲۵/ ص ۱۰۸ ب) از این خطه نغز پدram پاک ۲۵/ / و زین خاک جان پرور تابناک ۲۵/	۱
<b>قلمرو فکری ( ۸ نمره )</b>		
۲۵	معنی ابیات و عبارات:	
الف	معلم پریشان و آشفته بود. ۲۵/ ص ۶۴	۲۵/
ب	مرگت آن چنان زندگی را بی ارزش کرد. ۲۵/ ص ۳۲	۲۵/
ج	خدایا بخشش خود را ۲۵/ همراه ما کن. ۲۵/ ص ۱۰	۵/
د	اندیشه و عاقبت نگری برادران ۲۵/ برخلاف خواست و حکم خداوند بخشنده بود. ۲۵/ ص ۵۲	۵/
ه	در نبرد با سهراب ۲۵/ حریف او نمی شد ( توانایی مقابله با او را نداشت ) ۲۵/ ص ۱۰۳	۵/
و	در زمانی کوتاه ۲۵/ او را شکست داد. ۲۵/ ص ۱۲۴	۵/
ز	احساس ناراحتی و پشیمانی می کرد و می گفت افسوس ۲۵/ این نعمت من ( طوطی من ) مثل خورشیدی بود ۲۵/ که پشت ابر پنهان شد ( طوطی را از دست دادم ) ۲۵/ ص ۱۱۳	۷۵/
ح	خاک نشانه ۲۵/ نیازمندی مخلوق ۲۵/ در برابر بی نیازی آفریننده است. ۲۵/ ص ۷۸	۷۵/
۲۶	گزینه ب ۵/ ص ۳۰	۵/
۲۷	تجیر و ناتوانی عقل از درک عظمت امام حسین(ع) ۵/ ص ۳۳	۵/
۲۸	زیرا همان طور که آب آلودگی های جسم را از بین می برد و باعث شادی انسان می شود ۲۵/ قرآن نیز آلودگی های دل و روح را از بین می رود و باعث طراوت دل ها می گردد. ۲۵/ ص ۵۴	۵/
۲۹	الف ( ۲ هر آن که گردش گیتی ..... ) ۲۵/ ب ( ۱ چه وجود نقش دیوار و ..... ) ۲۵/ ص ۱۲۷	۵/
۳۰	عشق به وطن، وطن دوستی، دلبستگی به وطن ..... ۵/ ص ۸۴	۵/
۳۱	دشمن طاووس آمد پر او / از ماست که بر ماست / خود کرده را تدبیر نیست / طوطی ز زبان خویش در بند افتاد / یا..... ۵/ ص ۱۰۶	۵/
۳۲	گزینه ج ۵/ ص ۱۳۸	۵/
۳۳	در هر دو به تغییر نگرش انسان نسبت به جهان خلقت توصیه شده و این که باید با بصیرت و آگاهانه به جهان پیرامون خود نگریست. ۵/ ص ۱۴۳ یا: نگاه عاشقانه و پر مهر بر پدیده ها داشتن و توجه به زیبایی های معنوی جهان	۵/
۲		
۲۰	جمع نمره «همکاران از جمند، خدا قوت؛ لطفاً به پاسخ های درست و مشابه نمره اختصاص دهید.»	

باسمه تعالی

سؤالات امتحان نهایی درس: فارسی ۱	پایه: دهم دوره دوم متوسطه	ساعت شروع: ۱۶ عصر	رشته: کلیه رشته‌ها
نام و نام خانوادگی:	تاریخ امتحان: ۱۴۰۲/۳/۱	تعداد صفحه: ۴	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه
دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت خرداد ماه سال ۱۴۰۲		مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش http://aee.medu.gov.ir	
ردیف	سؤالات		
بارم			

قلمرو زبانی ( ۷ نمره )

۱	معنی واژه های مشخص شده را بنویسید. الف) بتازد به نیرنگ تو توسن من ب) تاریخ مشیت باری تعالی است.	۰.۵
۲	با توجه به بیت زیر، یک معادل معنایی برای واژه « بیغوله » بیابید. « بی تو در هر گوشه پایی در گل است / وز تو در هر خانه دستی بر سری »	۰.۲۵
۳	با توجه به مصراع: « دل ما به دور رویت ز چمن فراغ دارد » معنی واژه « فراغ » در کدام گزینه به درستی نیامده است؟ الف) گشایش      ب) آسایش      ج) آرامش      د) آسودگی	۰.۲۵
۴	در کدام گزینه تمامی واژه ها اهمیت املایی دارند؟ الف) رعب - معرکه - کام      ب) مصلحت - گبر - کیوان ج) خدنگ - فتراک - تلطف      د) بدسگال - زره - افسر	۰.۲۵
۵	املای درست واژه ها را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) نگاهش آرام و حرکاتش و زندگانی اش ( بی تلاطم - بی طلاطم ) بود. ب) روستایی که با ( صدرش / سدرش ) با سینه اش از شرافت خاک و کرامت انسان بودن دفاع کرد. ج) پیش از همه ( غوآس ها / غوآص ها ) در سکوت به آب زدند.	۰.۷۵
۶	املای درست کلمات نادرست را بنویسید. نصیان و غفلت - استدعای مجلس - درء سواران - صاحب دلغ - یال و غارب - ذبون ناکس - عینک دور بیضی	۱
۷	درستی یا نادرستی موارد زیر را مشخص نمایید. الف) قسمت مشخص شده در مصراع: « تجلی هستی است جان کندن من »، « گزاره » است. ب) در مصراع: « ز روی لطف بگویش که جا نگه دارد » نقش ضمیر پیوسته « ش »، « متمم » است. ج) در مصراع: « گر در طلبت رنجی ما را برسد، شاید « فعل » برسد، « مضارع اخباری » است.	۰.۷۵
۸	کاربرد معنایی پسوند « ک » در واژه « روزک » با کاربرد آن در کدام گزینه یکسان است؟ الف) خورجینگی بود که در آن کتاب می نهادم. ب) تا باشد که مارا دمکی زیادت تر در گرمابه بگذارد.	۰.۲۵
۹	با توجه به الگوی داده شده، گروه اسمی را کامل کنید.  <div style="text-align: center;"> <p>گروه اسمی</p> <pre> graph TD     A[گروه اسمی] --&gt; B[هسته]     A --&gt; C[وابسته]     A --&gt; D[وابسته]     B --&gt; E[اسم]     E --&gt; F[شعر]     C --&gt; G[مضاف الیه]     G --&gt; H[.....]     D --&gt; I[مضاف الیه]     I --&gt; J[.....]                     </pre> </div>	۰.۵
۱۰	در بیت: « برایم قابل درک است اگر چشمت به راهم نیست / برای اهل دریا شوق بارانی نمی ماند » الف) « جمله مرکب » در کدام مصرع دیده می شود؟ ب) « جمله هسته » را مشخص کنید.	۰.۵
ادامه سؤالات در صفحه دوم		



باسمه تعالی

سؤالات امتحان نهایی درس: فارسی ۱	پایه: دهم دوره دوم متوسطه	ساعت شروع: ۱۶ عصر	رشته: کلیه رشته ها
نام و نام خانوادگی:	تاریخ امتحان: ۱۴۰۲/۳/۱	تعداد صفحه: ۴	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه
دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت خرداد ماه سال ۱۴۰۲		مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش http://aee.medu.gov.ir	

ردیف	سؤالات	بارم																
۱۱	بیت زیر را بر اساس ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی مرتب کنید. بر آشفت سهراب و شد چون پلنگ چو بدخواه او چاره گر بُد به جنگ	۰.۵																
۱۲	نوع ترکیب (وصفی - اضافی) را مشخص کنید. الف) گُهر تابناک ب) مجلس عارفان	۰.۵																
۱۳	نقش دستوری کلمات مشخص شده را بنویسید. الف) نگرش تو باید هر لحظه نو شود. ب) الهی فضل خود را یار ما کن	۰.۵																
۱۴	در کدام گزینه هردو نوع واو (عطف - ربط) دیده می شود؟ الف) دیدم بلبلان و کبک ها آوازی می خواندند و قورباغه هم در آب صدا می کند. ب) آن خسرو مهربان و خونگرم با سردی و بی مهری بسیار نگاهم کرد.	۰.۲۵																
۱۵	نوع حرف «را» در جمله زیر را بنویسید. «ده دینار تو را دهم اگر تو این صندوقچه من از اینجا برآوری.»	۰.۲۵																
<b>قلمرو ادبی (۵ نمره)</b>																		
۱۶	یکی از شیوه های طنزنویسی..... یا تقلید از آثار ادبی است.	۰.۲۵																
۱۷	یک اثر در زمینه «ادبیات تعلیمی» ذکر کنید.	۰.۲۵																
۱۸	«محمدبن منور» نویسنده کتاب..... و «اتاق آبی» اثر..... است.	۰.۵																
۱۹	با توجه به گزینه ها آرایه درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) قطره باران که درافتد به خاک / زو بدمد بس گُهر تابناک (استعاره / جناس) ب) صداقت / شیرین ترین لبخند / بر لبان اراده توست (مجاز / حس آمیزی)	۰.۵																
۲۰	با توجه به موارد قسمت الف، آرایه های مناسب را از قسمت ب انتخاب کنید و داخل کمانک بنویسید. (قسمت ب یک مورد اضافی است.)	۱/۵																
	<table border="1" style="width: 100%;"> <thead> <tr> <th>الف</th> <th>ب</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>الف) در بهشت از هزارگونه نعمت است و در قرآن از هزارگونه پند و حکمت است. ( )</td> <td>(۱) استعاره</td> </tr> <tr> <td>ب) حسرت نبرم به خواب آن مرداب/کارام درون دشت شب خفته است ( )</td> <td>(۲) اغراق</td> </tr> <tr> <td>ج) نه تسلیم و سازش، نه تکریم و خواهش/ بنازد به نیرنگ تو توسن من ( )</td> <td>(۳) حسن تعلیل</td> </tr> <tr> <td>د) سپهید عنان ازدها را سپرد / به خشم از جهان روشنایی ببرد ( )</td> <td>(۴) سجع</td> </tr> <tr> <td>ه) تویی بهانه آن ابرها که می گریند / بیا که صاف شود این هوای بارانی ( )</td> <td>(۵) مجاز</td> </tr> <tr> <td>و) سر و زر و دل و جانم فدای آن باری / که حق صحبت مهر و وفا نگه دارد ( )</td> <td>(۶) حس آمیزی</td> </tr> <tr> <td></td> <td>(۷) تشبیه</td> </tr> </tbody> </table>	الف	ب	الف) در بهشت از هزارگونه نعمت است و در قرآن از هزارگونه پند و حکمت است. ( )	(۱) استعاره	ب) حسرت نبرم به خواب آن مرداب/کارام درون دشت شب خفته است ( )	(۲) اغراق	ج) نه تسلیم و سازش، نه تکریم و خواهش/ بنازد به نیرنگ تو توسن من ( )	(۳) حسن تعلیل	د) سپهید عنان ازدها را سپرد / به خشم از جهان روشنایی ببرد ( )	(۴) سجع	ه) تویی بهانه آن ابرها که می گریند / بیا که صاف شود این هوای بارانی ( )	(۵) مجاز	و) سر و زر و دل و جانم فدای آن باری / که حق صحبت مهر و وفا نگه دارد ( )	(۶) حس آمیزی		(۷) تشبیه	
الف	ب																	
الف) در بهشت از هزارگونه نعمت است و در قرآن از هزارگونه پند و حکمت است. ( )	(۱) استعاره																	
ب) حسرت نبرم به خواب آن مرداب/کارام درون دشت شب خفته است ( )	(۲) اغراق																	
ج) نه تسلیم و سازش، نه تکریم و خواهش/ بنازد به نیرنگ تو توسن من ( )	(۳) حسن تعلیل																	
د) سپهید عنان ازدها را سپرد / به خشم از جهان روشنایی ببرد ( )	(۴) سجع																	
ه) تویی بهانه آن ابرها که می گریند / بیا که صاف شود این هوای بارانی ( )	(۵) مجاز																	
و) سر و زر و دل و جانم فدای آن باری / که حق صحبت مهر و وفا نگه دارد ( )	(۶) حس آمیزی																	
	(۷) تشبیه																	
۲۱	مفهوم کنایه های زیر را بنویسید. الف) عنان را بپیچید گرد آفرید ب) از کلاس بیرون رفت و دم بر نیاورد.	۰.۵																
ادامه سؤالات در صفحه سوم		۲																

باسمه تعالی

ردیف	سؤالات	بارم
<p>سؤالات امتحان نهایی درس: فارسی ۱ پایه: دهم دوره دوم متوسطه ساعت شروع: ۱۶ عصر رشته: کلیه رشته ها نام و نام خانوادگی: تاریخ امتحان: ۱۴۰۲/۳/۱ تعداد صفحه: ۴ مدت امتحان: ۹۰ دقیقه دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت خرداد ماه سال ۱۴۰۲ مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش <a href="http://aee.medu.gov.ir">http://aee.medu.gov.ir</a></p>		
۲۲	با توجه به سروده: « ای سرور باران ها و فصل ها / تو را عطری نامیدم که در غنچه ها خانه دارد » شاعر، « باران ها » و « فصل ها » را در کدام مفاهیم نمادین به کار برده است؟	۰.۵
۲۳	الف) بیتی از شعر « دلبران و مردان ایران زمین » بنویسید که قافیۀ مصرع های آن « موج و فوج » باشد. ب) یک بیت بعد از بیت « بدانیش را آتش خرمن اند / خدنگی گران بر دل دشمن اند » را بنویسید.	۱
<b>قلمرو و فکری ( ۸ نمره )</b>		
۲۴	معنی ابیات و عبارات زیر را به نثر ساده و روان بنویسید.	
الف	و در آن دستی نازک داشت.	۰.۲۵
ب	ستاره ها یک رنگ می باختند.	۰.۲۵
ج	بزرگان به هر حق و باطلی از جای نشوند.	۰.۵
د	کآفتاب نعمتم شد زیر میخ	۰.۵
ه	چو بدخواه او چاره گر بُد به جنگ	۰.۵
و	در برابر قوۀ الهی آنان ، هیچ قدرتی را یارای ایستایی نیست.	۰.۵
ز	دلا، معاش چنان کن که گر بلغزد پای فرشته ات به دو دست دعا نگه دارد	۰.۷۵
ح	تو قلب سپه را به آیین بدار من اکنون، پیاده، کنم کارزار	۰.۷۵
۲۵	هر یک از آیه های شریفه زیر با کدام عبارت، تناسب دارد؟ شماره عبارت را داخل کمانک وارد کنید. الف) لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ ( ) ب) أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمِثِنَ الْقُلُوبِ ( ) ج) وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ ( ) ۱) در معركة قلوب مجاهدان خدا، آرامشی که حاصل ایمان است، حکومت دارد. ۲) هرگز کید کایدان با خواست خداوند غیب دان، برابر نیاید. ۳) هر آفریده ای نشانه خداوند است، اما هیچ آفریده ای نشان دهنده او نیست.	۰.۷۵
۲۶	مفهوم کلی سروده زیر را بنویسید. « در فکر آن گودالم که خون تورا مکیده است / هیچ گودالی چنین رفیع ندیده بودم / در حسیض هم می توان عزیز بود / از گودال بپرس »	۰.۵
ادامه سؤالات در صفحه چهارم		۳

باسمه تعالی

رشته : کلیه رشته ها	ساعت شروع: ۱۶ عصر	پایه: دهم دوره دوم متوسطه	سؤالات امتحان نهایی درس: فارسی ۱
مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	تعداد صفحه: ۴	تاریخ امتحان: ۱۴۰۲/۳/۱	نام و نام خانوادگی:
مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش http://aee.medu.gov.ir		دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت خرداد ماه سال ۱۴۰۲	
ردیف	سؤالات		
۲۷	در بیت زیر مقصود شاعر از « رمه » و « چوپان گرگ طبع » چیست؟ ای تورمه سپرده به چوپان گرگ طبع این گرگی شبان شما نیز بگذرد		
۲۸	در هر کدام از بیت ها و جمله های زیر نویسنده بر چه نکاتی تاکید دارد؟ الف) اثر غم و شادی پیش مردمان بر خود پیدا مکن. ب) میندار این شعله افسرده گردد که بعد از من افروزد از مدفن من		
۲۹	مفهوم مشترک عبارت و بیت زیر را بنویسید. الف) اگر جان ما ارزشی داشته باشد، برای این است که سخت تر از برخی جان های دیگر سوخته است. ب) بسوز ای دل که تا خامی نیاید بوی دل از تو / کجا دیدی که بی آتش کسی را بوی عود آمد		
۳۰	با توجه به بیت: « کار پاکان را قیاس از خود مگیر جمله عالم زین سبب گمراه شد کم کسی زابدال حق آگاه شد » الف) منظور از « ابدال » چه کسانی هستند؟ ب) از نظر شاعر علت گمراهی جمله عالم چیست؟		
۳۱	در متن زیر نویسنده بر کدام گزینه، تاکید دارد؟ « برای من خواندن اینکه شن سال ها نرم است، کافی نیست، می خواهم پاهای برهنه ام این نرمی را حس کند به چشم من هر شناختی که مبتنی بر احساس نباشد، بیهوده است.» الف) عمل گرایبی (ب) تجربه شخصی (ج) توجه به احساس (د) علم اندوزی		
۲۰	جمع نمره پرووز و سرافراز باشید.		



باسمه تعالی

ساعت شروع: ۱۶ عصر	رشته: کلیه رشته ها	راهنمای تصحیح سوالات امتحان هماهنگ درس: فارسی ۱
تعداد صفحات: ۲	تاریخ امتحان: ۱۴۰۲/۳/۱	پایه: دهم دوره دوم متوسطه
مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش http://aee.medu.gov.ir		دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت خردادماه سال ۱۴۰۲

ردیف	سوالات	بارم
------	--------	------

قلمرو زبانی (۷ نمره)

۱	الف) اسب سرکش، مقابل رام ب) اراده و خواست	۲۵/ ص ۸۲ ۲۵/ ص ۷۵	۰.۵
۲	گوشه	۲۵/ ص ۶۸	۰.۲۵
۳	الف) گشایش	۲۵/ ص ۶۰	۰.۲۵
۴	گزینه د	۲۵/ ص ۶۱	۰.۲۵
۵	الف) بی تلاطم ب) صدرش ج) غواص ها	۲۵/ ص ۷۰ ۲۵/ ص ۱۳۵ ۲۵/ ص ۷۷	۰.۷۵
۶	نسیان - درع - دلچ - زبون	هر مورد ۲۵/	۱
۷	الف) نادرست ۲۵/ ص ۸۳ ب) درست ۲۵/ ص ۴۷ ج) نادرست ۲۵/ ص ۴۷		۰.۷۵
۸	گزینه ب ۲۵/ ص ۶۱		۰.۲۵
۹	شعر شاعر ۲۵/ ایران ۲۵/ - شعر کتاب ما یا هر پاسخ مناسب دیگر ص ۳۴		۰.۵
۱۰	الف) مصراع اول ۲۵/ ب) برایم قابل درک است ۲۵/ ص ۷۹		۰.۵
۱۱	سهراب برآشفتم و چون پلنگ شد ۲۵/ چون بدخواه او به جنگ چارگر بود ۲۵/ ص ۸۳		۰.۵
۱۲	الف: وصفی ۲۵/ ب) اضافی ۲۵/ ص ۱۳۶		۰.۵
۱۳	الف) مسند ۲۵/ ب) منادا ۲۵/		۰.۵
۱۴	گزینه الف ۲۵/ ص ۶۶		۰.۲۵
۱۵	حرف اضافه (به معنای به) ۲۵/ ص ۱۱۵		۰.۲۵

قلمرو ادبی (۵ نمره)

۱۶	نقیضه پردازی ۲۵/ ص ۱۲۴	۰.۲۵
۱۷	گلستان - بوستان - کلیله و دمنه - مثنوی - قابوسنامه	۲۵/ ص ۱۲
۱۸	اسرار التوحید ۲۵/ ص ۵۰	۲۵/ ص ۶۵
۱۹	الف) استعاره ۲۵/ ص ۴۰	ب) حسن آمیزی ۲۵/ ص ۱۵
۲۰	الف) سجع (۴) ب) تشبیه (۷) ج) استعاره (۱) د) اغراق (۲) ه) حسن تعلیل (۳) و) مجاز (۵)	هر مورد ۲۵/
۲۱	الف) برگشتن و برگرداندن اسب ب) سکوت کردن، حرف نزدن ۲۵/	۲۵/ ص ۱۰۴ ۲۲۳/ ص
۲۲	باران: نماد پاکی و طراوت و رویش ۲۵/ فصل: نماد دگرگونی و پویایی ۲۵/ ص ۱۳۷	

ادامه پاسخ در صفحه دوم

۱

باسمه تعالی

ساعت شروع: ۱۶ عصر	رشته: کلیه رشته ها	راهنمای تصحیح سؤالات امتحان هماهنگ درس: فارسی ۱
تعداد صفحات: ۲	تاریخ امتحان: ۱۴۰۲/۳/۱	پایه: دهم دوره دوم متوسطه
مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش http://aee.medu.gov.ir		دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت خردادماه سال ۱۴۰۲

ردیف	سؤالات	بارم
۲۳	الف) خروشان و جوشان به کردار موج ۲۵/ . ب) ز کس جز خداوندشان بیم نیست ۲۵/ . فراز آمدند از کران فوج فوج ۲۵/ . به فرهنگشان حرف تسلیم نیست ۲۵/ .	۱ ص ۱۰۹
<b>قلمرو فکری ( ۸ نمره)</b>		
۲۴	معنی ابیات و عبارات:	
الف	در آن کار مهارت داشت ۲۵/۰ ص ۶۴	۲۵/۰
ب	سناره ها تک تک خاموش می شدند ۲۵/۰ ص ۱۴۱	۲۵/۰
ج	انسان های بزرگ با هر اتفاق حق و باطلی متغیر و عصبانی نمی شوند ۵/۰ ص ۱۸	۵/۰
د	این نعمت من (طوطی من) مثل خورشیدی بود ۲۵/۰ که پشت ابر پنهان شد (طوطی را از دست دادم) ۲۵/۰ ص ۱۱۳	۵/۰
ه	چون دشمن او ۲۵/۰ در فنون جنگاوری ماهر بود ۲۵/۰ ص ۱۰۳	۵/۰
و	در برابر نیروی الهی آنان هیچ قدرتی توان ۲۵/۰ مقاومت ندارد. ۲۵/۰ ص ۷۷	۵/۰
ز	ای دل (ای انسان) به گونه ای زندگی کن ۲۵/۰ که اگر مرتکب لغزش و خطا شوی ۲۵/۰ فرشتگان با دعا کردن به درگاه الهی تو را حفظ کنند. ۲۵/۰ ص ۴۷	۷۵/۰
ح	تو (طوس) مرکز فرماندهی سپاه را ۲۵/۰ به شیوه و رسم جنگ اداره کن ۲۵/۰ من اکنون به جنگ ۲۵/۰ با اشکبوس می روم. ص ۹۷	۷۵/۰
۲۵	الف) ۳ ۲۵/۰ ص ۱۴۰ ب) ۱ ۲۵/۰ ص ۷۷ ج) ۲ ۲۵/۰ ص ۵۲	۷۵/۰
۲۶	بزرگی و عظمت گودال به خاطر خون توست که در آن قرار گرفته است (ارزش هر جایگاهی به خاطر ارزش کسی است که در آن قرار گرفته است) ۵/۰ ص ۳۵	۵/۰
۲۷	رمه: مردم عادی ۲۵/۰ چوپان گرگ طبع: عاملان حکومت ظالم ۲۵/۰ ص ۴۱	۵/۰
۲۸	الف) خویشتن داری ۵/۰ ص ۱۸ ب) جاودانه بودن عشق به وطن ۵/۰ ص ۸۲	۱
۲۹	لازمه ارزشمند شدن و تعالی، تحمل رنج و سختی است. ۵/۰ ص ۱۴۳	۵/۰
۳۰	الف) مردان کامل، مردان حق ۲۵/۰ ص ۱۱۶ ب) به دلیل مقایسه های نابه جا و ظاهری و قضاوت نادرست ۲۵/۰ ص ۱۱۶	۵/۰
۳۱	گزینه ب تجربه شخصی ۲۵/۰ ص ۱۴۳	۲۵/۰
	۲	
۲۰	جمع نمره	۲۰
	« همکاران ارجمند، خدا قوت؛ لطفاً به پاسخ های درست و مشابه، نمره اختصاص دهید. »	

باسمه تعالی

سؤالات امتحان نهایی درس: فارسی ۱	پایه: دهم دوره دوم متوسطه	ساعت شروع: ۸ صبح	رشته: کلیه رشته ها
نام و نام خانوادگی:	تاریخ امتحان: ۱۴۰۲/۳/۲۹	تعداد صفحه: ۴	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه
دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت خرداد ماه سال ۱۴۰۲ (غائبین)		مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش http://aee.medu.gov.ir	
ردیف	سؤالات		
بارم			

قلمرو زبانی (۷ نمره)

۱	معنی واژه های مشخص شده را بنویسید. الف) وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب ب) صفحه سفیدی باز می کرد و ارتجالاً انشایی می ساخت.	۱۵
۲	تفاوت معنایی واژه «گشتن» را در ابیات زیر بررسی کنید. الف) گر کام دوست گشتن سعدی است باک نیست ب) شمع را باید از این خانه به در بردن و گشتن اینم حیات بس که بمیرم به کام دوست تا به همسایه نگوید که تو در خانه مایی	۱۵
۳	در کدام گزینه، تمام واژه ها اهمیت املائی دارند؟ الف) نیلگون - شبان - حیاط (ب) رعیت - صدر - حاذق (ج) فاتح - نیاکان - عظمت (د) فارغ - خودرو - معبر	۲۵
۴	املائی درست واژه ها را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) در مقابله زشتی، آشتی کرد و در مقابله (لعیمی / لئیمی) کریمی کرد. ب) آنکه غفلت بر احوال وی (قالب / غالب) و عجز در افعال وی ظاهر بود، سرگردان چپ و راست می رفت. ج) فلق، محرابی که تو در آن نماز صبح شهادت (گذارده ای / گزارده ای)	۱۷۵
۵	در گروه کلمات زیر، چهار غلط املائی وجود دارد، آن ها را بیابید و درست هریک را بنویسید. زائر نامدار - ضجر و مصادره - معاصی منکر - مؤزن مسجد - موطع خالی - دوات و جوهر - لحو و لعب	۱
۶	برای واژه «قضا» یک «هم آوا» بنویسید.	۲۵
۷	در کدام گزینه، هر دو نوع «واو» (ربط - عطف) دیده می شود؟ الف) الهی، عاجز و سرگردانم، نه آن چه دارم، دانم و نه آن چه دانم، دارم. ب) او کیف بزرگی به دست داشت و به خرید می رفت و برمی گشت.	۲۵
۸	نقش دستوری ضمیر پیوسته (متصل) را در گزینه های زیر بنویسید. الف) خدایش پیامرذکه هر کسی از آن جا که هست، یک گام، فراتر آید. ب) گفتمت چون در حدیثی، گر توانی داشت هوش	۱۵
۹	با توجه به الگوی داده شده، گروه اسمی را کامل کنید. گروه اسمی هسته   وابسته   وابسته اسم   صفت   مضاف الیه .....   .....   جامعه	۱۵
۱۰	در بیت: «با همه جرمم امید، با همه خوفم رجاست الف) «جمله مرکب» در کدام مصراع دیده می شود؟ ب) جمله وابسته (پیرو) را در بیت مشخص کنید.	۱۵
۱۱	بیت زیر را بر اساس ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی، مرتب کنید. به خون گر کشی خاک من دشمن من   بجوشد گل اندر گل از گلشن من	۱۵
ادامه سؤالات در صفحه دوم		



باسمه تعالی

سوالات امتحان نهایی درس: فارسی ۱	پایه: دهم دوره دوم متوسطه	ساعت شروع: ۸ صبح	رشته: کلیه رشته ها
نام و نام خانوادگی:	تاریخ امتحان: ۱۴۰۲/۳/۲۹	تعداد صفحه: ۴	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه
دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت خرداد ماه سال ۱۴۰۲ (غائبین)		مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش http://aee.medu.gov.ir	

ردیف	سوالات	بارم
------	--------	------

۱۲	کاربرد معنایی پسوند « ک » در واژه « خورجینک »، با کاربرد آن در کدام گزینه، یکسان است؟ الف) چون آن درمک ها پیش او نهادم در ما نگریست. ب) پرید از شاخکی بر شاخساری ج) تا باشد که ما را دمکی زیادت تر در گرمابه بگذارد. د) از بهای آن درمکی چند، سیاه، در کاغذی کردم.	۰.۲۵																
۱۳	نقش دستوری واژه های مشخص شده در کدام گزینه یکسان است؟ الف) آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام ب) اما برایمان شکوه و درخشش به ارمغان می آورد. ج) سال بعد با رسوایی شکست خورد. د) گرد و غبار جاده ها زیاده سبک شده بود.	۰.۵																
۱۴	نوع حرف « را » در جمله زیر را بنویسید. « تو را بهتر آید که فرمان کنی »	۰.۲۵																
۱۵	نوع ترکیب (وصفی / اضافی) را مشخص کنید. الف) پلاسی مندرس ب) گروه کوهنوردان	۰.۵																
<b>قلمرو ادبی ( ۵ نمره )</b>																		
۱۶	مؤثرترین شیوه ای که مولوی در مثنوی معنوی از آن بهره می گیرد ..... است.	۰.۲۵																
۱۷	نام نویسنده کدام اثر، درست و کدام نادرست نوشته شده است؟ الف) گوشواره عرش: موسوی گرمارودی ب) سه پرسش: آندره ژید ج) اخلاق محسنی: محمدبن منور	۰.۱۷۵																
۱۸	با توجه به قسمت های مشخص شده، « استعاره » را بیابید و مفهوم آن را بنویسید. ای چون سبزه برآمده از دفتر روزگاران / ای مسافر دیرین بر روی خار و درد	۰.۵																
۱۹	با توجه به موارد قسمت الف، آرایه های مناسب را از قسمت ب انتخاب کنید و داخل کمانک بنویسید. ( قسمت ب یک مورد اضافی است.)	۱/۵																
	<table border="1"> <thead> <tr> <th>الف</th> <th>ب</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>الف) چون بگشایم ز سر مو شکن / ماه ببیند رخ خود را به من</td> <td>( )</td> </tr> <tr> <td>ب) جنبش سرو تو پنداری کز باد صباست / نه، که از ناله مرغان چمن در طرب است</td> <td>( )</td> </tr> <tr> <td>ج) گه به دهان برزده کف چون صدف / گاه چو تیری که رود بر هدف</td> <td>( )</td> </tr> <tr> <td>د) چو گفتمش که دلم را نگاه دار چه گفت / ز دست بنده چه خیزد، خدا نگه دارد</td> <td>( )</td> </tr> <tr> <td>ه) به گرز گران دست برد اشکبوس / زمین آهنین شد، سپهر آبنوس</td> <td>( )</td> </tr> <tr> <td>و) آن که بر دینار دسترس ندارد، در همه دنیا کس ندارد</td> <td>( )</td> </tr> <tr> <td></td> <td>۱) سجع ۲) ایهام ۳) جناس ۴) حس آمیزی ۵) استعاره ۶) حسن تعلیل ۷) اغراق</td> </tr> </tbody> </table>	الف	ب	الف) چون بگشایم ز سر مو شکن / ماه ببیند رخ خود را به من	( )	ب) جنبش سرو تو پنداری کز باد صباست / نه، که از ناله مرغان چمن در طرب است	( )	ج) گه به دهان برزده کف چون صدف / گاه چو تیری که رود بر هدف	( )	د) چو گفتمش که دلم را نگاه دار چه گفت / ز دست بنده چه خیزد، خدا نگه دارد	( )	ه) به گرز گران دست برد اشکبوس / زمین آهنین شد، سپهر آبنوس	( )	و) آن که بر دینار دسترس ندارد، در همه دنیا کس ندارد	( )		۱) سجع ۲) ایهام ۳) جناس ۴) حس آمیزی ۵) استعاره ۶) حسن تعلیل ۷) اغراق	
الف	ب																	
الف) چون بگشایم ز سر مو شکن / ماه ببیند رخ خود را به من	( )																	
ب) جنبش سرو تو پنداری کز باد صباست / نه، که از ناله مرغان چمن در طرب است	( )																	
ج) گه به دهان برزده کف چون صدف / گاه چو تیری که رود بر هدف	( )																	
د) چو گفتمش که دلم را نگاه دار چه گفت / ز دست بنده چه خیزد، خدا نگه دارد	( )																	
ه) به گرز گران دست برد اشکبوس / زمین آهنین شد، سپهر آبنوس	( )																	
و) آن که بر دینار دسترس ندارد، در همه دنیا کس ندارد	( )																	
	۱) سجع ۲) ایهام ۳) جناس ۴) حس آمیزی ۵) استعاره ۶) حسن تعلیل ۷) اغراق																	
۲۰	آرایه درست را از داخل کمانک، انتخاب کنید. الف) صداقت / شیرین ترین لیخند بر لبان اراده توست ( مجاز / حس آمیزی) ب) تا کی به بوی عنبرین زنجیر زلف سرکش / آشفته بویم در به در، دیوانه گردم کو به کو ( حسن تعلیل / ایهام)	۰.۵																

ادامه سوالات در صفحه سوم

باسمه تعالی

سؤالات امتحان نهایی درس: فارسی ۱	پایه: دهم دوره دوم متوسطه	ساعت شروع: ۸ صبح	رشته: کلیه رشته ها
نام و نام خانوادگی:	تاریخ امتحان: ۱۴۰۲/۳/۲۹	تعداد صفحه: ۴	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه
دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت خرداد ماه سال ۱۴۰۲ (غائبین)		مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش http://aee.medu.gov.ir	

ردیف	سؤالات	بارم
۲۱	مفهوم کنایه های زیر را بنویسید. الف) مگر در ریاضی که کمیتش لنگ بود ب) سر و موی او از در افسر است	۰.۵
۲۲	جاهای خالی را با مصراع مناسب، کامل کنید. الف) ..... ب) بدانندیش را آتش خرمن اند	۰.۵
۲۳	بیتی از شعر « دلیران و مردان ایران زمین » بنویسید که قافیه مصراع های آن « عزم و رزم » باشد. .....	۰.۵
<b>قلمرو فکری ( ۸ نمره )</b>		
۲۴	معنی هریک از ابیات و عبارات زیر را به نثر ساده و روان بنویسید. الف) و در آن دستی نازک داشت. ب) من این را از روی طبیعت کشیده ام . ج) بزرگان به هر حق و باطلی از جای نشوند. د) تا با خاک انیس نگیری راهی به مراتب قرب نداری. ه) سپر بینداخت و از میدان بگریخت. و) مپندار این شعله افسرده گردد. ز) برآشفت سهراب و شد چون پلنگ چو بدخواه او چاره گر بُد به جنگ ح) روزگی چندی سخن کوتاه کرد مرد بقال از ندامت آه کرد	۰.۲۵
۲۵	بیت زیر با کدام گزینه ارتباط معنایی دارد؟ « شاد و بی غم بزی که شادی و غم زود آیند و زود می گذرند » الف) هر شادی که بازگشت آن به غم است، شادی مشمر . ب) اثر غم و شادی پیش مردمان بر خود پیدا مکن.	۰.۵
۲۶	مفهوم مناسب هر گزینه را از داخل کمانک انتخاب کنید و کنار آن بنویسید. ( یک مورد مفهوم، اضافی است ) (ارزشمند بودن معشوق و ابراز ارادت به یار - افتخار به بخت و اقبال خود - ناتوانی از درک بزرگی و عظمت - ناپایداری دولت و خوشبختی) الف) ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن ب) غبار راهگذار کجاست تا حافظ ج) چندان تناوری و بلند / که به هنگام تماشا / کلاه از سر کودک عقل می افتد تأثیر اختران شما نیز بگذرد به یادگار نسیم صبا نگه دارد	۰.۷۵
۲۷	بیت: « من ایرانم آرمانم شهادت / تجلی هستی است جان کندن من » بیانگر چه مفهومی است؟	۰.۵

ادامه سؤالات در صفحه چهارم

باسمه تعالی

سؤالات امتحان نهایی درس: فارسی ۱	پایه: دهم دوره دوم متوسطه	ساعت شروع: ۸ صبح	رشته: کلیه رشته ها
نام و نام خانوادگی:	تاریخ امتحان: ۱۴۰۲/۳/۲۹	تعداد صفحه: ۴	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه
دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت خرداد ماه سال ۱۴۰۲ (غائبین)		مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش http://aee.medu.gov.ir	
ردیف	سؤالات		
۲۸	آیه شریفه: « وَمَكْرُواْ وَمَكَرَ اللّٰهُ وَاللّٰهُ خَيْرُ الْمَاكِرِيْنَ »، با کدام گزینه ارتباط معنایی دارد؟ الف) آهنگ کید و مکر و عداوت کردند تا مگر او را هلاک کنند. ب) هرگز کید کایدان با خواست خداوند غیب دان برابر نیاید.		
۲۹	با توجه به ابیات: « کار پاکان را قیاس از خود مگیر جمله عالم زین سبب گمراه شد الف) منظور از «ابدال» چه کسانی هستند؟ ب) از نظر شاعر، علت گمراهی جمله عالم چیست؟		
۳۰	جمله: « ای کاش عظمت در نگاه تو باشد » را با سروده زیر از سهراب سپهری مقایسه کنید. « چشم ها را باید شست، جور دیگر باید دید. »		
۳۱	درک و دریافت خود را از سروده زیر بنویسید. « ای که ردای حسین بر دوش و خورشید کربلا را در بر داری »		
۳۲	عبارت زیر، بر کدام گزینه تأکید دارد؟ « برای من، خواندن این که شن ساحل ها نرم است کافی نیست، می خواهم پاهای برهنه ام این نرمی را حس کند. » الف) عقل گرایی ب) تجربه شخصی ج) توجه به احساس و عاطفه د) علم اندوزی		
۲۰	جمع نمره پیروز و سرافراز باشید .		



باسمه تعالی

ساعت شروع: ۸ صبح	رشته: کلیه رشته ها	راهنمای تصحیح سوالات امتحان هماهنگ درسی: فارسی ۱
تعداد صفحات: ۲	تاریخ امتحان: ۱۴۰۲/۳/۲۹	پایه: دهم دوره دوم متوسطه
مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش http://aee.medu.gov.ir		دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت خردادماه سال ۱۴۰۲ (غائبین)

ردیف	راهنمای تصحیح	نمره
------	---------------	------

قلمرو زبانی ( ۷ نمره )

۱	الف) اندوه، غم ۲۵٪. ص ۹ ب) بی درنگ، بدون اندیشه سخنگفتن یا شعر سرودن ۲۵٪. ص ۱۲۰	۰.۵
۲	الف) نابودکردن، از بین بردن ۲۵٪. ب) خاموش کردن ۲۵٪. ص ۴۰	۰.۵
۳	گزینه ب ۲۵٪. ص ۶۱	۰.۲۵
۴	الف) لئیمی ۲۵٪. ص ۵۲ ب) غالب ۲۵٪. ص ۱۷ ج) گزارده ای ۲۵٪. ص ۳۱	۰.۷۵
۵	زجر و مصادره - مؤذن مسجد - موضع خالی - لِهو و لعب هر مورد ۲۵٪.	۱
۶	غذا / غزا ذکر یک مورد ۲۵٪. ص ۱۲۶	۰.۲۵
۷	گزینه الف ۲۵٪. ص ۶۶	۰.۲۵
۸	الف) مفعول ۲۵٪. ب) متمم ۲۵٪. ص ۴۸	۰.۵
۹	اهداف این جامعه ۵٪. اهداف مهم جامعه یا هر مثال درست دیگر ۳۴٪	۰.۵
۱۰	الف) مصراع دوم ۲۵٪. ب) درم ما مس است ۲۵٪. ص ۷۹	۰.۵
۱۱	دشمن من، اگر خاک من را به خون بکشی ۲۵٪. گل اندر گل از گلشن من بجوشد (می جوشد) ۲۵٪. ص ۸۳	۰.۵
۱۲	گزینه ب ۲۵٪. ص ۶۱	۰.۲۵
۱۳	گزینه ۴ الف و د نقش مسند) ۵٪.	۰.۵
۱۴	حرف اضافه (برای) ۲۵٪. ص ۱۱۵	۰.۲۵
۱۵	الف) ترکیب وصفی ۲۵٪. ب) ترکیب اضافی ۲۵٪. ص ۱۳۶	۰.۵

قلمرو ادبی ( ۵ نمره )

۱۶	تمثیل ۲۵٪. ص ۱۱۵	۰.۲۵
۱۷	الف) درست ۳۳٪. ب) نادرست ۱۴۸٪. ج) نادرست ۱۱۷٪ هر مورد ۲۵٪.	۰.۷۵
۱۸	خار ۲۵٪. استعاره از رنج و سختی ۲۵٪. ص ۱۳۷	۰.۵
۱۹	الف) استعاره ( ۵ ) / ب) حسن تعلیل ( ۶ ) / ج) جناس ( ۳ ) / د) ایهام ( ۲ ) / ه) اغراق ( ۷ ) و سجع ( ۱ ) هر مورد ۲۵٪.	۱/۵
۲۰	الف) حس آمیزی ۲۵٪. ص ۱۵ ب) ایهام ۲۵٪. ص ۴۹	۰.۵
۲۱	الف) ضعیف بود ۲۵٪. ص ۱۲۴ ب) ظاهر او نشان می دهد که شاهزاده و شایسته پادشاهی است ۲۵٪. ص ۱۰۴	۰.۵
۲۲	الف) که اینان ز آب و گل دیگرند ۲۵٪. ب) خدنگی گران بردل دشمن اند ۲۵٪. ص ۱۰۹	۰.۵
۲۳	فلک در شگفتی ز عزم شماس ۲۵٪. ملک آفرین گوی رزم شماس ۲۵٪. ص ۱۰۹	۰.۵

ادامه پاسخ در صفحه دوم

۱

باسمه تعالی

ساعت شروع: ۸ صبح	رشته: کلیه رشته ها	راهنمای تصحیح سوالات امتحان هماهنگ درس: فارسی ۱
تعداد صفحات: ۲	تاریخ امتحان: ۱۴۰۲/۳/۲۹	پایه: دهم دوره دوم متوسطه
مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش http://aee.medu.gov.ir		دانش آموزان روزانه سراسر کشور در نوبت خردادماه سال ۱۴۰۲ (غائبین)

ردیف	راهنمای تصحیح	نمره
------	---------------	------

قلمرو فکری ( ۸ نمره )

۲۴	معنی ابیات و عبارات:	
الف	در آن کار مهارت داشت. ۲۵. ص ۶۴	۲۵.
ب	با استعداد ذاتی خودم کشیدم. ۲۵. ص ۱۲۳	۲۵.
ج	انسان های بزرگ با هر اتفاق حق یا باطلی، متغیّر و عصبانی نمی شوند. ۱۸. ص ۵	۱۵.
د	تا متواضع و فروتن نباشی ۲۵. به خدا نزدیک نمی شوی ۲۵. ص ۷۸	۱۵.
ه	تسلیم شد ۲۵. و از میدان مبارزه فرار کرد. ۲۵. ص ۱۲۲	۱۵.
و	( ای دشمن ) تصوّر نکن که عشق و علاقه من به وطن ۲۵. خاموش شود و از بین برود. ۲۵. ص ۸۲	۱۵.
ز	سهراب خشمگین شد و مانند پلنگ حمله آورد ۲۵. زیرا دشمن او ۲۵. در جنگیدن مهارت داشت. ۲۵. ص ۱۰۳	۷۵.
ح	طوطی چند روز ( به مدت کوتاه ) ۲۵. سخن نگفت ۲۵. مرد بقال از پشیمانی آه می کشید. ۲۵. ص ۱۱۳	۷۵.
۲۵	گزینه الف ۱۵. ص ۲۰	۱۵.
۲۶	الف) ناپایداری دولت و خوشبختی ۲۵. ص ۳۹ ب) ارزشمند بودن معشوق و ابراز ارادت به یار ۲۵. ص ۴۷ ج) ناتوانی از درک بزرگی و عظمت ۲۵. ص ۳۳	۷۵.
۲۷	بر اساس آیه ۱۶۹ سوره آل عمران، و لا تحسبنّ الذین قتلوا فی سبیل الله..... اعتقاد به این که کسانی که در راه خدا کشته شده اند نمرده اند بلکه در نزد پروردگارشان روزی می خورند. ( اعتقاد به شهادت طلبی و جاودان و زنده بودن شهیدان ) ۱۵. ص ۸۲	۱۵.
۲۸	گزینه ب ۱۵. ص ۵۲	۰/۲۵
۲۹	الف) مردان کامل، مردان حق ۲۵. ب) به دلیل مفایسه های نابه جا و ظاهری و قضاوت نادرست ۱۵.	۷۵.
۳۰	در هر دو به تغییر نگرش انسان نسبت به جهان خلقت توصیه شده و این که با بصیرت و آگاهانه به جهان پیرامون خود بنگرد ۱۵. ص ۱۴۳ یا: نگاه عاقلانه و پر مهر بر پدیده ها داشتن و توجه به زیبایی های معنوی جهان	۱۵.
۳۱	فرهنگ شهادت طلبانه و شیعی مردم لبنان و پیروی از امام حسین (ع) ۱۵. ص ۱۳۸	۱۵.
۳۲	گزینه ب ۱۵. ص ۱۴۳	۲۵.
۲		
۲۰	جمع نمره	« همکاران ارجمند، خدا قوت؛ لطفاً به پاسخ های درست و مشابه نمره اختصاص دهید. »

به نام خداوند جان و خرد

سوال‌های امتحان هماهنگ درس: فارسی ۱	پایه: دهم دوره دوم متوسطه	رشته: همه رشته‌ها	تعداد صفحات: ۳ صفحه
نام و نام خانوادگی:	تاریخ امتحان: ۱۴۰۲ / ۰۶ / ۰۱	ساعت آغاز: ۹:۰۰ صبح	مدت امتحان: ۸۵ دقیقه
دانش آموزان روزانه داخل و خارج کشور در نوبت شهریورماه سال ۱۴۰۲		مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش <a href="http://aee.medu.gov.ir">http://aee.medu.gov.ir</a>	

ردیف	سوال‌ها	بارم
------	---------	------

**قلمرو زبانی (۷ نمره)**

۱	معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) در مقابله زشتی، آشتی کرد و در مقابله لثیمی، کریمی کرد. ب) آن شخص مسلم نداشت و آغاز عربده و سفاهت نهاد.	۰/۵
۲	معادل معنایی واژه «صاحب‌دل» را در بیت زیر مشخص کنید. «ز سرّ غیب، کس آگاه نیست قصّه مخوان کدام محرم دل ره در این حرم دارد؟»	۰/۲۵
۳	معنی کدام واژه در مقابل آن درست نیامده است؟ الف) خذلان: مذلت (ب) سیردن: طی کردن (پ) تمایز: امتیاز داشتن (ت) قهر: خشم	۰/۲۵
۴	املائی درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) صد هزاران این چنین (اشباح/ اشباه) بین ب) (خواست/ خاست) کزان ورطه قدم در کشد پ) کمان را بمالید رستم به چنگ فرقشان هفتادساله راه بین خویشتن از حادثه برتر کشد به (شصت/ شست) اندر آورد تیر خدنگ	۰/۷۵
۵	در هریک از موارد زیر، یک نادرستی املائی وجود دارد؛ آن را بیابید و شکل درست آن را بنویسید. الف) و فلق، محرابی که تو در آن نماز صبح شهادت گذارده‌ای. ب) و آنکه غفلت بر حال وی قالب و عجز در افعال وی ظاهر بود، حیران و سرگردان و مدهوش چپ و راست می‌رفت. پ) پس به ضجر و مصادره از وی بازستانی و در خزانه نهی، درویش و رعیت را چه سود دارد؟	۰/۷۵
۶	در کدام گزینه، املائی همه واژه‌ها به درستی آمده است؟ الف) غبطه، حسیض، صخره پ) مقریان، وقاهت، مسخرگی ب) آخره، مخمصه، تقریض ت) غایی، تزار، قیاض	۰/۵
۷	واژه حذف شده در مصراع نخست بیت زیر را بنویسید و نوع حذف (قرینه لفظی/ قرینه معنایی) را مشخص کنید. «دو لشکر نظاره بر این جنگ ما بر این گرز و شمشیر و آهنگ ما»	۰/۵
۸	نقش دستوری ضمیرهای متصل را در بیت‌های زیر بنویسید. الف) ای صبح دم، ببین که کجا می‌فرستم ب) گر در طلبت رنجی، ما را برسد شاید نزدیک آفتاب وفا می‌فرستم چون عشق حرم باشد، سهل است بیابان‌ها	۰/۵
۹	در بیت زیر یک واژه «دو تلفظی» بیابید. «زه‌پیدا کفر پنهان بود چندین روزگار پرده از سر برگرفتیم آن‌همه تزویر را»	۰/۲۵
۱۰	در هریک از بیت‌های زیر نوع «را» را بنویسید. الف) هم‌اکنون تو را ای نبرده‌سوار ب) چه زخم چه نای هر دم، ز نوای شوق او دم پیاده پیام‌مست کارزار که لسان غیب خوش‌تر، بنوازد این نوا را	۰/۵
۱۱	نقش واژه‌های مشخص شده در بیت «خرد را گر نبخشد روشنایی/ بماند تا ابد در تیره‌رایی» در کدام گزینه آمده است؟ الف) مفعول، مسند، متمم پ) مفعول، قید، مضاف‌الیه ب) متمم، مفعول، متمم ت) مفعول، مضاف‌الیه، قید	۰/۵

ادامه سوالات در صفحه دوم



به نام خداوند جان و خرد

سوال‌های امتحان هماهنگ درس: فارسی ۱	پایه: دهم دوره دوم متوسطه	رشته: همه رشته‌ها	تعداد صفحات: ۳ صفحه
نام و نام خانوادگی:	تاریخ امتحان: ۰۱ / ۰۶ / ۱۴۰۲	ساعت آغاز: ۹:۰۰ صبح	مدت امتحان: ۸۵ دقیقه
دانش آموزان روزانه داخل و خارج کشور در نوبت شهریورماه سال ۱۴۰۲		مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش <a href="http://aee.medu.gov.ir">http://aee.medu.gov.ir</a>	

ردیف	سؤالات	بارم
------	--------	------

۱۲	معنی فعل «شد» در کدام گزینه متفاوت است؟ الف) به گرز گران دست برد اشکبوس ب) ابر ز من حامل سرمایه شد پ) ریش برمی‌کند و می‌گفت: «ای دریغ» زمین آهنین شد، سپهر آبنوس باغ ز من صاحب پیرایه شد کافتاب نعمتم شد زیر میغ»	۰/۲۵
۱۳	هریک از بیت‌های زیر به کدام شیوه بیان (بلاغی / عادی) آمده‌است؟ الف) جمله عالم زین سبب گمراه شد ب) تا نگرودی آشنا زین پرده رمزی نشنوی کم کسی ز ابدال حق آگاه شد گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش	۰/۵
۱۴	در عبارت زیر، جمله وابسته (پیرو) را مشخص کنید. «چون به بصره رسیدیم از برهنگی و عاجزی به دیوانگان مانده بودیم.»	۰/۲۵
۱۵	در عبارت «شبی در کاروانی همه شب رفته بودم و سحر در کنار بیشه‌ای، خفته.» نوع «و» را مشخص کنید.	۰/۲۵
۱۶	در بیت زیر، کدام واژه‌ها «ممال» اند؟ «کشانی بدو گفت با تو سلیح نبینم همی جز فسوس و مزیح»	۰/۵

قلمرو ادبی (۵ نمره)

۱۷	کاربرد هر یک از آرایه‌های ادبی «تضمین، مراعات نظیر، اغراق» به ترتیب، در کدام بیت‌ها مشهود است؟ الف) سپهبد عنان ازدها را سپرد ب) زینهار از قرین بد؛ زنهارا پ) بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت به خشم از جهان روشنایی ببرد و قناربتنا عذاب‌النار هم بر چراغدان شما نیز بگذرد	۰/۷۵
۱۸	آرایه مناسب را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) بید مجنون در تمام عمر سر بالا نکرد ب) زین کاروان‌سرای بسی کاروان گذشت پ) سر و زر و دل و جانم فدای آن یاری حاصل بی‌حاصلی نبود به جز شرمندگی (حسن تعلیل، حسن آمیزی) ناچار کاروان شما نیز بگذرد (جناس تام، استعاره) که حق صحبت مهر و وفا نگه دارد (مجاز، اغراق)	۰/۷۵
۱۹	در عبارات زیر، مفهوم کنایه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید. ب) چشم‌هایش دیگر نمی‌خندید، لب‌هایش شل و آویزان شده بود.	۰/۵
۲۰	در تشبیه موجود در بیت زیر، «مشبه‌به» را مشخص کنید. «راست به مانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل، یله»	۰/۲۵
۲۱	در عبارت زیر، کاربرد کدام آرایه‌های ادبی مشهود است؟ (ذکر دو نمونه کافی است) «دفترچه من یا مصطفی را - که در دو طرف او روی نیمکت نشسته بودیم - برمی‌داشت و صفحه سفیدی را باز می‌کرد و ارتجالاً انشایی می‌ساخت و با صدای گرم و رسا به اصطلاح امروزی‌ها اجرا می‌کرد و یک نمره بیست با مبلغی آفرین و احسنت تحویل می‌گرفت و مثل شاخ شمشاد می‌آمد و سر جای خود می‌نشست.»	۰/۵
۲۲	هریک از آثار زیر، نوشته با سروده کیست؟ الف) سه پرسش (ب) اتاق آبی (پ) گوشواره عرش	۰/۷۵
۲۳	شخصیت «گردآفرید» را در داستان رویارویی با سهراب، مختصراً تحلیل کنید.	۰/۵

ادامه سؤالات در صفحه سوم

به نام خداوند جان و خرد

سوال‌های امتحان هماهنگ درس: فارسی ۱	پایه: دهم دوره دوم متوسطه	رشته: همه رشته‌ها	تعداد صفحات: ۳ صفحه
نام و نام خانوادگی:	تاریخ امتحان: ۰۱ / ۰۶ / ۱۴۰۲	ساعت آغاز: ۹:۰۰ صبح	مدت امتحان: ۸۵ دقیقه
دانش آموزان روزانه داخل و خارج کشور در نوبت شهریورماه سال ۱۴۰۲		مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش <a href="http://aee.medu.gov.ir">http://aee.medu.gov.ir</a>	

ردیف	سوال‌ها	بارم
------	---------	------

۲۴	جاهای خالی را با مصراع مناسب کامل کنید. الف) تا خار غم عشقت آویخته در دامن ..... ب) ..... خدنگی گران بر دل دشمن‌اند	۱
----	--	---

**قلمرو فکری (۸ نمره)**

۲۵	معنی ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید. الف) عزمت ضامن دوام جهان شد ب) در «شهنواز» شوری به پا کرده بود. پ) تا با خاک آنس نگیری، راهی به مراتب فُرب نداری. ت) اگر غم و شادیت بود، به آن کس گوی که او تیمار غم و شادی تو دارد. ث) بر آهیخت رهام گرز گران ج) جز از جام توحید هرگز ننوشم چ) گفت: «در این معرکه یکتا منم» ح) ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن	۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵
----	---	---

۲۶	عبارت «خونت با خون بهایت، حقیقت، در یک تراز ایستاد.» در توصیف چه کسی بیان گردیده است؟	۰/۲۵
----	---	------

۲۷	شاعر در بیت «تعلیم زاره گیر در امر معاش / نیمی سوی خود می‌کش و نیمی می‌پاش» بر چه مفهومی تأکید دارد؟	۰/۵
----	--	-----

۲۸	با توجه به مفهوم بیت زیر، چه کسانی دچار بدبختی می‌شوند؟ «بر بخت بد فرود آید هر که گیرد عنان مرکبش از»	۰/۵
----	---	-----

۲۹	در عبارت «تا چون بر رقعۀ من اطلاع یابد، قیاس کند که مرا اهلّیت چیست؛ تا چون به خدمت او حاضر شوم، خجالت نبرم.» مفهوم قسمت مشخص شده، چیست؟	۰/۵
----	--	-----

۳۰	مفهوم کنایی مشترک «پتگ ترگ شدن» و «سر به زیر سنگ آوردن» در بیت‌های زیر، چیست؟ «مرا مادرم نام مرگ تو کرد «پیاده ندیدی که جنگ آورد زمانه مرا پتگ ترگ تو کرد» سر سرکشان زیر سنگ آورد»	۰/۵
----	--	-----

۳۱	در بیت زیر، مقصود شاعر از «رمه»، «چوپان گرگ طبع»، به ترتیب، چیست؟ «ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ طبع این گرگی شبان شما نیز بگذرد»	۰/۵
----	--	-----

۳۲	مولوی در بیت‌های زیر، چه مفهومی را مدنظر دارد؟ «هر دو نی خوردند از یک آب‌خور دست کان لرزان بود از ارتعاش هر دو جنبش آفریده‌ی حق شناس هر دو یکی خالی و آن پر از شکر وان که دستی تو بلرزان ز جاش لیک، نتوان کرد این با آن قیاس»	۰/۵
----	---	-----

۳۳	عبارت «الصبر مفتاح الفرج» کدام صفت را توصیه می‌کند؟	۰/۲۵
----	---	------

۳۴	عبارت «تو را جنوب نامیدم؛ ای که ردای حسین را بر دوش و خورشید کربلا را در بر داری.» به چه موضوعی اشاره دارد؟	۰/۵
----	---	-----

پیروز و سرافراز باشید

به نام خداوند جان و خرد

ساعت شروع: ۹ صبح	رشته: همه رشته‌ها	راهنمای تصحیح سؤالات امتحان هماهنگ درس: فارسی ۱
تعداد صفحات: ۲ صفحه	تاریخ امتحان: ۱۴۰۲/۰۶/۰۱	پایه دهم دوره دوم متوسطه
مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش <a href="http://aee.medu.gov.ir">http://aee.medu.gov.ir</a>		دانش آموزان روزانه داخل و خارج کشور در نوبت شهریورماه سال ۱۴۰۲
ردیف	پاسخ‌ها	نمره
همکاران گرامی، خدا قوت، لطفاً به پاسخ‌های درست و مشابه، نمره اختصاص دهید.		
<b>قلمرو زبانی (۷ نمره)</b>		
۰/۵	۱ پستی یا فرومایگی. (۰/۲۵) ص ۵۲ باور کردن یا پذیرفتن. (۰/۲۵) ص ۱۱۷	
-۰/۲۵	۲ آگاه. (۰/۲۵) ص ۱۲۳	
-۰/۲۵	۳ (پ) تمایز: امتیاز داشتن (۰/۲۵) ص ۴۱	
۰/۷۵	۴ الف) اشباه. (۰/۲۵) ص ۱۱۴ ب) خواست. (۰/۲۵) ص ۱۴ پ) شست. (۰/۲۵) ص ۹۸	
۰/۷۵	۵ الف) گزارده‌ای. (۰/۲۵) ص ۳۱ ب) غالب. (۰/۲۵) ص ۱۷ پ) زجر. (۰/۲۵) ص ۱۰۱	
۰/۵	۶ ت) غایب، تزار، فیاض. (۰/۲۵)	
۰/۵	۷ دو لشکر نظاره بر این جنگ ما <u>هستند</u> . (۰/۲۵) حذف فعل به قرینه معنایی. ۰/۲۵	
۰/۵	۸ الف) مفعول. (۰/۲۵) ص ۴۸ ب) مضاف‌الیه. (۰/۲۵) ص ۴۸	
۰/۲۵	۹ روزگار. (۰/۲۵) ص ۵۳	
۰/۵	۱۰ الف) حرف اضافه. (۰/۲۵) ص ۹۷ ب) نشانه مفعولی. (۰/۲۵) ص ۴۳	
۰/۵	۱۱ ب) متمم، مفعول، متمم. (۰/۵) ص ۱۴۰	
۰/۲۵	۱۲ (پ) ریش برمی‌کند و می‌گفت: «ای دریغ کافتاب نعمتم شد زیر میخ». (۰/۲۵) ص ۶۱	
۰/۵	۱۳ الف) عادی. (۰/۲۵) ص ۸۳ ب) بلاغی. (۰/۲۵) ص ۴۹	
۰/۲۵	۱۴ چون به بصره رسیدیم. (۰/۲۵) ص ۵۹	
۰/۲۵	۱۵ ربط (پیوند هم‌پایه‌ساز). ۰/۲۵ ص ۶۳	
۰/۵	۱۶ سلیخ، مزیح. (۰/۵) ص ۱۱۰	
<b>قلمرو ادبی (۵ نمره)</b>		
۰/۷۵	۱۷ الف) اغراق. (۰/۲۵) ص ۱۰۰ ب) تضمین. (۰/۲۵) ص ۱۲۷ پ) مراعات نظیر. (۰/۲۵) ص ۳۹	
ادامه پاسخ‌ها در صفحه دوم		



به نام خداوند جان و خرد

ردیف	پاسخ‌ها	نمره
راهنمای تصحیح سؤالات امتحان هماهنگ درس: فارسی ۱		
پایه دهم دوره دوم متوسطه		
تاریخ امتحان: ۱۴۰۲/۰۶/۰۱		
تعداد صفحات: ۲ صفحه		
دانش‌آموزان روزانه داخل و خارج کشور در نوبت شهریورماه سال ۱۴۰۲		
مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش <a href="http://aee.medu.gov.ir">http://aee.medu.gov.ir</a>		
ساعت شروع: ۹ صبح		
۱۸	الف) حسن تعلیل. (۰/۲۵) ص ۳۴ ب) استعاره. (۰/۲۵) ص ۴۰ پ) مجاز. (۰/۲۵) ص ۱۵	۰/۷۵
۱۹	الف) باید نوع نگاه را تغییر داد یا تغییر در نگرش. (۰/۲۵) ص ۱۴۳ ب) بسیار اندوهگین بود. (۰/۲۵) ص ۲۲	۰/۵
۲۰	زلزله. (۰/۲۵) ص ۱۰۲	۰/۲۵
۲۱	حسن آمیزی، کنایه و تشبیه. ذکر دو مورد بسته است. (۰/۵) ص ۱۲۰	۰/۵
۲۲	الف) تولستوی. (۰/۲۵) ص ۱۴۸ ب) سهراب سپهری. (۰/۲۵) ص ۶۵ پ) علی موسوی گرمارودی. (۰/۲۵) ص ۳۳	۰/۷۵
۲۳	گردآفرید در این داستان، پهلوانی شجاع و باتدبیر (باهوش) است. (۰/۵) ص ۱۰۲	۰/۵
۲۴	الف) کوه‌نظری باشد رفتن به گلستان‌ها. (۰/۵) ب) بداندیش را آتش خرمن‌اند. (۰/۵) ص ۱۰۹	۱
<b>قلمرو فکری (۸ نمره)</b>		
۲۵	الف) اراده تو پایداری دنیا را ضمانت کرد. (۰/۵) ص ۳۳ ب) با خواندن آواز شهناز، هیجان و غوغایی برپا کرده بود. (۰/۵) ص ۱۲۳ پ) تا فروتنی و عبادت نکنی، به درجه نزدیک شدن به خدا نمی‌رسی. (۰/۵) ص ۷۸ ت) اگر اندوهگین یا شادمان هستی، آن را به کسی بگو که در غمخوار تو باشد. (۰/۵) ص ۱۸ ث) رهام گرز سنگینش را بالا برد؛ دست هردو سردار از جنگیدن خسته شد. (۰/۵) ص ۹۷ ج) من تنها به یگانگی خدا اعتقاد دارم؛ حتی اگر مرا ظالمانه بکشی. (۰/۵) ص ۸۲ چ) گفت: «من در این میدان، یگانه‌ام و سرور بوتۀ گل و دشت هستم». (۰/۵) ص ۱۳ ح) ای کسانی که اقبال نیک خود افتخار می‌کنید، دوران خوش‌بختی شما نیز خواهد گذشت. (۰/۵) ص ۳۹	۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵
۲۶	امام حسین (ع). (۰/۲۵) ص ۳۲	۰/۲۵
۲۷	بخشنده بودن. (۰/۵) ص ۴۸	۰/۵
۲۸	کسانی که گرفتار طمع شوند یا طمع‌کاران. (۰/۵) ص ۴۰	۰/۵
۲۹	به شایستگی من پی ببرد. (۰/۵) ص ۵۹	۰/۵
۳۰	تهدید به مرگ. (۰/۵) ص ۹۷	۰/۵
۳۱	مردم. (۰/۲۵) ص ۳۹ حاکم یا عامل ظالم. (۰/۲۵) ص ۳۹	۰/۵
۳۲	پرهیز از مقایسه نادرست. (نباید فریب شباهت‌های ظاهری را خورد). (۰/۵) ص ۱۱۶	۰/۵
۳۳	صبوری یا شکیبایی. (۰/۲۵) ص ۵۴	۰/۲۵
۳۴	شهادت‌طلبی مردم لبنان، به پیروی از امام حسین (ع). (۰/۵) ص ۱۳۳	۰/۵
۲۰	جمع نمره	پیروز باشید

به نام خداوند جان و خرد

سوال‌ات امتحان هماهنگ درس: فارسی ۱	پایه: دهم دورهٔ دوم متوسطه رشته: همهٔ رشته‌ها	تعداد صفحات: ۳ صفحه
نام و نام خانوادگی:	تاریخ امتحان: ۱۴۰۲ / ۰۶ / ۲۰	مدت امتحان: ۸۵ دقیقه
دانش‌آموزان روزانهٔ داخل و خارج کشور در نوبت شهریورماه سال ۱۴۰۲	مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش	<a href="http://aee.medu.gov.ir">http://aee.medu.gov.ir</a>

ردیف	سوال‌ات	بارم
------	---------	------

**قلمرو زبانی (۷ نمره)**

۱	معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) صفحهٔ سفیدی را باز می‌کرد و ارتجالاً انشایی می‌ساخت. ب) به آورد با او بسنده نبود.	۰/۵
۲	معادل معنایی واژهٔ «پیچ و خم زلف» را در بیت زیر مشخص کنید. «ولیک دست نیارم زدن در آن سر زلف که مبلغی دل خلق است زیر هر شکنش»	۰/۲۵
۳	معنی کدام واژه در مقابل آن درست نیامده است؟ الف) خطابه: وعظ کردن ب) مشیت: اراده پ) ستوه: رنجور ت) معاصی: گناه	۰/۲۵
۴	املائی درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) صد هزاران این چنین (اشباح/ اشباه) بین ب) (خواست/ خاست) کزان ورطه قدم در کشد پ) کمان را بمالید رستم به چنگ فرقشان هفتادساله راه بین خویشتن از حادثه برتر کشد به (شصت/ شست) اندر آورد تیر خدنگ	۰/۷۵
۵	در هریک از موارد زیر، یک نادرستی املائی وجود دارد؛ آنها را بیابید و شکل درست آن را بنویسید. الف) پاسخ فرزنانگان به سؤال دوم طزار نیز به همین اندازه گونه‌گون بود. ب) فک زبرین را پیمود و در آخره ماند؛ دو گوش را بالا برد و از بال و قارب به زیر آمد. پ) خدای تبارک و تعالی، همهٔ بندگان خود را از عذاب غرض و دین فرج دهد.	۰/۷۵
۶	در کدام گزینه، املائی همهٔ واژه‌ها به درستی نیامده است؟ الف) نمط، مهلکه، حازم، غبطه ب) خذلان، عداوت، نقض، پلاس پ) فراغ، مخمصه، تقریظ، زجر ت) سلیح، هژیر، حاذق، ملطفت	۰/۵
۷	در عبارت زیر، بخش حذف شده و نوع آن (قرینهٔ لفظی/ قرینهٔ معنایی) را مشخص کنید. «الهی، حجاب‌ها را از راه بردار و ما را به ما مگذار.»	۰/۵
۸	در کدام بیت، هم «واو عطف» دیده می‌شود هم «واو ربط»؟ الف) در دژ بستند و غمگین شدند ب) آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام پ) پر از غم دل و دیده خونین شدند بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد	۰/۲۵
۹	در گروه اسمی زیر، «هسته» را مشخص کنید. «دشوارترین کتاب درسی دبیرستان»	۰/۲۵
۱۰	در هریک از بیت‌های زیر نوع «را» را بنویسید. الف) بدو گفت خندان که نام تو چیست؟ ب) مرا مادرم نام، مرگ تو کرد تن بی‌سرت را که خواهد گریست؟ زمانه مرا پتک ترگ تو کرد	۰/۵
۱۱	نقش ضمیرهای مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب، کدام است؟ «مرا بار لطفش دوتا کرد پشت الف) مضاف‌الیه، مضاف‌الیه، مفعول ب) مفعول، مضاف‌الیه، مفعول پ) مفعول، مضاف‌الیه، مضاف‌الیه به شمشیر احسان و فضلیم بکشت» ب) مفعول، مضاف‌الیه، مفعول ت) مضاف‌الیه، متمم، مسند	۰/۲۵

ادامهٔ سوالات در صفحهٔ دوم

به نام خداوند جان و خرد

ردیف	سؤالات	بارم
سؤالات امتحان هماهنگ درس: فارسی ۱		
پایه: دهم دوره دوم متوسطه رشته: همه رشته‌ها تعداد صفحات: ۳ صفحه		
نام و نام خانوادگی: تاریخ امتحان: ۱۴۰۲ / ۰۶ / ۲۰ ساعت آغاز: ۹:۰۰ صبح مدت امتحان: ۸۵ دقیقه		
دانش آموزان روزانه داخل و خارج کشور در نوبت شهریورماه سال ۱۴۰۲ مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش		
غایبین موجه		
<a href="http://aee.medu.gov.ir">http://aee.medu.gov.ir</a>		
۱۲	معلوم کنید که در هر یک از ابیات زیر، فعل «شد» در کدام معنی («فعل اسنادی» یا «رفت») به کار رفته است؟ الف) خرامید و شد سوی آرامگاه ب) به گرز گران دست بُرد اشکبوس همی کرد گیتی به آیین و راه زمین آهین شد، سپهر آبنوس	۰/۵
۱۳	کدام یک از مصراع‌های زیر را به شیوه «بلاغی» و کدام را به شیوه «عادی» سروده‌اند؟ الف) روزگ چندی سخن کوتاه کرد ب) از سوی خانه بیامد خواجه‌اش	۰/۵
۱۴	در کدام گزینه کاربرد «دو حرف اضافه برای یک متمم» مشهود است؟ الف) چون داد عادلان به جهان در بقا نکرد ب) بر تیر جورتان ز تحمل سپر کنم بیداد ظالمان شما نیز بگذرد تا سختی کمان شما نیز بگذرد	۰/۲۵
۱۵	نقش واژه‌های مشخص شده را در عبارت «تو را پاک و پاکیزه و ارجمند و توانا نامیدم.» به ترتیب، بنویسید.	۰/۵
۱۶	درباره تحول معنایی واژه «سوداگران» توضیح دهید.	۰/۵
<b>قلمرو ادبی (۵ نمره)</b>		
۱۷	کاربرد آرایه‌های داده شده را در ابیات زیر نشان دهید. الف) لیک چنان خیره و خاموش ماند ب) بیامد که جوید ز ایران نبرد پ) از سوی خانه بیامد خواجه‌اش کز همه شیرین سخنی گوش ماند (حس آمیزی) سر هم نبرد اندر آرد به گرد (مجاز) بر دکان بنشست فارغ خواجه‌وش (تشبیه)	۰/۷۵
۱۸	آرایه مناسب را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) گلاب است گویی به جویش روان ب) زین کاروان سرای بسی کاروان گذشت پ) پیش دیوار آنچه گویی هوش دار همی شاد گردد ز بویش روان (جناس تام، حس آمیزی) ناچار کاروان شما نیز بگذرد (حسن تعلیل، استعاره) تا نباشد در پس دیوار، گوش (مجاز، اغراق)	۰/۷۵
۱۹	مفهوم هر یک از کنایه‌های زیر را بنویسید. الف) ریش برکندن. ب) سپر انداختن.	۰/۵
۲۰	در تشبیه موجود در بیت زیر «مشبّه‌به» را مشخص کنید. «آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد»	۰/۲۵
۲۱	در عبارت زیر، کاربرد کدام آرایه‌های ادبی مشهود است؟ «درختان را دوست دارم که به احترام تو قیام کرده‌اند و آب را که مهر مادر توست.»	۰/۵
۲۲	هر یک از آثار زیر نوشته یا سروده کیست؟ الف) اخلاق محسنی ب) سمفونی پنجم جنوب پ) دیوار	۰/۷۵
۲۳	جای خالی عبارت زیر را به شکلی درست، پر کنید. «مؤثرترین شیوه‌ای که مولوی در مثنوی معنوی از آن بهره می‌گیرد، شیوه ..... است.»	۰/۵
ادامه سؤالات در صفحه سوم		



به نام خداوند جان و خرد

سوال‌های امتحان هماهنگ درس: فارسی ۱	پایه: دهم	دوره دوم متوسطه	رشته: همه رشته‌ها	تعداد صفحات: ۳ صفحه
نام و نام خانوادگی:	تاریخ امتحان: ۲۰ / ۰۶ / ۱۴۰۲	ساعت آغاز: ۹:۰۰ صبح	مدت امتحان: ۸۵ دقیقه	
دانش آموزان روزانه داخل و خارج کشور در نوبت شهریورماه سال ۱۴۰۲	مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش <a href="http://aee.medu.gov.ir">http://aee.medu.gov.ir</a>			

ردیف	سوال‌ها	بارم
------	---------	------

۲۴	جاهای خالی را با مصراع مناسب کامل کنید. الف) ..... ب) شما را چو باور به یزدان بود .....	۱
----	---	---

قلمرو فکری (۸ نمره)

۲۵	معنی ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید. الف) در مقابله زشتی، آشتی کرد و در مقابله لثیمی، کریمی کرد. ب) ما را به اکرام، به راه دریا گسیل کرد. پ) حالات نکنم که مطربی و مسخرگی پیشه سازی. ت) معلم مشوش بود؛ از در ناسازی صدا برداشت. ث) بیوشید درع سواران جنگ ج) صد هزاران این چنین اشباه بین چ) فروغ رویت اندازی سوی خاک ح) بر تیر جور تان ز تحمل سپر کنم	۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵
----	--	---

۲۶	عبارت «خونت با خون بهایت، حقیقت، در یک تراز ایستاد.» در توصیف چه کسی بیان شده است؟	۰/۲۵
----	--	------

۲۷	شاعر در سروده زیر، چه نسبتی به «عقل» داده است؟ «چندان تناوری و بلند / که به هنگام تماشا / کلاه از سر کودک عقل می افتد.»	۰/۲۵
----	--	------

۲۸	کدام گزینه با بیت «بر در بخت بد فرود آید / هر که گیرد عنان مرکبش آز» پیام مشترک دارد؟ الف) قناعت سر افرازد ای مرد هوش ب) با اینکه کبر نکوهیده عادت است ج) سر پرطمع بر نیاید ز دوش د) آزاده را همی ز تواضع بود بلا	۰/۵
----	---	-----

۲۹	با توجه به بیت زیر، شاعر علت گمراهی انسان‌ها را در چه می‌داند؟ «جمله عالم زین سبب گمراه شد کم کسی ز ابدال حق آگاه شد»	۰/۵
----	---	-----

۳۰	مفهوم کلی عبارت «همین که آفریده‌ای نگاهمان را به خویش معطوف کند، ما را از راه آفریدگار باز می‌گرداند.» چیست؟	۰/۵
----	--	-----

۳۱	مفاهیم «اعتقاد به سرنوشت، یگانه پرستی، تواضع» به ترتیب، در کدام بیت‌ها آمده است؟ الف) جز از جام توحید هرگز ننوشم ب) کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید پ) بلندی از آن یافت کاو پست شد د) زنی گر به تیغ ستم گردن من ه) قضا همی بردش تا به سوی دانه و دام و) در نیستی کوفت تا هست شد	۰/۷۵
----	--	------

۳۲	مولوی در بیت‌های زیر، بر چه مفهوم واحدی تاکید دارد؟ «هر دو نی خوردند از یک آب‌خور هر دو گون زنبور خوردند از محل این یکی خالی و آن پر از شکر لیک شد زان نیش و زین دیگر عسل»	۰/۵
----	--	-----

۳۳	حدیث «حاسبوا قبل أن تحاسبوا» با کدام یک از عبارات‌های زیر قرابت معنایی دارد؟ الف) به زبان دیگر مگوی و به دل دیگر مدار. ب) اندر همه کاری داد از خویشتن بده.	۰/۲۵
----	--	------

۳۴	عبارت «برای من خواندن این که شن‌های ساحل نرم است، بس نیست؛ می‌خواهم که پاهای برهنه‌ام آن را حس کنند. به چشم من، هر شناختی که مبتنی بر احساس نباشد، بیهوده است.» به چه مفهومی اشاره دارد؟	۰/۵
----	--	-----

پیروز و سرفراز باشید

به نام خداوند جان و خرد

ساعت شروع: ۹ صبح	رشته: همه رشته‌ها	راهنمای تصحیح سؤالات امتحان هماهنگ درس: فارسی ۱
تعداد صفحات: ۲ صفحه	تاریخ امتحان: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰	پایه دهم دوره دوم متوسطه
مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش <a href="http://aee.medu.gov.ir">http://aee.medu.gov.ir</a>		دانش آموزان روزانه داخل و خارج کشور در نوبت شهریورماه سال ۱۴۰۲ غایبین موجه

ردیف	پاسخ‌ها	نمره
------	---------	------

همکاران گرامی، خدا قوت، لطفاً به پاسخ‌های درست و مشابه، نمره اختصاص دهید.

**قلمرو زبانی (۷ نمره)**

۰/۵	الف) بی‌درنگ، بدون اندیشه. (۰/۲۵) ص ۱۲۰ ب) جنگ، نبرد، کارزار. (۰/۲۵) ص ۱۰۳	۱
۰/۲۵	شکن (۰/۲۵) ص ۱۴	۲
۰/۲۵	الف) معاصی: گناه (۰/۲۵) ص ۱۲۵	۳
۰/۷۵	الف) اشباه. (۰/۲۵) ص ۱۱۴ ب) خواست (۰/۲۵) ص ۱۴ پ) شست (۰/۲۵) ص ۹۸	۴
۰/۷۵	الف) تزار. (۰/۲۵) ص ۱۴۴ ب) غارب. (۰/۲۵) ص ۶۵ پ) قرض. (۰/۲۵) ص ۶۰	۵
۰/۵	ت) سلیح، هژیر، حاذق، ملطفت. (۰/۵) ص ۱۶۰	۶
۰/۵	الهی [با تو هستم]. ۰/۲۵ حذف فعل به قرینه معنایی (۰/۲۵) ص ۱۴۹	۷
۰/۲۵	الف) در دژ بیستند و غمگین شدند/ پر از غم دل و دیده خونین شدند. ۰/۲۵ ص ۱۰۴	۸
۰/۲۵	کتاب. (۰/۲۵) ص ۳۴	۹
۰/۵	الف) حرف اضافه (۰/۲۵) ب) فک اضافه یا (مفعولی) (۰/۲۵) ص ۹۷	۱۰
۰/۲۵	الف) مضاف‌الیه، مضاف‌الیه، مفعول. (۰/۲۵) ص ۱۴۰	۱۱
۰/۵	الف) رفت. (۰/۲۵) ب) گشت. (۰/۲۵) ص ۵۹	۱۲
۰/۵	الف) عادی. (۰/۲۵) ب) بلاغی. (۰/۲۵) ص ۸۳	۱۳
۰/۲۵	الف) چون داد عادلان به جهان در بقا نکرد/ بیداد ظالمان شما نیز بگذرد. (۰/۲۵) ص ۹۹	۱۴
۰/۵	تو: مفعول. (۰/۲۵) ارجمند: مسند. (۰/۲۵) ص ۱۳۸	۱۵
۰/۵	معنای قدیم: تاجران، بازرگانان. (۰/۲۵) ص ۱۱۵ معنای جدید: سودجویان غیرقانونی (نظیر قاچاقچیان مواد مخدر) (۰/۲۵)	۱۶

**قلمرو ادبی (۵ نمره)**

۰/۷۵	الف) حس آمیزی: شیرین‌سخنی. (۰/۲۵) ص ۱۴ ب) مجاز: ایران. (۰/۲۵) ص ۹۵ پ) تشبیه: مرد بقال به خواجه. (۰/۲۵) ص ۱۱۳	۱۷
ادامه پاسخ‌ها در صفحه دوم		

به نام خداوند جان و خرد

ساعت شروع: ۹ صبح	رشته: همه رشته‌ها	راهنمای تصحیح سؤالات امتحان هماهنگ درس: فارسی ۱
تعداد صفحات: ۲ صفحه	تاریخ امتحان: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰	پایه دهم دوره دوم متوسطه
مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش <a href="http://aee.medu.gov.ir">http://aee.medu.gov.ir</a>		دانش آموزان روزانه داخل و خارج کشور در نوبت شهریورماه سال ۱۴۰۲ غایبین موجه

ردیف	پاسخ‌ها	نمره
۱۸	الف) جناس تام. (۰/۲۵) ص ۱۱۶ ب) استعاره. (۰/۲۵) ص ۳۹ پ) مجاز. (۰/۲۵) ص ۱۵	۰/۷۵
۱۹	الف) شدت ناراحتی. (۰/۲۵) ص ۱۱۳ ب) تسلیم شدن. (۰/۲۵) ص ۱۲۲	۰/۵
۲۰	آب. (۰/۲۵) ص ۳۹	۰/۲۵
۲۱	تشخیص، حسن تعلیل، تلمیح. (ذکر دو مورد بسنده است). (۰/۵) ص ۳۱	۰/۵
۲۲	الف) حسین واعظ کاشفی. (۰/۲۵) ص ۱۱۷ ب) نزار قبانی. (۰/۲۵) ص ۱۳۵ پ) جمال میرصادقی. (۰/۲۵) ص ۲۷	۰/۷۵
۲۳	تمثیل. (۰/۵) ص ۱۱۵	۰/۵
۲۴	الف) گر در طلبت رنجی، ما را برسد شاید. (۰/۵) ص ۵۵ ب) هم او مر شما را نهبان بود. (۰/۵) ص ۱۰۹	۱
<b>قلمرو فکری (۸ نمره)</b>		
۲۵	الف) در برابر رفتار زشت، صلح نمود و در برابر پستی، بخشنده‌گی و بزرگواری کرد. ص ۵۲ ب) ما را با احترام از راه دریا روانه کرد. ص ۵۹ پ) اگر شغل نوازندگی آوازخوانی و دلکی را برگزینی، تو را حلال نمی‌کنم. ص ۱۲۴ ت) معلم آشفته بود؛ به‌عنوان مخالفت فریاد کشید. ص ۶۴ ث) زره جنگ‌جویان را پوشید؛ در آن جنگ، تأخیر جایز نبود. ص ۱۰۲ ج) پدیده‌های بسیاری را، این‌گونه مانند یکدیگر، می‌توانی ببینی که تفاوتشان بسیار زیاد است. ص ۱۱۴ چ) اگر روشنایی چهره‌ات را بر جهان بیندازی، نقش و نگارهای شگفت‌آوری در دنیا ایجاد می‌کنی. ص ۱۰ ح) از صبر و شکیبایی، در برابر تیرباران ظلم شما، سپر می‌سازیم تا دوران اقتدار و زورمندی شما نیز سپری شود. ص ۳۹	۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵
۲۶	امام حسین (ع). (۰/۲۵) ص ۳۲	۰/۲۵
۲۷	ناتوان یا متعجب. (۰/۲۵) ص ۳۳	۰/۲۵
۲۸	الف) قناعت سرافراز دای مرد هوش / سر پرطمع برنیاید ز دوش. (۰/۵) ص ۴۰	۰/۵
۲۹	مقایسه نادرست یا بی‌خبری از حقیقت حال مردان حق. (۰/۵) ص ۱۱۴	۰/۵
۳۰	توجه به وابستگی‌های مادی، انسان را از خداوند دور می‌سازد. (۰/۵) ص ۱۴۰	۰/۵
۳۱	الف) توحید و یگانه‌پرستی. (۰/۲۵) ص ۸۲ ب) اعتقاد به تقدیر یا جبرگرایی. (۰/۲۵) ص ۱۲۵ پ) تواضع. (۰/۲۵) ص ۱۶	۰/۷۵
۳۲	مقایسه ظاهری درست نیست. (۰/۵) ص ۱۱۶	۰/۵
۳۳	ب) اندر همه کاری داد از خویشتن بده. (۰/۲۵) ص ۲۵	۰/۲۵
۳۴	شناخت از طریق تجربه و احساس. (۰/۵) ص ۱۴۱	۰/۵
۲۰	جمع نمره	پیروز باشید